

۲-۲ آموزش

محتن نظم بدیع ۲

"... در جمیع احوال عباد را وصیت نمودیم به امانت و دیانت ..."

اشراقات

تذکرات :

- ۱ - روی جزوات چیزی ننویسید.
 - ۲ - از علامت گذاری - حتی با مداد - اجتناب فرمائید.
 - ۳ - رعایت پاکیزگی در حفظ جزوات بشود.
 - ۴ - راس موعد مقرر و پس از پایان نیمسال ، جزوات متون درسی را به دوستان معارف محل مرجوع فرمایید.
- ✦ رعایت این نکات بدین سبب ضروری است که دوستان دیگر شما نیز قرار است از این متون بعدا استفاده کنند.

فهرست منابع :

صفحات

- ۲ - مجموعه نصوص دربارهٔ بیت العدل اعظم
- ۱۲ - نمودار مجهودات بیت العدل اعظم
- ۱۵ - دوائر و لجنات بیت العدل اعظم
- ۱۶ - ضمیمه دارالتبلیغ بین المللی
- ۱۸ - موقعیت فرد در تشکیلات اداری
- ۲۰ - ضیافات نوزده روزه
- ۲۷ - اختیارات و وظایف محافل روحانیه
- ۳۱ - پیام منیع بیت العدل اعظم مورخ ۱۹ می ۱۹۹۴
- ۴۸ - انتخاب بهائی
- ۵۵ - اقتباس از کتاب نظم اداری (طرح مکاتبه‌ای) و خصائل اهل بها و
اهمیت شور و مشورت فرائض اصحاب شور
- ۵۶ - شرایط مشورت در تشکیلات بهائی - ماخوذ از کتاب خصائل اهل بها و فرائض اصحاب
شور و کتاب نظم اداری (طرح مکاتبه‌ای)
- ۶۳ - مناسبات محافل و افرا - ماخوذ از کتاب خصائل اهل بها و فرائض اصحاب شور
- ۶۶ - تنبیہات اداری
- ۷۳ - ابنیه حول قوس

حضرت عبدالبهاء می فرمایند: "حق جل جلاله یفعل مایشا، است و هیچ چیز قادر به انهدام عهد و پیمان او نیست و نمی تواند الطاف او را سد نماید و یا مخالفت امر او کند، او به اداره خود هر چه خواهد می کند و بر کل اشیا قادر است." (ترجمه) دستخط معهدا علی ج ۱ ص ۱۷۲

مجموعه، نصوص درباره، بیت العدل اعظم

۱- کیفیت تشکیل (طرز انتخاب، رمز بنیان، محل استقرار)

حضرت بهاء الله میفرمایند:

"ید قدرت الهیه امر نازنین را بر اساس متین و محکم استوار فرموده که طوفان انقلابات عالم کون بنیان آن را هرگز منهدم ننماید و اوهام بشر، بنیاد آن را متزلزل نسازد." (ترجمه) دستخط معهدا علی ج ۱ ص ۱۷۲

حضرت بهاء الله میفرمایند:

"این امر مبرم، از جبروت قدم از برای اهل عالم عموماً و اهل مجالس خصوصاً نازل شده چه که اجرای او امر و احکام و حدودات منزله، در کتاب به رجال بیوت عدل الهی تفویض شده و این حکم سبب اعظم از برای اتحاد و علت کبری است برای مخالطه و وداد من فی البلاد." امر و خلق ج ۴ ص ۲۷۸

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

"و بیت عدل عمومی که به انتخاب عموم تاسیس و تشکیل شود، در تحت حفظ و صیانت جمال ابهی و حراست و عصمت فائض از حضرت اعلی روحی لهما الفداء است... اما بیت العدل الذی جعل الله مصدر کل خیر و مصوناً من کل خطا باید به انتخاب عمومی یعنی نفوس موه منه تشکیل شود... و مقصد بیت عدل عمومی است یعنی در جمیع بلاد بیت عدل خصوصی تشکیل شود و آن بیوت عدل بیت عدل عمومی انتخاب نمایند..."

ارکان نظم بدیع ص ۲۲۳

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

"و بیت عدل اعظم به ترتیب و نظامی که در انتخاب مجالس ملت در اروپا انتخاب می شود انتخاب گردد و چون ممالک مهتدی شود، بیوت عدل ممالک، بیت العدل اعظم را انتخاب نماید..."

"مکاتیب عبدالبهاء ج ۳ ص ۵۰۱"

حضرت ولی امر الله می فرمایند:

"آنچه در هویت این امر ابداع اکرم مستور و به تدریج از حیز غیب به عرصه شهود خواهد آمد، اول و اعظم آن، تاسیس دیوان عدل الهی است که اعلی ذروه، قصر مشید نظم اداری امر الله

محسوب و باید در جوار قبله، اهل بهاء و مرکز روحانی آئین یزدانی استقرار یابد."

قرن بدیع ج ۴ ص ۲۸۶

حضرت ولی امرالله می فرمایند:

۰۰۰ الحمدالله آفتاب عدل از افق بهاء الله طالع شد، زیرا در الواح بهاء الله اساس عدلی موجود

که از اول ابداع تا حال به خاطری خطور ننموده " همچنین " خیمه " هستی بر ستون عدل قائم

است نه بخشش و فضل و حیات انسانی بر بنیان عدالت استوار است نه اغماض و ستر."

(ترجمه) ظهور عدل الهی ص ۵۹

حضرت ولی امرالله می فرمایند:

" ۰۰۰ آنچه از حیث اصول، راجع به کیفیت انتخاب، قلم میثاق تصریح فرموده، آن است که باید

محافل مرکزی روحانی بهائیان که من بعد به بیوت عدل خصوصی معروف و موصوف خواهند گشت

خود مستقیماً " اعضای بیت عدل اعظم الهی را انتخاب نمایند ۰۰۰ پس معلوم و واضح گشت که

برحسب تعلیمات مقدسه حضرت عبدالبهاء بیوت عدل خصوصی که در وقت حاضر به محافل مرکزی

روحانی معروف و مشهورند، منتخب منتخبینند و ارکان بیت عدل اعظم الهی، منتخب منتخب

منتخبین." "توقیعات مبارکه ج ۲ ص ۸۹"

حضرت ولی امرالله می فرمایند:

" ۰۰۰ اعمده، محافل مقدسه مرکزی اهل بهاء متدرجا " براس اساس متین و زین محافل محلیه

روحانیه در هر کشوری، ثابت و استوار گردد و براین اعمده مجله قصر مشید بیت العدل اعظمش

مرتفع و منصوب شود و در قطب امکان سر برافرازد و وحدت اهل بهاء را بر روی زمین من اقصاها

الی اقصاها محقق و مجسم سازد." ۰۰۰

"ارکان نظم بدیع ص ۲۲۷ - ۲۲۶"

حضرت ولی امرالله می فرمایند:

" ۰۰۰ و به تاء سیس مراکز منفرده که به منزله نقاطند متوکلا " علی الله مبادرت نمایند و این

مراکز منفرده را به اسرع مایمکن در نتیجه تبلیغ و هدایت نفوس قولا " و عملا " به جماعات که به

منزله حروفاتند تبدیل نمایند و جماعات را متعاقبا " به محافل محلیه که به مثابه کلمات تاماتند

تبدیل دهند و در ازدیاد این محافل روحانیه محلیه در ممالک مختلفه متنادیا " همت بگمارند تا

وسائل انعقاد انجمنهای شور روحانی متدرجا " به کمال متانت، فراهم گردد و ارکان دیوان عدل

الهی مرتبا " منصوب شود و براین ارکان قبه بنیان الهی که بیت عدل اعظم و به مثابه کتاب مبین

است، مرتفع گردد و موء سسات نظم بدیع الهی به این تاج مفخرت عظمی متوج گردد و در دامنه

کرم الهی جبل الرب در مقر معین استقرار یابد." ۰۰۰

"ارکان نظم بدیع ص ۲۳۰"

در خصوص انتخاب بیت العدل اعظم در نظامنامه، معهد اعلیٰ چنین آمده است :

" بیت العدل اعظم مرکب از ۹ نفر عضوا از رجال است که به شرح ذیل از میان افراد جامعه، بهائی انتخاب شده باشند :

بند اول : انتخابات : اعضاء بیت العدل اعظم به وسیله اعضاء محافل روحانیه ملیسه در مؤتمری به نام انجمن شور روحانی بین المللی با ابداء رای سری انتخاب خواهند گردید .
الف - انتخابات بیت العدل اعظم، هر پنجسال یکبار صورت می‌گیرد مگر اینکه در این باره، بیت العدل اعظم قرار دیگری دهند ."

" ارکان نظم بدیع ص ۳۲۹ - ۳۲۸ "

۲ - مقام و منزلت :

حضرت بهاء الله می‌فرمایند :

" ۰۰۰ اشراق هشتم، این فقره از قلم اعلیٰ در این حین مسطور و از کتاب اقدس محسوب امور ملت معلق است به رجال بیت العدل الهی، ایشانند اماناء الله بین عباد و مطالع الامر فی بلاد ۰۰۰ چونکه هر روز را امری و هر حین را حکمی مقتضی، لذا امور به بیت العدل راجع تا آنچه را مصلحت وقت دانند معمول دارند، نفوسیکه لوجه الله بر خدمت امر قیام نمایند، ایشان ملهمند به الهامات غیبی الهی، بر کل اطاعت لازم ۰۰۰ امور سیاسیة کل راجع است به بیت العدل و عبادات بما انزله الله فی الكتاب ."

" اشراقات ص ۷۹ "

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند :

" ۰۰۰ کتاب اقدس، مرجع جمیع امور احکام الهی در آن مصرح، احکام غیر مذکور راجع به قسار بیت العدل، دیگر اسباب اختلافی نه و من یتعد ذلك فاولئك هم الناعقون و اولئك هم الظالمون و اولئك هم الاعداء المبغصون . ز نهار ز نهار نگذارید نفسی رخنه کند و القاء فتنه نماید . اگر اختلاف آرائی حاصل گردد، بیت عدل اعظم فوراً " حل مشکلات فرماید و اکثریت آراء آنچه بیان کند صرف حقیقت است، زیرا بیت عدل اعظم در تحت حمایت و عصمت و عفت سلطان احدیت است و او را صیانت از خطا فرماید و در ظل جناح عفت و عصمت خویش محافظه نماید و هر کس مخالفت کند، مردود گردد و عاقبت مقهور شود ."

" ارکان نظم بدیع ص ۱۸۹ "

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

" مقصود این است که قبل از الف کسی سزاوار تکلم به حرفی نیست و لو مقام ولایت باشد. کتاب اقدس مرجع جمیع امم و احکام الهی در آن مصرح، احکام غیر مذکوره راجع به قرار بیت العدل دیگر اسباب اختلافی نه... "

(ترجمه) دستخط معهد اعلی ج ۱ ص ۱۶۴

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

"... و بیت عدل عمومی که به انتخاب عمومی تأسیس و تشکیل شود، در تحت حفظ و صیانت جمال ابهی و حراست و عصمت فائض از حضرت اعلی روحی لهما الفداست. آنچه قرار دهند من عندالله است من خالفه و خالفهم فقد خالف الله و من عصاهم فقد عصی الله... اما بیت العدل الذی جعله الله مصدر کل خیر و مصونا" من کل خطاء باید به انتخاب عمومی یعنی نفوس موءمنه تشکیل گردد... "

"ارکان نظم بدیع ص ۱۸۹ و ۱۹۰"

و نیز می فرمایند:

"و همچنین ملاحظه نشود که بیت العدل به فکر و رأی خویش قراری دهند، استغفرالله بیست العدل اعظم به سهام و تائید روح القدس قرار و احکام جاری نماید زیرا در تحت وقایت و حمایت و صیانت جمالقدم است. آنچه قرار دهد اتباعش فرض مسلم و واجب متحتم بر کل است ابسدا" مفری از برای نفسی نه... "

"ارکان نظم بدیع ص ۱۹۱ - ۱۹۲"

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

"... حکم مفروض و امر واجب آن است که از قلم اعلی صادر و یا به قرار بیت العدل عمومی حاصل گردد. اما ما ما موریم نه آمر، مکلفیم نه مکلف، هذا حقیقة شریعة الله و اساس دین الله... "

"ارکان نظم بدیع ص ۱۹۴"

و نیز می فرمایند:

"باید کل اقتباس از مرکز امر و بیت العدل نمایند و ماعدهما کل مخالف فی ظلال مبین... "

"ارکان نظم بدیع ص ۱۹۰"

و نیز می فرمایند:

"بگو ای مردم برآستی بیت العدل اعظم در ظل جناح پروردگار مهربان و بخشنده و تحت عون و حمایت اوست. به یاران ثابت قدم خود امر فرموده است که از آن هیئت مجلله مقدسه، مطاعه که اقتدارش من عندالله و مستعد از ملکوت اعلی و احکامش ملهم و روحانی است اطاعت کنند... "

دستخط معهد اعلی ج ۱ ص ۳۰۸

حضرت ولی امرالله می فرمایند:

"کلمه، مبارکه " انه یلهمهم مایشاء، " اطمینان صریح حضرت بهاءالله به این نفوس است و

بنابراین فقط این هیئت مهابطهدایت و الهامات الهیه اند، نه انتخاب کنندگان که راساً و یا غیر مستقیم ایشان را انتخاب می نمایند و این الهام همانا روح حیات و حافظه نهای این ظهور اعظم است.^{۱۰۰} " دستخط معهد اعلی ج ۱ "

و نیز می فرمایند:

"... این معهد اعلی سرچشمه اقدامات و اجراءات کلیه بهائیانست."^{۱۰۰}

منتخبات توقیعات ص ۹۳ خطاب به احبای ایران

و نیز می فرمایند:

"تصمیمات آن مؤسسسه به هیچوجه و صورت با وصایا و الواح حضرت بهاءالله مغایرت ندارد."^{۱۰۰} دستخط معهد اعلی ج ۱ ص ۱۶۹

و نیز می فرمایند:

"اما آنچه در هویت این امر ابداع اکرم مستور و به تدریج از حیز غیب به عرصه شهود خواهد آمد اول و اعظم آن تأسیس دیوان عدل الهی است که اعلی ذروه قصر مشید نظم اداری محسوب و باید در جوار قبله اهل بهاء و مرکز روحانی آئین یزدانی استقرار یابد."^{۱۰۰} (ترجمه) قرن بدیع ج ۴ ص ۲۷۶

حضرت ولی امرالله می فرمایند:

"و چون بیت العدل عمومی تأسیس شود، آنچه قرار دهد من عندالله است و تحت صیانت و عصمت و حراست جمال ابهی...^{۱۰۰}"

ارکان نظم بدیع ص ۱۹۵ و ۱۹۶

و نیز می فرمایند:

"و چون واضح و مؤسس قوانین و احکام غیر منصوصه در کتاب الهی یعنی بیت العدل عمومی...^{۱۰۰} تأسیس گردد، ترتیبی جدید و قانونی محکم و متین و مشروعاتی کامل تشریح نماید و تا تأسیس کند و تمام انجمن های یاران، چه خصوصی و چه عمومی چه داخلی و چه مرکزی کل در ظل آن و مقتبس از آن و مؤسس برآیند...^{۱۰۰}"

حضرت ولی امرالله می فرمایند:

"... معهد جلیل و بنیان قویم و رفیع المقامی که طبق آنچه از قلم شارع مقدس این امر اعظم در شأن آن عز نزول یافته و بدان نام و نشان منعوت گردیده مظهر عدالت کلیه الهیه و مصدر صفات و سنوحت رحمانیه است، صفات و سنوحتی که تحکیم و تنفیذ و صیانت و وقایت آن اعلی رسالت آن هیئت مقدسه را تشکیل می دهد."^{۱۰۰} " ظهور عدل الهی ص ۵۷ "

و نیز می فرمایند:

"مرکز عظیم و معهد رفیع المنازی که طبق نام و عنوان آن مظهر عدالت رحمانیه و حافظ و

حارس معدلت ربانیه است، عدالت و معدلتی که یگانه عامل استقرار حکومت نظم و قانون و ضامن امن و امان در جهان پر همه‌مه و هبجان است."

" ظهور عدل الهی ص ۴۹ "

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند:

" از آن سرچشمه نظم الهی ماء حیوان که کافل حیات ابدیه و دافع شرور و مکاره عالم ترابیه و شافی اسقام و علل مزمناه است، بر تمام اقوام و ملل متباینه، متباغضه، جهان جاری و ساری گردد."

" ارکان نظم بدیع ص ۲۰۰ "

و نیز می‌فرمایند:

" ۰۰۰ چون آن محور مرکزی اهل بهاء در نهایت جلال و اتقان استوار گردد، دوره جدیدی رخ بگشاید و نعماء و الطاف سماویه از آن منهدر گردد و وعود کلیه جلوه نماید ۰۰۰ "

و نیز می‌فرمایند:

" ۰۰۰ حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا از ما دعوت فرموده که نه تنها بدون قید و شرط نظم بدیع جهانی حضرت بهاء الله را بپذیریم، بلکه قدر و ارزش آن را در انظار عالمیان مکشوف سازیم اگر قصد کنیم قدر و منزلت کامل آن را دریابیم، یا پس از این مدت کوتاهی که از زمان اشراق و طلوع آن گذشته بخواییم مفهوم حقیقی اش را درک کنیم، اقدامی بیموقع و گستاخانه کرده‌ایم، بلکه باید تسلیم زمان شویم و به هدایت بیت العدل اعظم الهی اطمینان داشته باشیم تا مفهوم روشنتر و کاملتری از محتویات و آنچه را متضمن است، بدست آوریم ۰۰۰ "

(ترجمه) دستخطهای معهد اعلی ج ۱ ص ۱۷۷

و نیز می‌فرمایند:

" برای درک نظم جهان آرای حضرت بهاء الله دو چیز لازم است: یکی مرور زمان و دیگر هدایت بیت العدل اعظم ۰ "

(دستخط منیع معهد اعلی ج ۱ ص ۳۰۳)

معهد اعلی در پیام مورخ اکتبر ۱۹۶۳ خطاب به عالم بهائی می‌فرمایند:

" ۰۰۰ سلسله عهد و پیمان حضرت بهاء الله از هم نگسسته و از قدرت مکنونه و سیطره محیطه اش نکاسته است. این امتیازات غلیظ دارای دو خاصیت بینظیر است که از عهد ادیان سابقه ممتازش می‌دارد. اول کلمه الله است که در این دور اعظم به طهارت اصلیه اش باقی و بسه تبیینات منصوصه الهیه، غصن اعظم و غصن ممتازش موءکد و واضح و از تصرفات عالم کون و فساد محفوظ و از کدورت تعالیم و عقاید مصنوعه، بشری مصفا و از استنباطات نامشروع و تفاسیر مراجع غیر منصوص، مبری، ثانی زلال هدایت الهیه است که از مجرای موءسه عظیمه ای جاری که حضرت بهاء الله بنفسه بنیانش را تأسیس و به اختیارات عالیه اش مخصص و به هدایت محتومه مطمئنش فرموده است. موءسه ای که ضامن تمشیت امور جامعه، انسان به مقتضای زمان است ۰ "

و نیز در دستخط ۲۷ می ۱۹۶۶ می فرمایند :

" بیت العدل اعظم که به فرموده هیکل مبارک حضرت ولی امرالله در آینده ایام به عنوان " آخرین ملجاء و پناه مدنیت متزلزل و پیر آشوب " مسحوب " .

" دستخط معهد اعلی ج ۱ ص ۳۲۰ "

۳- وظایف و اختیارات :

حضرت بهاءالله می فرمایند :

" ۰۰۰ کلمة الله در ورق هشتم از فردوس اعلی ۰۰۰ آنچه در حدودات در کتاب بر حسب ظاهر نازل نشده باید امنای بیت العدل مشورت نمایند، آنچه پسندیدند مجری دارند، انه یلهمهم ما یشاء و

هوالمدير العليم ۰۰۰ " کلمات فردوسیة " ارکان نظم بدیع ص ۲۰۷

و نیز می فرمایند :

" باید وزراء بیت عدل صلح اکبر را اجرا نمایند تا عالم از مصاریف باهظه فارغ و آزاد شود . این فقره لازم و واجب، چه که محاربه است زحمت و مشقت است . "

" دریای دانش ص ۹۱ "

حضرت عبدالبهاء می فرمایند :

" ۰۰۰ و چون بیت عدل واضح قوانین غیر منصوصه از معاملات است، نسخ این مسائل نیز تواند بود، یعنی بیت عدل الیوم در مسئله ای قانونی نهد و معمول گردد ولی بعد از صدسال حال عمومی تغییر کلی حاصل نماید، اختلاف ازمان حصول یابد، بیت عدل ثانی تواند آن مسئله، ثانویه را تبدیل به حسب اقتضای زمان نماید زیرا نص صریح الهی نیست ۰۰۰ "

" ارکان نظم بدیع ص ۲۰۴ "

حضرت عبدالبهاء می فرمایند :

" ۰۰۰ اگر نزاع و جدال حاصل گردد، حکمش راجع به بیت عدل است ۰۰۰ "

" ارکان نظم بدیع ص ۲۱۳ "

و نیز می فرمایند :

" بیت العدل مصدر تشریح است و حکومت قوه تنفیذ، تشریح باید مؤید به تنفیذ گردد و تنفیذ باید ظهیر و معین تشریح شود تا از ارتباط این دو قوه بنیان عدل و انصاف متین و ورزین گردد و اقالیم جنت النعیم و بهشت برین شود ۰۰۰ "

الواح وصایا، ارکان نظم بدیع ص ۳۱۴

حضرت عبدالبهاء می فرمایند :

" ۰۰۰ کتاب اقدس مرجع جمیع امم و احکام الهی در آن مصرح، احکام غیر مذکور راجع به قسرار بیت العدل . دیگر اسباب اختلافی نه ۰۰۰ زنها زنهار نگذارید نفسی رخنه کند و القاء فتنه

نماید. اگر اختلاف آراشی حاصل گردد، بیت عدل اعظم فوراً " حل مشکلات فرماید و اکثریت آراء آنچه بیان کند صرف حقیقت است "۰۰۰

ارکان نظم بدیع ص ۱۸۹

و نیز می فرمایند:

" ۰۰۰ اما بیت عدل الذي جعله الله مصدر كل خير و مصونا " من كل خطا ۰۰۰ مرجع كل امورا ست و موءسس قوانین و احكامی كه در نصوص الهی موجود نه و جمیع مسائل مشكله در این مجلس حل می گردد ۰۰۰ مرجع كل كتاب اقدس و هر مسئله غیر منصوصه راجع به بیت عدل عمومی و بیت عدل آنچه بالاتفاق و یا باكثريت آراء تحقق یابد، همان حق و مرادالله است من تجاوز عنه فهممن احب الشقاق و اظهر النفاق و اعرض عن رب الميثاق ۰۰۰"

" ارکان نظم بدیع ص ۱۹۰"

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

" ۰۰۰ و در آنچه اختلاف واقع یا مسائل مبهمه و یا مسائل غیر منصوصه مذاکره نمایند، هر چه تقرر یابد همان مانند نص است "۰

الواح وصایا

و نیز می فرمایند:

" من مبين آيات جمال مباركم و منصوص قلم اعلى كل بايد اطاعت نمایند. جميع امور به مبين منصوص راجع و اما بعد رجوع كل به بیت عدل الهی است "۰

" بدایع الاثار ج ۱ ص ۱۱۱"

و نیز می فرمایند:

" ۰۰۰ تکلیف این عبد بیان نصوص قاطعه است و ماعدای آنچه در کتاب منصوص راجع به بیت عدل است ۰۰۰"

" امر و خلق ج ۴ ص ۲۹۱"

و نیز می فرمایند:

" ۰۰۰ از میزان کلمه، بدعت سؤال نموده بودی، بدعت احکامی است که نص کتاب نه و بیت العدل عمومی تصدیق آن ننماید "۰

" مائده، آسمانی ج ۲ ص ۱۰۵"

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

" حضرت بهاء الله فرموده اند که هرگاه اهل بهاء اختلاف کنند ولو در باره خود بهاء الله باشد. در صورت اختلاف هر دو باطلند و کل را به رجوع به بیت عدل امر فرمودند و قبل از آن امور را به مرکز میثاق راجع و کل را امر به اطاعت فرمودند ۰۰۰"

امر و خلق ج ۴ ص ۳۰۷

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

" ۰۰۰ میترسم باز نفوس خود خواه اخلاص در الفت و اتحاد احباء نمایند، اگر وقت مقتضی بود و

تاء سپس بیت عدل می شد، بیت عدل محافظه می نمود ۰۰۰ بدایع الاثار ج ۱ ص ۲۵۰

و نیز می فرمایند :

" ۰۰۰ بعد از عبدالبهاء هر وقت بیت العدل عمومی تشکیل شود، زافع اختلاف خواهد بود ۰۰۰ "

"نقل از نطق مبارك در ۱۹ جولای ۱۹۱۲ در ریورساید"
حضور مبارك
" هنگامیکه جناب یوسف ثابت وجدانی به حضرت عبدالبهاء مشرف بودند، عرض کرد، قربانت
گردم یکی دو نفر از مردمان بی دانش در همدان هستند و بعضی زمزمه ها دارند ۰۰۰ لوحی را نسبت
به جمالقدم داده و ارائه داده بودند که در آنجا نعوذبالله صراحتاً " تشتت و تفرق امر مبارك رابه
عدد "کلثی" معین نموده، بهر وسیله ای بوده است سوادى به دست آورده به حضور مبارك ارسال
داشته اند ۰ فرمودند: از این قبیل بسیار پیدامی شود، تحیر ندارد، بیت العدل درست می کند، بیت
العدل جميع آثار والواح مقدسه را جمع نموده و به دقت ملاحظه کرده، حکم قطعی می نماید و هرکس
حرفی بزند، دندانش را می شکند ۰۰۰ "

" محاضرات ج ۱ ص ۳۲۵ "

حضرت ولی امرالله می فرمایند :

" ۰۰۰ بیت العدل عمومی جميع امور امری جهان را متحد ساخته، قوت می دهد، مرتب نموده و
راهنمایی می کند زیرا این معهد اعلی سرچشمه اقدامات و اجرائات کلیه بهائیان است ۰۰۰ "
" ارکان نظم بدیع ص ۱۹۶ "

حضرت ولی امرالله می فرمایند :

" تکلیف شدیم آن است که افکار را حصر نموده به تمام قوی و به مشورت احباء متوجها " الیه و
معتمدا " علیه تمهیدات مهمه لازم از برای تشکیل آن مرجعی که در مستقبل حلال مشکلات و
واضح احکام و شرایع غیر منصوصه و مبین امور مبهمه است، حتی المقدور فراهم آورم ۰۰۰ "
" مائده آسمانی ج ۳ - ص ۱۸ "

بیت العدل اعظم الهی دریکی از دستخطهای منیع خویش به نقل از حضرت ولی امرالله می فرمایند:
" ۰۰۰ این موءسه امور امریه را در سراسر جهان هدایت نماید و متشکل و هم آهنگ سازد و اوضاع و
احوال را کلا " مورد مطالعه، جدید قرار داده، وضع اصولی نماید که تا مدتی که مقتضی است امور
امریه بروفق آن اداره گردد ۰۰۰ " (دستخط معهد اعلی ج ۱ ص ۲۰)

حضرت ولی امرالله می فرمایند :

" ابناء عصر حاضر زمانا " بسیار نزدیک به این اسناد والواح و موءسسات می باشند ۰ به طوریکه
هیچیک قادر نیستند که ادعا نمایند کمالا " به حکم مودوعه آن پی برده و به اسرارمکنونه آن بصیر
شده باشند ۰ نسل آتی می تواند قیمت و اهمیت این شاهکار الهی را که ید قدرت خلاق آن برای نصرت
و غلبه امر اطهرش در عالم ایجاد نموده، استنباط کنند ۰۰۰ " ارکان نظم بدیع ص ۷۳

و نیز می فرمایند :

" مرجعی که در مستقبل حلال مشکلات و واضح احکام و شرایع غیر منصوصه و مبین امور مبهمه است ۰ "

" مائده آسمانی ج ۳ ص ۱۸ "

تکمیل در اعظم الهی

۱۹۷۴ ۱۹۷۳ ۱۹۷۲ ۱۹۷۱ ۱۹۷۰ ۱۹۶۹ ۱۹۶۸ ۱۹۶۷

تشکیل چهارمین دوره بیت العدل اعظم با حضور ۱۳۰ مصلح ملی رمضان ۱۹۷۸

- ۱- کنگره‌های منطقه در طی نقشه
- ۱- دو کنگره بین مخصوص نواحی قطبی:
الف- آنکارا ج بهلستان طی جولای ۱۹۷۶
- ۲- کنگره‌ها در پاریس اوت ۱۹۷۶
- ۳- کنگره‌ها در نابرونی اکتبر ۱۹۷۶
- ۴- کنگره‌ها در براس هانگ کنگ
نوامبر ۱۹۷۶
- ۵- کنگره‌ها در اولند- نیوزلند
نوزم ۱۹۷۷
- ۶- کنگره‌ها در شهر مریدا در مکزیک
فوریه ۱۹۷۷

مردمین سال نوزاد کتاب
اقتباس ۱۹۷۳

انتخاب سومین دوره بیت العدل اعظم با حضور ۱۱۴ مصلح ملی رمضان ۱۹۷۸

انتخاب شورای الاذکار
پایان رمضان ۱۹۷۲

نیزین اولین اساسی بیت العدل اعظم زاموس (۱۹۷۲) ۲۶ نوامبر ۱۹۷۲

فرزادان ستودنی جهان
علامتی جهت اهدای شرق الاذکار
مدرسی کوه کرمل دسامبر ۱۹۷۱

برگزاری کنفرانس پانزدهمین سال بنیاد
مجلس بنیاد
مردمین سال سرگودین
خاندانم در یک
اکتبر ۱۹۶۸

اهدای مشرق الاذکار و فرانکفورت در آلمان غربی
جولای ۱۹۶۴

برگزاری ششمین کنفرانس بین قاره ای در اکتبر ۱۹۶۷

۱- پاناما
۲- ولایت در آمریکا
۳- سوری در استرالیا
۴- فرانکفورت در آلمان
۵- دهل نو در هندوستان
۶- کامبالاد افریقا

اطلاعات نااستیمن
هفت های مشاورین
تاریخ ای استقلال جنبش
های مبارزت آبادی
حیثیت های مطهرت بیست و یک

انتخاب زمین
دوره بیت العدل
اعظم با حضور ۱۱۴ مصلح ملی رمضان ۱۹۷۸

۲۸ نوامبر ۱۹۷۱ ضیاع حسین سالگره حضور حضرت عبدالعزیز

- برگزاری ۵ کنفرانس با حضور
بین قاره ای (۱۹۷۱-۱۹۷۳)
- ۱- پاپیه مری
۲- زمین جزیره بریتین
۳- سودا نیجریه
۴- کیکیون جامائیکا
۵- سنگاپور
۶- ضرورت لیبیا
۷- ساپور در ژاپن
۸- ریچاویکی ایتلیه

تعداد مصلحان که
نشان در آنتیبات کنفرانس

۱۹۷۴ → ۱۵۱۳۸
۱۹۷۶ → ۲۱۰۰۶
۱۹۶۷ → ۲۸۲۱۷
۱۹۷۱ → ۴۲۳۳۴
۱۹۷۲ → ۵۶۶۴۵
مصلح ملی ۱۰۱

- آثار بیان مقررات
اعظم بر کوه کرمل
تحقیق و تعیین معانی
و راه های حل باقی معنی
استعمار محضرات در
سبیل تعظیم روابط
بین حامد بین المللی
محافل و ملت متحد
- اعلام بنظر استعمار
امروزه از تیره ها
ارتقاءات دنییه
- تأسیس ۶ مؤسسه
مطبوعات استری

نورین و تنظیم مقررات
مبارک - ترجمه های
موقر - ترجمه های از
مقررات مبارک در روح
انگلیسی
الف- مجموعه ای از آثار
مبارک حضرت نظام الدین
گبار از کتاب انورس
تا زبان گشته
ب- مجموعه ای از آثار
و تنظیمات آیات حضرت
اعظم

- تشکیل ۱۱ مصلح ملی جدید
- ۱- باطالیس ۹- برهمبریس
۲- نوروزی ۱۰- سبیل
۳- تبریس ۱۱- سنگال
۴- آنتیل جزیره ۱۲- سزائون
۵- پزان ۱۳- جولان
۶- اردن ۱۴- مورسپام در
۷- عالی گنی بزانسه
۸- مویانا ۱۶- ولای علیا
(بریکانا سوم)

عمر تگورین - بیت‌المدین - درالاعظم العلی

۱۹۷۹

۱۹۸۳

۱۹۸۲

تقویم سال

تفصیل

- پیشرو ستاد ارتش افغانی شرقی الاذکار هندوستان

- اصلاح و تعمیر جناح چپ بروجید احمد باشا

- ابتیاع رسمی و تدفین ام‌المطهر محمد اعظم (رسول)

- دکان و بنام دارالتبلیغ و انتحال بیت‌المدین

اعظم بن محمد زکریا مدنی

- تخریب نقشه‌های انجمن جوانان مدرس مدرسه

انجمن

- رشد و بلوغ ذاتی در نظریه و تکامل مؤسسه

انجمن

- توسعه نظامی استعدارات و مستقریات

معاقل و معانی علمی

تشکیل مهم

مست - لویا و روسیکا

- تأسیس دوازده توسعه اجتماعی و اقتصادی

- تشکیل دوازده اطلاعات عمومی

کتابخانه‌های متعدده در وطن

۱- دویلین - ابریک ۲۷ جولای ۱۹۸۳

۲- کیرتیا کرا دور ۸ جولای ۱۹۸۲

۳- لاگوس - پنجه پنجه ۲۹ جولای ۱۹۸۲

۴- کامبرا - استرلیا ۲۵ جولای ۱۹۸۲

۵- مورتونک - کانبرا ۵ جولای ۱۹۸۲

تشکیل پنجمین دوره
بیت‌المدین اعظم با حضور
۱۴۳۱ معین ملی رضوان ۱۹۸۳

انتشار پیام حس

بیت‌المدین اعظم العلی

- از برادر اعضای دارالتبلیغ بین‌المللی و هیئت‌های شاخه‌ای

قاری عیسی دارالتبلیغ

- از برادران علمی شادریه از ۱۳۳۱ تا ۷۲ نفر

- تفتیش و یک دوره خدمت ۵ ساله محبت‌های سعادت

- از برادرین و نظامی دارالتبلیغ بین‌المللی و انتقال آن به

مسائرها ن شرفی

- افتتاح به اینگاه راد پوین جویا
تأسیس مؤسسه علمی و تحقیقاتی
ایالات متحده آمریکا

آمار جامع معانی معانی در بیان تقسیمه هفت ساله از اردیبهشت ۲۵ - آوریل ۱۹۸۱

مؤسسه‌های مطبوعاتی ۲۵

مدارس معانی ۵۹۹

طرز معانی توسعه‌ی دیگر ۴۳

مدارک خدمت اجتماعی که در این معانی استقراریات ۴۸

جامع پیش از ۱۹۱۲۸

تعداد منتشر ۲۷۳۵۰

مجموعی کاغذ، مقیم ۱۱۳۷۰۷

کتاب‌های عمومی و خصوصی ۲۱۱۳

توجه‌های ترجمه‌ی نامه ۷۵۷

معانی علمی ۱۴۸

معاقل معنی ۳۲۸۵۴

مدارک مستعمل که در این معانی استقراریات ۱۳۱

مدارک خدمت اجتماعی که در این معانی استقراریات ۴۸

جامع پیش از ۱۹۱۲۸

تعداد منتشر ۲۷۳۵۰

مجموعی کاغذ، مقیم ۱۱۳۷۰۷

کتاب‌های عمومی و خصوصی ۲۱۱۳

توجه‌های ترجمه‌ی نامه ۷۵۷

عمرالدین بیت المدخل اعظم المومنین

۱۹۸۸

۱۹۸۶

تقدیم نموده سال

انتخاب نخستین دوره بیت -
المدخل اعظم با حضور ۱۴۸ نفر
مجلس رضوان ۱۹۸۸

آغاز مدارج عمرالدین آقا میرزا علی

عقد مشورت بین معارف ملی
و سایر زمین های نفعی بار
هیت ترسیم اهداف ملی
مبتنی بر نقشه های
چین المللی

۱۹۸۸م ۲۳۸ هزار روستا اولای تقسیمه که در ۱۹
مناطق استعمار یافتند
- استقرار دولت از فارس تا امر در جزایر ساقا -
و گنبد اهدان تقسیمه چهار کلبه اکبر

- تشکیل مجوز مدخل روحانی ملی زنجیر
- تأسیس دو مدخل ملی جدید: ماکا و زچین بر مغان (و گنبد بسیار در
آمریقای غربی
- تشکیل مدخل روحانی، ملی، عشق آباد
- تشکیل اولین مدخل روحانی ملی بلوک شرق
- تکمیل نقشه مزبور بین مدخل روحانی در طی نقشه ۳ ساله هیت مدخل
بلوک شرق و آسیای کورینیک

- افتتاح رسمی مشرق الا از کار هندوستان
- تعمیر طرح ابنیه حول کورس و صرافی
کرمل
- موافقت با نقشه های طرح های ساختمانی
ابنیه کرمل توسط کمیسیون
تعمیر سازی نامهای

ایمان و آیدال حدود یک میلیون نفر در طی دو سال (۱۹۸۶ و ۱۹۸۸)

اقتضایات و اسفار هفتاد و یک باره در اتمام تمام
علم از جمله چین، مغربستان، و چینم و رشتندوی

حداکثر اطلاعات امر جهانی در پروژای بیت که اولین مؤسسه اطلاعات امر جهانی در
ممالک اروپای شرقی است
- تأسیس شعبه های جامعه بین المللی جهانی در مختلف دنیا
- انعقاد موافقت نامه و برقراری جامعه بین المللی جهانی و سازمان جهانی
- تعمیر رسمی برنام دولتی و مبارزه امر جهانی و مبارزه دولتی بیست و نوزده و راستارایا
- مشارکت جامعه امر در برنامه هنر برای طبیعت به نفع هندوئی بین المللی حفاظت
از طبیعت
- عضویت امر در کمیته حفاظت و دولت از منابع هندوئی جهانی طبیعت
- اجتماع نمایندگان امر با جنبه معانی ملی جهانی و نمایندگان مسنون و دفتر بین المللی
جهانی مبنی بر ایجاد شبکه ای از خدمات بین المللی
- اتمام برای تأسیس کورس جهانی در دانشگاه های بریتانیا و نیوزور - تشکیل دفتر جامعه بین المللی جهانی
رومانیایی ملل متحد سووا (رنجی) - همکاری با هیئت بین المللی سوادآموزی تحت نظر سازمان یونسکو
- تأسیس دفتر محیط زیست و برنامه های مورد اجتماع سالانه با هدف بین المللی از آن جنگل های جهانی

- آغاز تحقیقات برای انعقاد مراسم تبادل یکصدمین سال عروج جهان ایمن - اطلاعات مربوط به
انعقاد کنگره جهانی در سال ۱۹۹۲ در مدیته شینگان (ژنوا) - تقسیمه مراتب انباشت بر وجه انگلیسی
کتاب اختلاف افراس

سنة مقدس

سنة سینه ساله

سنة سیف چهار ساله

- طرح سه ساله تبلیغ در گمانا
- انتشار روزنامه ماهیه حضرت بهاء الله
- طرح نقشه سه ساله

- دستور تشکیل هزاره
- حمل ملی

- برگزاری مراسم گرامی در سال صدور حضرت بهاء الله
- نصب لوحه مذهبی علی ایام نمایان از حضرت بهاء الله در محل روز چهارشنبه
- برگزاری اولین نگر جهانی در زمینه شایق از نیویورک

- ایجاد شورای جهانی در اروپا
- برابط رسمی دفتر جامعه جهانی با کنفرانس جهانی در پاریس
- و صلح
- گروسیس های دستور در منع از جامعه جهانیان ایران

- طرح عظیم مسافرانهای جیل الارب شامل اینیه
- حول قوس و اطمینات تمام املی

- شرکت دانشمندان جامعه جهانی در مجالس
- همه جهانی نظیر کنفرانس سازمان ملل و شورای مخالفت معطربیت و توسعه در برید و در لیست
- حمایت از خارجی امرواله

- انتشار کتاب ستاره اقدس به زبان انگلیسی
- هنر نظام و تربیعات
- اادامه مسافران مشهورات کره کرول

- ۳۰ هزار دوره پنجمه دارالاشیخ برب اللالی
- شرکت نمایندگان بیت العدل اعظم از صفت
- اولین سرور جهانی ملی جوید (کامیج پیوستگان
- اعلامیه براتقان خیریتان اهریکان
- از یکسانی

- شماره باصنوت ادای اولاد و سارین قاروانی در حضور شکلات و رنگات باجه جهانی برای در
- گتریش آموزه شادترین در روز جهانی باقی
- اعلامی نقشه چهار ساله (از فرسوان ۱۹۹۶ تا فرسوان ۲۰۰۰)

۱- سنت انگلت - ستون روزنامه اولین مشهور در
بای نیسیه دارانما بین المللی است سنت تراداشیخ برب
الطالی - سوسیت چی پی پی پی - متن طبع از شکلت نیل
تلم اولی کلیل کریمه
۲- بیجا در بیان شکلت کوصل الملاد - نقده هنر نشسته
سه ساله از... به نظام بر نامه
۳- نقل ه نزل بر طالی ملی میله
۴- از یاد باقی نویسه باجه و تبلیغ طار
۵- ایندی کوه سوزین کوه - سوزین امانه به برای
نوبت بیخشی نشسته سازای

- استقلال از یاد آب - موسرات الالبی برای
تجیه شرف - موسر ساقا خالی فرس
کرول

- تشکیل مجمع منحل جدید (ریستان سارستان
طبریه - سیسل و ابریه)

اصول نقشه چهار ساله .
۱- ادامه ساختن جامعه جهانی برای تقابل با تفریق در
دنیای مادی سید محمد .
۲- به حرکت آمدن ریش برین بر ملاک زبور و آثار
در تقابل استقامت و انقلابات - از این فرزند علی اولاد
کار جامعه باقی)
۳- پیوستگی هم در میان دفتل انواع مقبلین

لجنات ودوائر بيت العدل اعظم

۱- دازالانشاء:

این دایره مکاتبات بیت العدل اعظم را بر عهده دارد.

۲- لجنه‌های مهاجرت قاره‌ای:

پنج لجنه، مهاجرت قاره‌ای، برای قارات آسیا، اروپا، آمریکا، آفریقا، اقیانوسیه، زیر نظر بیت العدل اعظم به خدمات خود قائمند. وظیفه، این لجنات رسیدگی به وضع نقشه‌های مهاجرتی در قاره تحت اشراف خود و دادن آمارهای لازم به بیت العدل اعظم است. این آمارها، معمولاً "به طور ماهیانه داده می‌شود" و در اختیار لجنات قاره‌ای قرار می‌گیرد. (نظیر مهاجرین اعزام شده، مهاجرین مستقر شده، مهاجرین تغییر مکان یافته و...) (۰۰۰)

۳- لجنات سمعی وبصری بین‌المللی:

مسئول امور سمعی وبصری در سطح جهانی است و اسلاید، ویدئو، پوستر و... را در اختیار محافل روحانیه ملیه قرار می‌دهد.

۴- نمایندگی جامعه، بهائی در سازمان ملل متحد:

این نمایندگی که با دوائر غیر دولتی در سازمان ملل نظیر، سازمان اجتماعی، اقتصادی، علمی، فرهنگی ارتباط دارد و مقر اصلی آن در سازمان ملل است، ابتدا تحت اشراف محفل ملی آمریکا به خدمات خود ادامه می‌داد ولی با پیشرفت امور، مستقلاً زیر نظریت بیت العدل اعظم به خدمات خود ادامه می‌دهد. این دفتر دارای شعبه‌ای در دفتر اروپائی سازمان ملل متحد است.

۵- دائرة تحقیق:

این دائرة تحقیقاتی در مسائل مختلف از نصوص مقدسه براساس اوامر بیت العدل اعظم انجام می‌دهد و تاکنون نتایج این تحقیقات در اختیار جامعه، امر قرار گرفته است. از جمله این اقدامات می‌توان تعلیم و تربیت بهائی، عهد عصر تکوین، حقوق الله، مقام زن در امر... را نام برد.

۶- دائرة اقتصادی، اجتماعی:

این دائرة به منظور هم‌آهنگ بودن فعالیت‌های اقتصادی اجتماعی جامعه، بهائی در سطح جهانی برای خدمت به نوع انسانی فعالیت می‌کند.

۷- دائرة اطلاعات:

این دائرة، مسئولیت دادن اطلاعات لازم در باره، امر بهائی را به گروه‌های روابط عمومی بر عهده

دارد.

۸- دفتر جامعه بین المللی بهائی برای ترقی نسوان :

به سبب سعی و کوشش در اعتلای مقام نسوان در تعدادی از کشورها - علاوه بر شرکت ا حبا - در طرح هایی که از طرف سازمانهای دیگر ترتیب یافته - موءسسات امری، لجنات و دفاتری برای حفظ مصالح نسوان تشکیل داده اند . به تاءسیس این دفتر بین المللی در پیام رضوان ۱۵۲ بشارت داده شده است .

ضمیمه قسمت " دارالتبلیغ بین المللی " مندرج در صفحات ۱۸۸ - ۱۸۳ ارکان نظم بدیع

دستخط معهد اعلی در خصوص وظایف و ازدیاد اعضاء رسمی موءسسه دارالتبلیغ بین المللی

" پیروان حضرت بهاء الله در سراسر جهان طراً ملاحظه فرمایند : "

یاران عزیز و محبوب ، طی دهسال دارالتبلیغ بین المللی خدمات ذی ارزشی در مرکز جهانی امسر انجام داده است و با کمال سرور اکنون مراحل اساسی جهت توسعه این موءسسه حیاتی برای نظم اداری حضرت بهاء الله را به اطلاع می رسانیم .

پس از صعود مصیبت بار جناب " پلهنی " فقط ۲ نفر از حضرات ایادی در ارض اقدس مقیم هستند اکنون تصمیم بر آن گرفته شد که از جنابان دکتر علی محمد ورقا و " کولیز فدرستون " تقاضا شود که در انجام وظایف مخصوص حضرات ایادی مقیم ارض اقدس در صورت لزوم مثلاً " موارد نظیر نقض عهد شرکت نمایند . آنان می توانند این وظیفه را از طریق مکاتبه یا حضور متناوب در مرکز جهانی انجام دهند .

همچنین تصمیم گرفته شد تعداد اعضاء رسمی دارالتبلیغ به ۹ نفر ازدیاد یابد . امه موقنه خانم " فلورانس می بیری " به علت بیماری مرکز جهانی را ترک خواهند نمود و خدمات بسیار ذی ارزش ایشان با این موءسسه خاتمه می یابد . بنابراین ۴ نفر از هیئت مشاورین به عضویت این موءسسه انتخاب شدند .

خانم دکتر " مکدالن کارنی " جناب " مسعود خمسی " ، " دکتر پیتر خان ، و خانم " ایزابل صبری " که اکنون از آنان درخواست شده است که به ارض اقدس منتقل و به حضرات ایادی امهالبهائا روحیه خانم و جناب فروتن و حضرات مشاورین " آن لوئیز بوب " ، " هوپردانبار " و " عزیز یزدی " ملحق گردند .

همچنین تصمیم گرفته ایم که همانگونه که قبلاً " اطلاع داده شده است ، یکدوره پنجساله برای اعضاء مشاور دارالتبلیغ تعیین نمائیم . هر دوره از ۲۳ می بلافاصله پس از تشکیل انجمن شور بین المللی بهائی آغاز می شود . دوره فعلی در ۲۳ می ۱۹۸۸ خاتمه خواهد یافت . اگر به عللی معهد اعلی قادر به انتخاب اعضاء جدید در آخر هر دوره پنجساله نباشد ، مشاورین به خدمت خود تا زمانیکه انتمایات جدید عملی خواهد شد ، ادامه خواهند داد .

با توجه به پیشرفت سریع امر که دوره مجهولیت را پشت سر گذاشته است و تنوع فعالیتها که یاران در بسیاری از نقاط در مسائل مختلفه نظیر تعلیم و تربیت ، توسعه روستایی ، رادیو و روابط عمومی ، مسائلی که توجه معهد را بیش از پیش به خود معطوف می دارد ، برعهده دارند ، ما تصمیم براین گرفته ایم که زمان برای دادن مسئولیتهای بیشتری به دارالتبلیغ در مسائل صیانت و ترویج امر مناسب است . وظائف مرکز جهانی اعم از آنچه قبلاً برعهده داشته اند و آنچه که اکنون به آنها

محول شده است به قرار زیر است :

- قبول مسئولیت کامل برای هماهنگ نمودن، ایجاد تحرك و تنظيم و ترتيب امور هيا تهای مشاورين و عمل

به عنوان رابط بين اين هيئتها و معهد اعلى .

- اطلاع كامل از وضعيت امر در سراسر جهان و دادن گزارش و ارائه پيشنهادات به معهد اعلى و

توصيه نمودن به هيا تهای مشاورين براساس اين اطلاعات .

- توجه تام به حفظ و صيانت امراهی .

- آگاهی كامل به امكانات توسعه ، فعاليتهاي تبليغی و زندگي اقتصادي ، اجتماعي در داخل و خارج امر

و آگاه نمودن معهد اعلى و هيا تهای مشاورين به اين امكانات و ارائه پيشنهادات عملي .

- تعيين و پيش بينی نیاز به آثار امري ، مهاجرين و مبلغين سيار و طرح نقشه های تبليغی اعتم از

منطقه ای و جهانی برای تصويب معهد اعلى .

- تنظيم وظيفات لجنات مهاجرت قاره ای .

- اداره معارف صندوق توکيل بين المللی .

- تنظيم بودجه ، سالانه که به وسيله صندوق بين المللی بهائی در اختيار هيا تهای مشاورين قاره ای

جهت فعاليتهاي خاص تبليغی و آثار امري و در صورت لزوم ، تبرع به صندوقهای قاره ای قرار خواهد گرفت .

انتقال وظائف و مسئوليتها که در تصميمات فوق ذکر شده است به تدريج با اسکان اعضاء جديد در

ارض اقدس عمل خواهد شد . در وضع فعلی آنان مثل سابق عمل خواهند نمود .

عنقريب دارالتبليغ بين المللی به مرکز جديد که نزديک بيت حضرت عبدالبهاء است يعنسی

ساختمانی که مدتی مدید به عنوان مسافرخانه غربی و سپس به عنوان مقر شورای جهانی بهائی و در بيست

سال اخير به عنوان مقر معهد اعلى بوده است ، منتقل خواهد شد . اين مکان اکنون مناسبترين محل برای

دارالتبليغ بين المللی است ، تا اينکه به مقر دائمی خود که در کوه کرمل در قرب دارالتشريع بنا خواهد

شد منتقل گردد .

ما ضميمانه دعا می کنيم که تصميمات متخذة کنونی به زيور تاء پيداد جمالقدم جل ذکرة الاعظم ، مزین

گردد و مرکز جهانی بتواند به وضع موثری فعاليتهاي مجدانه و توأم با ايشار ياران الهی در هر نقطه ،

جهان در اين ساليان سرنوشت ساز و توأم با مبارزه روحانی را که در برابر ما قرار دارد ، تنظيم و ترتيب

دهند .

فرد در جامعه، بهائی مقام و منزلتی خاص دارد، قدرت و ترقی و تدنی جامعه به او وابسته است. اراده و اندیشه و تفکر و تدبیر فرد در اتخاذ تصمیمات و اعتلای جامعه مؤثر است. فرد بهائی بنفسه برخوردار از آزادی افکار و اندیشه و ابراز خلاقیت و ابداع نقشه‌ها و پیشنهادات شایسته در نظام بهائی است و چه بسا فردی با رفتار و کرداری موافق شاهن و مقام شریعت الله تمجید و تحسین دیگران را برانگیزد و اقبال افراد مختلف را به ظل امر الهی موجب گردد یا بر اثر قیام يك فرد به خدمت امرالله و نشر نفعات الله اعتبار و حیثیتی خاص برای جامعه بدست آید و در انتشار و اشتهاار دین الله مؤثر افتد.

فرد بهائی به منزله، واحد اساسی و سازنده، سلسله تشکیلات عظیمه متینه امر بهائی محسوب می‌شود که عالم بشری را به سوی هدف متعالی وحدت سوق میدهد و بدون حمایت و قیام مستمر و مداوم افراد بهائی هیچ تصمیم و نقشه‌ای به نتیجه و ثمر نهایی منجر نخواهد شد.^۱

حضرت شوقی ربانی ولی امر بهائی در توصیف فرد بهائی می‌فرماید قوله الاحلی: "فرد به منزله، تار و پود جامعه است که کیفیت و نفاست بافت آن بسته به اوست. او در حکم یکی از حلقه‌های بیشمسار زنجیر محکمی است که اکنون کره، ارض را احاطه نموده است. او بمثابة سنگ زیر بنای ساختمان است که ثقل بنا و ثبات نظم اداری را که اکنون در هر قسمتی از دنیا استقرار یافته است تحمل و تضمین می‌کنند. بدون حمایت قلبی و مستمر و مداوم فرد بهائی هر تصمیمی که بوسیله محفل ملی یعنی هیاه‌تی که بعنوان نماینده ملی آن جامعه انتخاب شده است اتخاذ شود محکوم به شکست خواهد بود. اگر چنین حمایتی از جانب افراد و تشکیلات جامعه دریغ شود حتی مرکز جهانی امر نیز فلج خواهد شد و نفس طراح نقشه ملکوتی نیز اگر چنانچه فاقد وسائل مناسب جهت اجرای آن طرح باشد از نیل به مقصد خویش باز می‌ماند."^۲

بیت العدل اعظم در پیام منیع مورخ رضوان ۱۵۳ در این مورد می‌فرماید:

"نقش و وظیفه فرد در خدمات امری حائز اهمیت بی‌نظیر است. فرد است که روح ایمان را که اساس موفقیت در اقدامات تبلیغی و توسعه و پیشرفت جامعه است، زنده و نباض نگه می‌دارد. از حکم حضرت بهاء الله که فرد مؤمن را موظف می‌سازد که به تبلیغ امر مبارکش پردازد، مغری نیست و نمی‌توان آن را به یکی از مؤسسات امری محول نمود و هیچیک از آن مؤسسات نیز نمی‌تواند این وظیفه را بر عهده گیرد. تنها فرد بهائی است که می‌تواند استعداد هائی را که مشتمل بر توانائی استفاده از ابتکارات شخصی، اغتنام فرصت‌ها، ایجاد روابط دوستانه با دیگران، معاشرت و مباحثت با سایرین، برقرار ساختن ارتباط با مردمان جلب همکاری سایرین در خدمات مشترک امری و اجتماعی، و بالاخره اجرای تصمیمات متخذه به وسیله هیاه‌تها و مؤسسات امری است به کار گیرد. این وظیفه فرد بهائی است که "به جمیع وسائل ممکنه متشبث شود و طرق مختلفه را به کمال دقت مورد مطالعه قرار دهد تا به جلب افکار و حفظ علائق و تحکیم و تقویت ایمان نفوسی که دخولشان را در ظل امرالله طالب و الحاقشان را به جامعه، اسم اعظم شائق و آرزومند است توفیق یابد." (ترجمه) فرد بهائی برای حداکثر استفاده از قابلیت‌ها به عشقی که به حضرت بهاء الله

دارد و به قوه، عهد و میثاق و به نیروی محرکه دعا و مناجات و به الهامات و تعلیماتی که از مطالعه، نصوص مبارکه حاصل می‌گردد و بالاخره به قوای تقلیب کننده‌ای که در اثر کوشش در انطباق رفتار با احکام و اصول الهی در روح و وجدانش ایجاد می‌شود متکی و متوسل می‌گردد. علاوه بر اینها به فرد بهائی که موظف به تبلیغ امرالله است این استعداد عطا شده که جاذب تا، ییاداتی باشد که حضرت بها، الله موءکدا " وعده فرموده‌اند: " تالله الحق من یفتح الیوم شفته فی ذکر اسم ربه لینزل علیه جنود الوحی عن مشرق اسمی الحکیم العلیم وینزلن علیه اهل ملاء الاعلی بصحائف من النور. "

حضرت ولی امرالله ضرورت قطعی اقدام و ابتکار فردی بهائیان را مورد تا، کید قرار داده و توضیح فرموده‌اند که بدون پشتیبانی " صمیمانه و مستمر و سخاوتمندانه " افراد هر اقدام و هر نقشه، محفل روحانی ملی " محکوم به شکست " است و " مانع و رادعی " در راه حصول مقصود نقشه، ملکوتی مرکز میثاق ایجاد می‌شود. بعلاوه تا، ییادات حضرت بها، الله " از هر فردی که بالمال در قیام به انجام وظیفه خود قصور ورزد، سلب خواهد شد. " (ترجمه) بنابراین در مرکز و مدار هر پیشرفتی، فرد قرار گرفته‌است که قدرت اجرائی را در دست دارد و تنها فرد است که می‌تواند از طریق اقدام و ابتکار شخصی آن را به جریان اندازد. در باره، احساس عدم لیاقت که بعضی اوقات مانع از قیام و اقدام افراد می‌شود در یکی از توقیعات مبارکه حضرت ولی امرالله توصیه شده‌است که " علت عمده‌ای را که متذکر شدید عدم جرات و ابتکار از طرف ااد و احساس حقارت است که مانع می‌گردد که با مردم مذاکره نمایند. دقیقاً " همین نقاط ضعف است که یاران باید بر آنها فائق آیند. زیرا چنین احساسی نه تنها آنان را از اقدام باز می‌دارد بلکه فی الواقع موجب می‌شود که شعله، ایمان در قلوبشان خاموش شود. فقط هنگامی که کلیه احبای الهی درک نمایند که هر یک از آنان قادر است در حد توانایی خود پیام الهی را ابلاغ نماید می‌توانند امیدوار باشند که به هدفی که مولای علیم و مهربان برایشان تعیین نموده‌است نائل گردند. هر فرد بهائی بالقوه مبلغ امرالله است. فقط کافی است آنچه را خداوند به او عطا نموده به کار برد و بدین ترتیب ثابت نماید که به رسالت خود وفادار است. " (ترجمه)

با وجود اینچنین موقعیت اساسی و مهمی که فرد به جهت دارا بودن اختیارات و مسئولیت‌های وسیعه حائز است، باید متذکر بود که آرا و تصمیمات فقط از مجرای تشکیلات قابلیت تنفیذ پیدا خواهد کرد و به تنهایی هیچ فرد ماٌ ذون و قادر به اخذ تصمیم بجای تشکیلات نمی‌باشد. عضویت در جامعه بهائی:

در نظامنامه بیت العدل اعظم چنین مندرج است: " جامعه بهائی مرکب از افرادی است که بیست - العدل اعظم آنان را واجد شرایط لازمه ایمان و عمل به موجب شریعت بهائی شناخته باشد. بند اول: یک فرد بهائی برای آنکه حائز شرایط را ی دادن و انتخاب شدن گردد باید به سن بیست و یکسالگی بالغ شده باشد. بند دوم: حقوق و مزایا و وظایف افراد بهائی عبارتست از آنچه در آن باره در آثار مبارکه حضرت بها، الله و حضرت عبدالبهاء و حضرت شوقی افندی منصوص و در قرارهای بیت العدل اعظم مقرر شده باشد. "

۱- اهمیت ضیافات نوزده روزه :

ضیافات نوزده روزه از ابداعات حضرت اعلی است که مورد تصویب جمال مبارک قرار گرفته است .
چنانکه در کتاب مستطاب اقدس می فرمایند :

" قد رقم علیکم الضیافة فی کل شهر مرة واحدة ولو بالماء ان الله اراد ان یوئلف بین القلوب
ولو باسباب السموات والارضین ."

(ص ۱۷ کتاب اقدس چاپ بمبئی)

حضرت عبدالهیا می فرمایند :

" ضیافات نوزده روزه از طرف حضرت باب تا سیس گردید و حضرت بهاء الله آن را در کتاب
مستطاب اقدس تا یبید و تصویب فرمودند تا نفوس گرد یکدیگر مجتمع گردند و در ظاهر مراتب
عشق و محبت خویش را ارائه نمایند . رموز الهی آشکار گردد مقصد از این اجتماع ظهور وحدت و
انفاق است ، تا بدین سبب قلوب کاملاً " متحد گردد و مساعدتهای متقابله متبادله تا سیس شود
زیرا اعضاء عالم انسان تا با یکدیگر متحد و متفق شوند بر ادامه حیات قادر نخواهند بود .
همکاری و معاضدت متقابله اساس جامعه انسانی است . بدون تحقق این دو اصل عظیم هیچ
نهیست و قیامی تقدم و پیشرفت نخواهد داشت ."

" مستخرجاتی از نصوص درباره ضیافات نوزده روزه ص ۸ "

و در جای دیگر می فرمایند :

" هر روز ضیافات بزرگ و میهمانی های عظیم به منظور آسایش مادی و آرایش طعام تا سیس شود
و مردمان از پاره ای اطعمه لذیذه و منابع مختلفه مشروبات استفاده می کنند تا اوقات رابه خوشی
بگذرانند سپس مجالس رقص و خوشگذرانی شروع می شود . تمام این مساعی برای پذیرائی جسم
است ولی اتحاد و دوستی احبا برای استفاده از حقایق الهیه است . برای شرکت در مانده روحانی
است برای روشن شدن مسائل معنوی است . برای بحث و گفتگو از تعالیم و وصایای الهی است .
بکلی جنبه روحانی را داراست . امید من چنان است که جلسات ضیافات نوزده روزه کاملاً "
مستقر گردد و متشکل شود تا حقایق مقدسه که ماوراء این مجامع است جمیع تعصبات و اختلافات
را تحت الشعاع قرار دهد و قلوب را منبع و خزانه محبت الهیه قرار دارد حتی اگر کمتری سن
احساسی بین نفوس موجود و نقیصه ای از وحدت و یگانگی مشهود بالمره مرتفع گردد .

" منتخباتی از آثار مبارکه درباره ضیافات ص ۱۰ و ۹ "

حضرت ولی امرالله می فرمایند :

" این جلسات را می توان قلب هیکل جامعه محسوب داشت و چون به نحو مقتضی اداره گردد و
افراد بهائی که کاملاً " اهمیت آن را درک نموده در آن شرکت یابند می توان گفت در تجدید و

اعتلاء روح امر در نفوس و از دیاد ظرفیت برای اقدامات متحد و مشترك و رفع هرگونه سوء تفاهم و استحضار از جمیع فعالیت‌های بهائی محلی و ملی و بین‌المللی حائز نهایت اهمیت است"

"نظامات بهائی قسمت یک ص ۶"

۲- اهمیت شرکت در ضیافات و نتایج حاصله:

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

" ای بندگان صادق جمالقدم ، در هرکور و دوری ضیافت مقبول و محبوب و تمدید مائده به جهت احبای الهی ممدوح و محمود علی‌الخصوص در این دور اعظم و کور کریم که نهایت ستایش را دارد زیرا از محافل ذکر الله و مجالس پرستش حق قی الحقیقه شمرده می‌شود . چه که در مجالس ضیافت ، آیات الهیه تلاوت می‌گردد و قصائد و محامد و نعوت الهیه خوانده می‌شود و نفوس در نهایت انجذاب مبعوث می‌گردد . اصل مقصود این سنوحات رحمانیه است و در این ضمن بالتبع غذائی نیز صرف می‌گردد تا عالم جسمانی مطابق عالم روحانی گردد و تن حکم‌جان گیرد . همچنان که نعم روحانیه سابق است ، نعم جسمانیه نیز کامل شود باری خوشا بحال شما که این حکم لطیف را مجری می‌دارید و سبب تذکر و تنبیه و روح و ریحان احباء الله می‌شوید ."

"مجموعه آثار مبارکه درباره ضیافات ص ۲ و ۱"

و نیز می‌فرمایند:

" اما ضیافت نوزده روزه بسیار سبب فرح و سرور قلوب است . اگر چنانکه باید و شاید ایمن ضیافت مجری گردد ، یاران در هر نوزده روزی روح جدیدی یابند و قوت روحانی جویند ."

"مستخرجاتی از آثار مبارکه درباره ضیافات نوزده روزه ص ۵"

در مکتوبی به قلم منشی که از طرف حضرت ولی امرالله مرقوم گردیده چنین مسطور است:

" راجع به جلسه ضیافت نوزده روزه در یکی از مکاتیب قبل خطاب به محفل روحانی ملی هیکل مبارک تبیین فرموده‌اند که امر ضیافت ولو حکم الزامی نیست ، از طرف حضرت بهاءالله مسئله‌ای فوق‌العاده مهم و قابل توجه تشخیص داده شده است در کتاب مستطاب اقدس مخصوصاً جنبه روحانی و معنوی آن تا کید گردیده و نیز اهمیت اجتماعی آن در جامعه جهانی وسیله‌ای برای حصول محبت و اتحاد نزدیکتر بین افراد احباء است مقام و موقعیت اداری ایمن ضیافت نیز به وسیله حضرت ولی امرالله از نظر احتیاج متزاید یاران برای تربیت و آمادگی بیشتر در اصول و مراتب نظم اداری بهائی تبیین گردیده است"

"مستخرجاتی از آثار درباره ضیافات ص ۱۹"

و نیز:

" راجع به جلسات نوزده روزه هر چند قطعاً " و شدیداً " الزامی نیست ولی یاران باید سعی نمایند که مرتباً " در جلسات مزبور حضور بهم رسانند و این امر مخصوصاً " از دو نقطه نظر است

اولاً " این جلسات روح خدمت و دوستی را در جامعه افزایش داده و در ثانی فرصت بسیار مغتنم و مناسبی به دست یاران می دهد که کاملاً " راجع به امور امریه مذاکره و تعاطی افکار نمایند و موجبات و وسائل لازمه برای پیشرفت مستمر و مداوم فعالیت های امریه بدست آورند . "

" مکتوب مورخ ۳۰ نوامبر ۱۹۳۶ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از افراد احباء "

۳- پروگرام ضیافات :

در توقیعی به قلم منشی که از طرف حضرت ولی امرالله مرقوم گردیده چنین مسطور است :

" جلسه ضیافت نوزده روزه باید طبق برنامه ، ذیل منعقد گردد ، قسمت اول که کاملاً " جنبه روحانی دارد ، صرف زیارت آثار مقدسه ، بهائی می گردد و قسمت ثانی مخصوص شور عمومی راجع به امور و اقدامات امرالله است ، در این قسمت محفل روحانی محل خدمات و فعالیت های خویش را به اطلاع جامعه رسانیده و از آنان طلب پیشنهادات و شور در مسائل مطروحه می نماید ، همچنین پیامهائی را که حضرت ولی امرالله و محفل روحانی ملی دریافت داشته اعلام می دارد ، قسمت سوم ضیافت مادی و جلسه اجتماعی کلیه یاران است . "

" مستخرجاتی از آثار مبارکه درباره ضیافات نوزده روزه ص ۱۴ "

در توقیعی به قلم منشی که از طرف حضرت ولی امرالله مرقوم گردیده چنین مسطور است :

" راجع به سؤال شما در باب ضیافات بهائی حضرت ولی امرالله قویاً " براین عقیده اند که یاران باید در این مواقع نسبت به عوامل روحانی و اداری این جلسات ، اهمیت مخصوص قائل گردند زیرا این دو امر اساس ترقی هر ضیافت بهائی است ، بنابراین حفظ تعادل صحیح بین این دو اصل تکلیف و مسئولیت هر فرد یا جمعیت بهائی است و تا یاران نتوانند این دورا با یکدیگر تطبیق دهند و تلفیق نمایند هیچگونه امید و انتظاری برای حصول موفقیت حقیقی دانشمسی از چنین احتفالات مذهبی نمی توان داشت . قسمت قابل ملاحظه ای از ضیافت ، البته باید مسرف تلاوت بیانات الهیه گردد زیرا بدینوسیله است که دوستان می توانند الهام و نظر واقعی که برای انجام موفقیت آمیز خدماتشان در امر الهی باشد به دست آورند . "

" مکتوب مورخ ۲۷ می ۱۹۳۴ "

و نیز :

" راجع به سؤال شما مقصود از قسمت روحانی جلسات ضیافات نوزده روزه ، تلاوت ادعیه و مناجات حضرت بهاء الله و مرکز عهدوميثاق الهی است ، پس از انجام این امر چنانچه فرصتی برای قرائت تعالیم موجود باشد ، ممکن است از بیانات مبارک (حضرت ولی امرالله) نیز استفاده گردد . ولی قرائت این بیانات جز قسمت روحانی محسوب نخواهد شد . "

" مستخرجاتی از آثار درباره ضیافات نوزده روزه ص ۲۵ "

تبصره: راجع به سؤال شما نسبت به استفاده از موسیقی در جلسات ضیافات نوزده روزه هیکل مبارک مایلند شما جمیع یاران را مطمئن سازید که فقط چنین اقدام مورد تصویب مبارک است بلکه معتقدند که یاران باید در جلسات خودشان از سرودهایی که توسط افراد احباء تنظیم گردیده ویا اشعار و سرودها و نغماتی که موءس بر بیانات مقدسه باشد استفاده کنند.

" مستخرجاتی از آثار درباره ضیافات نوزده روزه ص ۱۸ "

۴ - نقش ضیافات نوزده روزه در نظم اداری :

حضرت ولی امرالله می فرمایند :

" مقصد اصلی از جلسات ضیافات نوزده روزه آن است که به افراد احباء فرصتی اعطا نماید تا پیشنهادهاتی به محفل روحانی محلی تقدیم کنند تا آن محفل آن را به نوبه، خویش به محفل روحانی ملی تقدیم نمایند. بنابراین محفل محلی واسطه، مخصوصی است که بوسیله آن جوامع محلی بهائی می توانند با هیئت نمایندگان ملی خویش تماس گیرند و ارتباط حاصل نمایند. "

" مستخرجاتی از آثار درباره ضیافات نوزده روزه ص ۱۵ "

و نیز می فرمایند :

" دیگر از مشروعات مهمه خطیره که در تقویت و تشیید مبانی نظم الهی کمک فراوان نموده موءسه ضیافات نوزده روزه است که از ارکان قویه نظم اداری محسوب و در اکثر جوامع بهائی در شرق و غرب به نهایت اتقان و انتظام دائر و برقرار است. "

قرن بدیع ج ۴ ص ۳۴۲

و نیز می فرمایند :

" حال راجع به آخرین مکتوب شما که طی آن سؤال نموده اید آیا یاران را حق آنست که واضحاً " وآشکارا نسبت به اقدام یا سیاست محفلی انتقاد نمایند یا خیر؟ این امر نه تنها حق مسلم افراد است بلکه مسئولیت حیاتی هر عضو وفادار متوجه جامعه آن است که این موضوع را به نحو کمال و آزادگی و بسا توجه به احترام و ملاحظه قدرت و حیثیت محفل انجام دهد، یعنی هر پیشنهاد و توصیه یا انتقاد را که وجداناً احساس و برای اصلاح و ترمیم بعضی شرائط و حالات موجوده و یا طرق معمول در جامعه محلی خویش لازم می داند بیان کند. تکلیف محفل نیز آنست که به چنین نظرات که از طرف یاران به ایشان تسلیم می شود، نهایت توجه و دقت مبذول دارند، بهترین موقع برای اجراء این امر جلسه ضیافت نوزده روزه است که علاوه بر وجهه های اجتماعی و روحانی پاره ای احتیاجات و مقتضیات اداری جامعه را انجام می دهد و مهمترین آن لزوم انتقادات روشن و اصلاحی و تعاطی نظر نسبت به وضع امور، در داخل جامعه محلی بهائی است. "

" مستخرجاتی از آثار درباره ضیافات نوزده روزه ص ۲۳ - ۲۲ "

توضیح اینکه در هیچیک از سیستمهای اداری حتی در مترقی ترین ممالک جهان هرگز افراد ملت باینصورت منطقی و عملی و انسانی نمی توانند با هیئت حاکمه خویش تماس گرفته آنها را از نظریات

دسته جمعی خود مطلع نمایند. جالب این است که این تشکیل جلیل در هر ۱۹ روز یکبار در سراسر جهان بهائی تشکیل می‌گردد و افراد علاوه بر امکانات مکاتبه مستقیم با محفل روحانی خویش ۱۹ بار در سال بصورت جمعی امکان دارند که نظریات خود را به محفل روحانی یا هیئت رئیسه جامعه خویش تقدیم نمایند. این مسئله نه تنها از این نظر که چنین امکانی خود جالب و نماینده غایت روح دموکراسی در نظامات بهائی است میباشد بلکه از این جهت که ارتباطات فکری و انسانی بین افراد یک اجتماع برای بحث و مذاکره در محیطی کاملاً " دور از اغراض شخصی و پرازد روحانیت ایجاد مینماید جالب توجه و حائز تفکر و تعمق بیشتر است. * در کتاب نظامات بهائی ص ۶۴ چنین مندرج است:

" مناسبترین و مشروعترین فرصت از برای مشاوره عمومی در بین جامعه و شور میان محفل روحانی و افراد جامعه جلسات ضیافات نوزده روزه است. ... "

۵- زمان و مکان برگزاری ضیافات نوزده روزه:

در مکتوب مورخ اول دسامبر ۱۹۳۶ که از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احباء نگاشته شده مندرج است:

" سؤال شما راجع به روزی است که جلسه ضیافت باید در هر ماه در آن یوم انعقاد یابد، هیکل مبارک در جواب فرمودند روز معینی برای این امر تخصیص داده نشده لیکن مرجح و شایسته آنست که اجتماع یاران یوم اول هر ماه انجام گیرد. "

" مستخرجاتی از آثار درباره ضیافات نوزده روزه ص ۲۱ "

در مکتوب مورخ ۱۸ فبروری ۱۹۵۲ که از طرف حضرت ولی امرالله نگاشته شده مسطور است:

" هرگاه در بعضی موارد ضیافت مخصوصی با رخصت و تصویب محفل روحانی در منزل یکی از احباء منعقد گردد، اشکالی نخواهد داشت ولی به نظر مبارک اصلح و اولی آنکه حظیره القدس برای این منظور به کار رود. "

" مستخرجاتی از آثار درباره ضیافات نوزده روزه ص ۲۱ "

تبصره: در مکتوب مورخ دوم آگوست ۱۹۲۹ که از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از افراد احباء نگاشته شده مندرج است:

" راجع به سؤال شما مربوط به انعقاد آخرین جلسه ضیافت نوزده روزه هیکل مبارک اشکالی مشاهده نمی‌فرمایند اگر یاران یکی از ایام ها، را برای انعقاد جلسه تخصیص دهند ایشان می‌توانند طی مساه صیام نیز به تشکیل جلسه اقدام کنند، مشروط بر آنکه از صرف غذا خودداری نمایند. "

مستخرجاتی از آثار درباره ضیافت نوزده روزه ص ۲۲

۶- چه کسانی در ضیافت نوزده روزه می‌توانند شرکت کنند:

در ضیافت نوزده روزه فقط نفوسی به عنوان عضو رسمی می‌توانند شرکت کنند که در جامعه حقیق ابدای راهی داشته باشند ولی جوانانیکه سنشان از ۲۱ سالگی کمتر و نامشان در دفتر سجلات محفل

* ماخذ: کتاب نظم اداری برای طرح مکاتبه‌ای ص ۸۱

به ثبت رسیده باشد، مخصوصاً " اگر عضو خانواده بهائی هم باشند می‌توانند در جلسات مزبور حضور یابند. اطفال بهائی می‌توانند در جلسات ضیافت نوزده روزه و سایر محافل بهائی شرکت کنند ولی پس از بلوغ به سن ۱۵ سالگی محفل روحانی باید از این قبیل جوانان تقاضا نماید ضمن اظهار نامه‌ای علاقه خود را نسبت به امرالله ابراز و مقصد خود را دائر به اینکه پس از وصول به سن ۲۱ سالگی عضویت جامعه را با حق ابدای راهی قبول می‌کنند اعلام نمایند در ممالکی که اوضاع امری اجازه دهد حتی با تصویب محفل مربوطه نفوس غیر بهائی می‌توانند در ضیافت شرکت کنند ولی این جوانان بایستی مانند جوانان بهائی زاده اظهار نامه‌ای به محفل روحانی محلی تقدیم نمایند.

" اقتباس از نظامات بهائی ص ۲۰ - ۱۹

بایستی به این نکته توجه داشت که در دنیای فعلی ما که تمام وسائل برای فریفتن و انحراف جوانان مجهز و روز بروز حتی از طرف دول عالم تشویق می‌شوند که به این وسائل فریبنده تنوع بدهند ضیافت نوزده روزه یکی از وسائل جالبی است که جوانان بهائی با شرکت در آن، آمادگی مبارزه با مفسد اجتماعی را پیدا می‌کنند. بنابراین توصیه شده است که خانواده‌های بهائی، اطفال و جوانان خود را در این تشکیل جلیل که به پید قدرت و عنایت الهی خلق شده است، شرکت دهند و ایشان را تشویق به حضور نمایند و بهتر است نظام جلسات ضیافت نوزده روزه پروگرام جلسات را توسط جوانان اجرا نمایند و از ایشان برای زیارت الواح و آثار و اخبار استفاده کنند و آنها را تشویق به شرکت در مشاورات نمایند. بدیهی است قبل از ۲۱ سال تمام حق رأی ندارند.

" حضرت ولی امرالله ضیافت نوزده روزه را به منزله اساس نظم جهان آراء حضرت بهاءالله توصیف فرموده‌اند.

" ۰۰۰ یاران باید این ضیافت را به منزله محور عملیات روحانی خویش و وسیله استفاضه از رموز بیانات الهیه و مظهر اتحاد وثیق بین یاران شمرند، بطوریکه این وحدت و عمومیت از هرگونه قیود جنسی و طبقاتی و ملی و مذهبی و شخصی منزه و مبری باشد و نیز ضیافت نوزده روزه فرصت مغتنمی است که افراد در عرصه خدمات عمومی برای تقویت امرالله بذل مساعی نمایند."

نظامات بهائی ص ۶۴

علاوه بر شرایط فوق الذکر از لحاظ روحانی نیز باید به نکاتی جهت حضور در ضیافت توجه نمود:
حضرت عبدالجبار می‌فرمایند:

" شما بایستی انعقاد و تشکیل محافل ضیافتی نوزده روزه را ادامه بدهید، انعقاد جلسات مزبور بی نهایت مهم و پسندیده است ولی وقتی که خود را برای حضور در محافل حاضر می‌کنید، قبل از دخول قلب خود را از هر آلهایی پاک و مقدس کنید، ساحت افکار را از ماسوی الله منزه نموده و از صمیم قلب صحبت نمایید. محل اجتماع قلوب منقطع سازید، این اجتماعات را به انذار آسمانی احاطه کنید بنابراین با نهایت محبت گردهم آئید. به سوی خدا توجه کنید ۰۰۰ هر یک از شما باید فکر کنید که

چگونه سایر اعضا، محفل را مشعوف نمائید، هریک باید خود را از سایرین کوچکتر بشناسید، مقام دیگران را بلندتر و مقام خود را پایین تر بدانید، در صورتی که شما طبق این دستورات رفتار و زندگی کنید به طور قطع و یقین بدانید که چنین ضیافتی قائد آسمانی است، چنین غذائی غذای ربانی است من خادم چنین جمعیتی هستم".

نجم باختر ج ۴ ش ۷ ص ۱۲۰

تبصره: حضور غیر بهائیان در ضیافت:

حضرت ولی امرالله می فرمایند:

"راجع به حضور افراد غیر بهائی این امر بایدبالمرة احتراز شود، ولی چنانچه احيانا "فرد غیر بهائی وارد جلسه، ضیافت گردید نباید او را از جلسه خارج نمود زیرا ممکن است احساسات وی لکه دار شود". (مستخرجاتی از آثار درباره، ضیافت ص ۲۵)

"این جلسات نوزده روزه مخصوص اهل بهاء است و منحصرآ برای آنان است و هیچگونه تغییر و تبدیلی در این اصل جایز نیست، بنابراین هیکل مبارک مایلند شما این تصمیم را که از طرف محفل اتخاذ گردیده دائر بر اینکه درب ضیافت بر روی "محبین" باز باشد تغییردهید زیرا حضور غیر بهائی یا بهائی نزدیک در جلسات ضیافت نوزده روزه خصوصا" در قسمت اداری ضیافت با روح نظم اداری موافقت ندارد.

حضرت ولی امرالله از روحیه ای که شما را به اخذ این تصمیم و قبول این پیشنهاد وا داشته کاملاً واقف و مستحضرنند و آن اینستکه بدین ترتیب امرتبلیغ به نحو سریعتر و دامنه دارتر انجام پذیرد ولی احساس حضرتش اینستکه بالمال این قرار مضر به عالم امر خواهد بود، لذا چنانکه فوقاً مذکور گردید باید تغییر یابد و نسخ شود".

(از مکتوب مورخ ۲۸ می ۱۹۵۴ که از طرف حضرت ولی امرالله به

محفل روحانی ملی بهائیان آلمان واطریش صادرشده"

مستخرجاتی از آثار مبارکه درباره، ضیافت نوزده روزه ص ۳۲-۳۳)

۷- معذورین از شرکت در ضیافت:

"این موءسه که از طرف حضرت بهاءالله تاسیس گردیده حضرت ولی امرالله آن را اساس نظم بدیع جهانی می خوانند محفل روحانی ملی معتقد است که هر فردی از افراد بهائی موظف است در یکی از این ضیافت حضور یابد مگر آنکه مریض ویا از مدینه خارج باشد".

مستخرجاتی از آثار درباره ضیافت ص ۱۳

"اگر فردی تعهد تبلیغی مصادف با ليله، جلسه، ضیافت نوزده روزه دارد بر عهده، خداوست

که تشخیص دهد کدام يك الزم و اقدم است".

مستخرجاتی از آثار درباره، ضیافت ص ۳۵

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند قوله الاحلی :

"وظایف محافل روحانیه که در بلدان شرق به تبشیر دین‌الله مشغولند در الواح مقدسه مصرح و مشبوت • وظایف محافل تحسین اخلاق است و تعمیم معارف، ازاله جهل و نادانی و رفع تعصبات است و تحکیم اساس دین حقیقی در قلوب و نفوس • اعتماد بر نفس است و اجتناب از تقلید حسن ترتیب و نظم در امور است و تمسک بلطافت و نظافت در جمیع احوال و شئون • راستی و صداقت است و جرات و صراحت و شجاعت • تروج صنعت و زراعت است و تشیید ارکان تعاون و تعاضد • حریت و ترقی عالم نساء است و تعلیم اجباری اطفال از بنین و نبات • استحکام اصول مشورت در بین تمام طبقات است و دقت در حسن معاملات • تاءکید در امانت و دیانت است و صدق نیت و طیب طینت و نجات از قیود عالم طبیعت • تقدیس و تنزیه از شرور و مفاسد قویه مستولیه بر بلاد غرب است و تمسک باعتدال در جمیع شئون و اوقات • تفنن و تدقیق در علوم و فنون عصریه است و حصر نظر در ترویج مصالح جمهور • تمعن و تفرس در الواح سماویه است و تطبیق نصوص الهیه به حالات و اوضاع و شئون عالییه هیئت اجتماعیه • عدم مداخله در امور مشوشه احزاب است و عدم اعتنا و تعرض به مخاصمات سیاسیه و منازعات مذهبیه و مبادی سقیمه اجتماعیه حالیه است • صداقت و اطاعت قلبا " و لسانا " به احکام مشروعه دولت و حکومت است و احتراز از مسلک و افکار و آراء واهیه مقلدین و متجددین • احترام و تقصیر و تمجید و پیروی ارباب هنر و صنعت است و تکریم و تعزیز صاحبان علوم و معارف • حریت و جدان است و عدم تنقید و تعرض به عقاید و رسوم و عادات افراد و اقوام و ملل • اینست وظایف میرمه محتومه اصلیه امنای رحمن، نمایندگان بهائیان، اعضای محافل روحانیه •

جزوه اصول نظم‌داری بهائی - جمع آوری جناب فروتن - چاپ طهران

سنه ۱۰۵ بدیع

و نیز می‌فرمایند :

"... هر چند امر تبلیغ و کلیه اقدامات مربوط به اداره کردن و تمهید وسایل و توسعه و استحکام این مشروع همواره جزء مصالح مهمه امریه محسوب بوده و هست ولی نباید محافل روحانیه جمیع توجه خود را حصر در مطالعه و مشورت راجع به این موضوع بخصوص بنمایند چنانچه در الواح مبارکه حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء تمعن و تفرس شود واضح و مشهود می‌گردد که وظایف دیگری نیز به عهده امنای منتخبه هر نقطه محول گشته که به همان درجه دارای اهمیت است • از جمله وظایف محافل روحانیه آنست که همواره با تنهایت مواظبت و مراقبت و حزم و احتیاط حصن امرالله را از سهام اهل فساد و هجوم اهل عنساد محافظت نمایند و نیز محافل روحانیه باید روح محبت و اتحاد و اتفاق را در بین یاران تقویت کنند و ادنی آثار اغبرار و بیگانگی را از افنده نفوس زائل و به‌جای آن حس همکاری مجدانه و صمیمانه‌ای برای خدمت امرالله در نفوس ایجاد نمایند • و از جمله فرائض آنست که همواره با کمال فتوت نسبت به فقرا و مرضی و عجزا و ایتم و ارامل هر ملت و نژاد و مذهبی ابراز مساعدت نمایند و همچنین محافل روحانیه باید با جمیع وسایل

ممکنه در تعالی و ترقی مادی و معنوی جوانان سعی بلیغ نمایند و در توسعه موجبات تعلیم و تربیت اطفال بکوشند و در صورت امکان موسسات بهائی به جهت امر تعلیم و تربیت ایجاد نمایند و امور این موسسات را با کمال مراقبت و نظم و ترتیب اداره نمایند و به جهت ترقی و توسعه این مشروعات بهترین وسایل را مهیا سازند و نیز محافل روحانیه باید همواره با مراکز مختلفه امریه در سراسر عالم باب مکاتبه رسمی و مستمر و منظم را مفتوح نمایند و آنان را از چگونگی خدمات و اقدامات خویش مستحضر دارند و اخبار امری و بیشارات واصله از خارج را به اطلاع عموم افراد جامعه، خویش برسانند و نیز باید به انواع وسائلی که در اختیار دارند کوشش و اهتمام نمایند که با اشتراك و ارسال اخبار و مقالات موجبات توسعه و تقویت مجلات و نشریات بهائی فراهم شود و همچنین بر عهده، محافل روحانیه است که از برای انعقاد مرتب جلسات ضیافات و اعیاد و ایام متبرکه و تشکیل احتفالات مخصوص به منظور پیشرفت مصالح اجتماعی و فکری و روحانی افراد جامعه اقدامات لازمه بعمل آورند و نیز در این ایام که امرالله هنوز در مرحله طفولیت است محافل باید بر جمیع نشریات و ترجمه‌های مطالب امری نظارت داشته و بطور کلی وسایلی فراهم سازند که معارف بهائی به نحوی صحیح و شایسته بین عموم معرفی و منتشر گردد. وظایف اعضای محفل امر کردن و تحکم نبوده بلکه مشورت است و آن هم نه تنها مشورت بین خود بلکه باید هر چه بیشتر ممکن شود با منتخبین خود نیز مشاوره نمایند و باید صرفاً " خود را به منزله، و وسائلی بدانند که برای معرفی امرالله بطور شایسته و مؤثر انتخاب شده‌اند. آنان نباید هرگز چنین تصور نمایند که به منزله، زینت و زیور هیكل امرالله بوده و فطرتاً از حیث استعداد و یا لیاقت بر دیگران تفوق داشته و یگانه مروجین تعالیم و مبادی امرالله می‌باشند. و باید با کمال خضوع به وظایف خود قیام کرده با فکری روشن و از روی نهایت انصاف و وظیفه شناسی و با صراحت و سادگی و باتعلق تام به منافع و مصالح یاران و امرالله و عالم انسانیت چنان همتی نمایند که نه تنها مورد اطمینان و حمایت واقعی و احترام موکلین خود واقع شوند بلکه باید قدر شناسی و محبت قلبی آنان را نیز جلب کنند و باید در جمیع احیان از روح تفوق و استکبار و روش استتار اجتناب نمایند و از رفتار تسلط طلبی بیزار شوند و در مشاورات خود هرگونه تعصبات و امیال شخصی را کنار گذارند و با کمال تدبّر و حکمت احبا را محرم اسرار خود قرار داده طرح و نظریه خود را با آنها در میان نهند و مشکلات و معضلات خود را در حضور آنها مطرح سازند و از آنها استشاره و مصلحت جویی نمایند و چون موقع اخذ تصمیم فرا رسد باید از روی خلوص نیت و حسن طوبیت و کمال رغبت مشورت کرده و سپس به آستان الهی توجه و تبتل نمایند و با صفای قلب و ایمان کامل و شهادت تام ابدای رای نموده و مطیع نتیجه آراء اکثریت گردند. زیرا به فرموده، حضرت عبدالبهاء، رای اکثریت ندای حق بوده و قابل احتجاج نیست و باید همواره با کمال میل و اشتیاق به مورد اجراء گذاشته شود. . . ."

نظامات بهائی - ترجمه لجنه ملی ترجمه آثار امری - نشر لجنه ملی

و نیز در توقیع مبارک مورخ جانوری ۱۹۲۱ خطاب به احباء و محافل روحانی و محفل مقدس مرکزی ایران

میفرمایند:

"... و همچنین محافل روحانیه‌ی محلی خود را مستظل در ظل هیئت مجلله امنای محفل مرکزی اقلیم خویش شمرند و حوادث مهمه و شئون عمومیه و قضایای کلیه که موثر در مصالح بهائیان آن اقلیم است مستقیماً به آن هیئت مرکزی مراجعه فرمایند و در این موارد واسطه ایصال مخابرات و تبلیغات رسمیّه بین افراد بهائیان و امنای محفل مقدس در مرکز آن اقلیم گردند."

منتخبات توقیعات مبارکه حضرت ولی امرالله - لجنه ملی نشر آثار امری

۱۰۵ بدیع - ۱۳۲۷ شمسی - ص ۹۰ - ۸۴

حضرت ولی امرالله میفرمایند:

"و نیز از وظایف محفل جهد در تاءلیف قلوب یارانست و دفع علت و اثر اختلاف و کدورت و اغبرار در جمع احباءالله، به هر وسیله‌ای باید هر برودت و کدورتی را به روحانیت و صفا تبدیل داد و سکون و خمودت را به وله و اشتعال مبدل کرد."

منتخبات توقیعات ص ۴۰۲

و نیز میفرمایند:

"... باید اعضای محفل در الفت و اتحاد یاران و عزت امرالله و ترویج دین الله شب و روز بکوشند اگر چنانچه از جهتی راحه‌ای بوزد و آثار اغبرا و علامات اولیه مشکلی معلوم و ظاهر شود، باید فوراً اعضای محفل مجتمع گردند و در سد این باب و جلوگیری از هرفساد و رفع و دفع آن به تمام قوی بکوشند و نگذارند که ضرر و وهنی بر امرالله وارد گردد."

منتخبات توقیعات مبارکه ص ۴۰۳

ترجمه متحدالمآل دارالانشاء بیت العدل اعظم خطاب به عموم محافل روحانی ملی مورخ ۱۱۷ اگست ۱۹۹۴

"یاران عزیز الهی، بیت العدل اعظم مقرر فرموده‌اند توجه آن امنای الهی را به اجرای اقداماتی معطوف سازیم تا اطمینان حاصل شود که مشاغل و امور محفل ملی و محافل محلی^{روحانی} تحت اشراف آن تا حدودی که ضرورت دارد محرمانه به انجام می‌رسد و به صورتی معمول و مجری می‌گردد که اگر در آینده این محافل مورد دعاوی حقوقی قرار گیرند بتوانند از منافع و مزایای حمایت قانونی که در حقوق و قوانین مدنی وجود دارد برای حفظ و حراست از حقوق خود برخوردار گردند. هر قدر به وسعت جوامع بهائی افزوده می‌گردد و هر قدر محافل روحانیه مورد رجوع بیشتر قرار می‌گیرند تا با بکار بستن تعالیم حضرت بهاالله مسائل غامض شخصی را که بناچار در این دوران پر آشوب تاریخ بشری پیش می‌آید حل و فصل نمایند، حصول اطمینان از این مطلب بیش از پیش ضرورت می‌یابد که جمیع اقدامات لازم معمول گردد تا جنبه‌های محرمانه مسائلی که به محافل روحانیه ارجاع می‌گردد کاملاً محفوظ بماند. رعایت این مطالب سبب خواهد شد که بر میزان اعتماد و اطمینان یاران که به محافل روحانیه رجوع مینمایند افزوده گردد و اعضای محافل روحانی را قسادر خواهد ساخت تا وظایف و مسئولیت‌های روحانی خود را به عنوان "امناء الرحمن بین الامکان"

انجام دهند. نه تنها اعضای محفل باید از افشاء اطلاعات محرمانه به نفوسی که مجاز به دانستن آنها نیستند خودداری نمایند بلکه این محدودیت شامل اشخاصی از قبیل منشی‌ها، مترجمین و سایر کارمندانی می‌گردد که وظیفه آنها مساعدت به محفل روحانی در اجرای وظایف محوله است. اگر تا بحال مرسوم و معمول نبوده است از این ببعد محفل روحانی باید ضوابط مربوط به طبقه‌بندی، ثبت و ضبط و نظارت بر میزان دسترسی به اطلاعات محرمانه‌ای را که به محفل واصل می‌گردد در فواصل زمانی معین بررسی نماید. محفل ملی ممکن است در جریان امور خود ضروری بداند که عموم احبای تحت اشراف خود را از مجازات یکی از احبای که مثلاً " به سلب حقوق اداری او منجر میشود مطلع سازد یا اعضای جامعه را از نحوه رفتار کسی که با شئون امری مغایرت دارد باخبر نماید. هنگامی که اطلاع احبای از این قبیل مطالب ضرورت مییابد و احتمال می‌رود که چنین اقداماتی ممکن است به عنوان افترا و توهین به حیثیت، منجر به اقامه دعوی در مراجع قانونی گردد باید اقدامات لازم برای حفظ و حراست محفل روحانی در قبال چنین مخاطراتی معمول شود. در کشورهایی که تسجیل رسمی محافل روحانی ملی و محلی امکان پذیر است نفس تسجیل برخوردار از منافع و مزایای قابل توجهی را در ظل مقررات و قوانین مدنی میسر می‌سازد. زیرا محافل مزبور شخصیت حقوقی مییابند و مورد حمایت قوانین مملکتی قرار می‌گیرند. بیت العدل اعظم اقدامات فوق الذکر را قدم جدید دیگری در جریان تکامل و بلوغ محافل روحانی محسوب میدارند. زیرا این محافل موسساتی هستند که من عندالله تاءسیس شده‌اند و مقدر است که در عصر تکوین امر الهی و در بحبوحه آشوب و بی نظمی مرحله انتقالی جامعه انسانی اعضای جامعه، خود را به سوی ترقی و تعالی رهنمون شوند.

با تقدیم تحیات - بیت العدل اعظم

نقل از پیام بهائی شماره ۱۷۹ اکتبر ۱۹۹۴

دستخط بیت العدل اعظم

ترجمه، دستخط بیت العدل اعظم خطاب به محفل روحانی ملی بهائیان ایالات متحده،

امریکا مورخ ۱۹ می ۱۹۹۴*

یاران عزیز الهی،

یاد آوری حضور آن یاران عزیز چندی پیش در ایام صیام در ارض اقدس مایه، سرور فراوان و سپاس بی پایان به آستان حضرت بهاء الله است. درخواست عاجلانه، آن دوستان برای مذاکره، حضوری با این مشتاقان اجابت گردید و در جلسات مشترکی طی سه روز، مشاورات مفصلی انجام گرفت که مرحله، دیگری را در سیر تکامل آن محفل مفتوح ساخت و پیوندهائی که جامعه، بهائی امریکا را با مرکز جهانی امرالله مرتب می سازد استحکام بخشید. این ملاقات بنفسه واقعه، تاریخی جدیدی محسوب می گردد. صراحت و شجاعت و صمیمیت اعضای آن محفل در اظهار نگرانی ها و ابراز خوش بینی آن یاران به رغم مشکلات و وظائف طاقت فرسائی که تقاضای چنین ملاقاتی را ایجاب نمود، سبب اهتزاز قلوب این مشتاقان گردید.

حال پس از بررسی نکات و سئوالات گوناگونی که مطرح نمودید، می توان به مسائلی پاسخ داد که مربوط به امر تبلیغ، روابط آن محفل روحانی ملی با مشاورین قاره ای، و نحوه، انجام وظائف آن محفل می گردد: درباره، امر تبلیغ:

در گزارشی که درباره، طرح "آرمان و عمل" Vision Action ارائه دادید شواهدی را ذکر کردید که حاکی از استقبال شایان یاران و بروز شور و هیجان و توسعه، نسبی در جامعه بود. علاوه بر این، متذکر شدید که شور و شوق حاصل از کنفرانس اخیر که در آتلانتا به پیشنهاد و تشویق مشاورین قاره ای تشکیل گردید، باعث تسریع فعالیتهای امری شده است. خلاصه آنکه به ندرت احباء، چنین آشکارا فعال بوده اند. با این حال رشد و توسعه، جامعه هنوز کند است و احساس میکنید که جامعه، بهائی مدتی است در آستانه، پیشرفتی بی سابقه قرار گرفته و لکن به آن دسترسی پیدا نمی کند و عقیده دارید که انحطاط اجتماع که مظاهر آن در سقوط مبانی اخلاقی و افزایش نگران کننده، تعدی و خشونت مشاهده می شود، اثری توان فرسا بر افراد مؤمنین دارد و مشتاق یافتن راهی هستید که بتوانید توانائی تبلیغ را که در این شرایط هولناک در وجود یاران

* در ماه مارس سال گذشته، بیت العدل اعظم الهی اعضای محفل روحانی ملی بهائیان امریکا را بسه ارض اقدس فراخوانده، در جلسه ای پیشرفت امر در امریکا و طرز کار مؤسسات امریه در آن سرزمین را مورد گفتگو قرار دادند. در پی این دیدار، مکتوبی از ساحت معهد اعلی خطاب به آن محفل صدور یافت. از آنجا که بفرموده، دارالانشاء معهد اعلی، مکتوب نامبرده حاوی ارشاداتی است که می تواند "برای احباء، و مؤسسات امری در نقاط دیگر نیز مفید باشد"، متن کامل آن در اینجا به نظر خوانندگان عزیز می رسد. باید یاد آور شد که عناوین بخش ها از پیام بهائی است.

نهفته مانده است به منصفه، ظهور و بروز رسانید.

به نظر این هیئت ابراز اشتیاق مفرط به اغتنام فرصت برای رفع موانع تبلیغی به نحوی شدید و آنسی و نیز نگرانی بیش از حد درباره، وضع کنونی جامعه ممکن است نتیجه، معکوس بخشد. با آنکه امکان رشد و توسعه، جامعه بیش از آن است که در حال حاضر دیده می‌شود، آن محفل و یاران الهی نباید به محض روبرو شدن با وضعی که امید بخش نیست احساس قصور و شکست کنند، زیرا پرداختن به اینگونه افکار خود موجب رکود در پیشرفت امر می‌گردد. در برابر تمایل به یأس، که گاه معلول شوق به کسب خشنودی آنی است، باید با سعی در درک عمیق تر سنت الهی ایستادگی کرد. حضرت ولی عزیز امرالله می‌فرمایند، "وظیفه، روحانی هر یک از یاران الهی ۱۰۰۰ آن است که امر جلیل تبلیغ را که به نحو مؤکد به عهده کافه مؤمنین و مؤمنات محول گردیده، در سراسر حیات مطمح نظر و وجهه همت خویش قرار دهد. هر فردی از افراد که حامل پیام رحمانی است باید ۱۰۰۰ ابلاغ کلمه الله و نشر نفحات الله را فریضه، اولیه، خویش شمارد و این امر مقدس را نه تنها تکلیف خاص، بل امتیاز و افتخار عظیم خود محسوب دارد که بذریعہ تعالیم الهیه را در اراضی قلوب بیفشاند و مطمئن و متیقن باشد که کلمه، رحمانیه به هر نحوی تلقی گردد و هر مقدار وسیله، ابلاغ ضعیف و غیر مکمل باشد، قدرت محیطه، شارع قدیر به نحوی که مشیت بالغه، ربانیه تعلق گیرد و حکمت نافذه، سبحانیه اقتضا نماید، آن بذریعہ افشاندن را به وساطتی که بر خاطر احدی خطور ننماید سرسبز کند و حبه، طیبه را شجره، مبارکه، مشمره فرماید و کشت دهقان الهی را زرع جسیم و خرمن عظیم گرداند." (ترجمه) به یقین بدانید که جامعه، شما که به برکاتی خاص مختص گردیده است، اگر چنانچه اعضایش بسا ثبات قدم و اطمینان، به مساعی تبلیغی خود ادامه دهند از فتح و ظفر در توسعه و رشد محروم نخواهد ماند. گرچه متناقض به نظر می‌رسد ولی دورنمایی از پیشرفت بی سابقه‌ای که انتظار دارید در امر تبلیغ حاصل شود در وضع پر آشوب اجتماع کنونی آشکار است. باید دریابید که هر چه اوضاع وخیم تر شود، فرصتها^ی تبلیغ امرالله افزایش می‌یابد و میزان استقبال مردم نسبت به پیام الهی فزونی می‌گیرد. حضرت بهاء الله به اندازه، کافی و به نحوی مؤکد انذار فرموده بودند که ظهور آن حضرت پریشانی بنیادی و عالم گیری را بوجود می‌آورد که مرحله‌ای از سیر به سوی وحدت و صلح یعنی هدف غائی امر محسوب می‌گردد. آگاهی از این تحول حتمی الوقوع باید اعضای آن محفل را توانائی بخشد تا خود را از عواطف و احساسات توان فرسائی که اضطرابات ملازم با جریانات مذکور برمی‌انگیزد منقطع سازند و آن محفل روحانی را که عالی ترین مرجع اداری جامعه، بهائی در ایالات متحده، امریکاست مجهز نماید تا چشم اندازی اطمینان بخش که در خورشید ثبات قدم و شور و شوق احباء، در خدمات تبلیغی است به آنان ارائه دهد.

بعلاوه، چنانچه آن محفل نمونه و سرمشقی برای انقطاع مذکور شود و افراد احباء، نیز به آن روش تأسی نمایند، نشان موفقیتی روحانی خواهد بود که حضرت ولی امرالله در انذار ایشان خطاب به جامعه، یاران، در آن سامان پیش بینی فرموده اند. به فرموده، مبارک "تقدیر و تحسین بلیغی که به دفعات کثیره نسبت به صفات و ملکات احبای عزیز امریک به عمل آمده و به حق و حقیقت مراتب خدمت و سمو همت و علو روح

و منقبت آنان فردا " و اجتماعاً " مورد تقدیر و ستایش و فیر واقع گردیده نباید به هیچ نحوی از انحاء با صفات و حالات و طبایع و خصائص مردمی که قادر متعال، احبای خویش را از بین آن جمع بزرانگیخته و به خلعت ایمان مخلص و به حلیه عرفان و ایقان متحلی ساخته، ملتبس و مشتبه گردد. " (ترجمه) ^۲ به بیان دیگر، با حصول " حد فاصل و امتیاز شاخصی بین جامعه، یاران الهی و قاطبه، ناس " ^۳ (ترجمه) آن مخفل و نیز یاران، که اتکایشان به هدایت و ارشاد آن عزیزان است، در خواهند یافت که جامعه، امریکا نمی‌تواند از شدائد و عواقب تحول‌مذکور که سراسر جهان را فرا گرفته است مصون ماند.

نظاره، این صحنه، روبرو زوال هرچند دردناک و همدردی آن یاران با درکشان انحطاط هولناک اجتماع هر قدر عمیق باشد، با این حال باید امکاناتی را که بدین ترتیب برای افزایش نیروهای شفا بخش نظم جهان - آرائی که در شرف جلوه و ظهور است فراهم می‌آید، در نظر داشته باشید. در این مورد حضرت ولی امرالله به جامعه، بهائی امریکای شمالی به صراحت توصیه فرموده اند که: " باید فرصت‌های گرانبهائی که انقلاب و التهاب عصر حاضر در دسترس یاران الهی می‌گذارد، مع جمیع احزان و آلام و شدائد و اسقام و خوف و دهشت و انزجار و نفرت و عصیان و طغیان و اسف و حسرت و تلاش در راه آزادی و خلاص، مورد استفاده واقع گردد و به همان قرار در سبیل اعلام و اشاعه، قوه، ناجیه، امر حضرت بهاءالله در جمیع اقطار و استظلال مقبلیسن جدید در ظل شریعه‌الله و دخولشان در صفوف دائم‌الاتساع امرالله به کار افتند. " ^۴ (ترجمه)

حضرت ولی امرالله در تبیین منظر جهانی انقلابات و ابتلائاتی که در اثر وخامت روز افزون امور جامعه، بشری در زمانی که استقرار ملکوت الهی بر روی زمین نزدیک می‌شود رخ خواهد داد، با این بیانات بصیرت بخش و تشویق آمیز خطاب به احبای امریکای شمالی می‌فرمایند: " یاران الهی و حامیان شریعت ربانی باید بدون آنکه ادنی خللی در عزم و اراده آنان راه یابد و یا در کمترین لحظه وظیفه، خطیر و متعالی خویش را به دست فراموشی و نسیان سپارند، این لطیفه، دقیقه، دقیقه را هر قدر اوضاع و حوادث عالم تیره و شدید گردد و زوابع افتتان ارکان وجود را منزلزل سازد، از خاطر محو ننمایند که تقارن چنین بحران و تحول عظیم که عالم وجود را مندهش و مرتعش نموده با علو و امتناع امرالله و سمو و اعتلاء، کلمةالله و اقتطاف اثمار رسالتی که از جانب حی قدیر به رافعان امر الهی اعطا شده، بنفسه لنفسه منبعث از مشیت نافذ، رحمانی و حکمت بالغه، سبحانی و اراده، غالبه، محیطه، یزدانی است، اراده و مشیتی که در طریقی مستور از انظار و ماوراء عقول و افکار سرنوشت امرالله همچین مقدرات جامعه، بشریه را توأماً هدایت و به سر منسزل مقصود و منظور حقیقه خویش دلالت می‌نماید. این صعود و نزول و تألیف و تحلیل و انتظام و انقلاب که به موازات یکدیگر در عالم وجود مشهود و تأثیرات متقابله‌اش مستمر و محسوس، انعکاسی از عالم بالا و جلوه‌ای از نقشه، اعظم اقدس الهی است، نقشه، واحد و غیر قابل انفصالی که مبدئش غیب مکنون و موءسس و موجودش شارع این امر اعزّی و دایره، تصرفاتش بسیط غبراء، و مقصد و هدف نهائیش وحدت عالم انسان و استقرار صلح و سلام در بین کافه، انام است. " ^۵ (ترجمه)

علاوه بر این، حضرت ولی عزیز امرالله می‌فرمایند: " این حقایق و دقائق است که جامعه، بهائی را

باید بتمامه در تصمیمات خویش راسخ و هرگونه بیم و هراس و نومیدی را از صفحه ضمیرشان محو و زائل نماید و آنان را بر آن دارد که با تمسک شدید به يك از مندرجات منشور مقدسی که خطوط اصلیه آن از قلم توانای حضرت عبدالبهاء ترسیم یافته، بار دیگر حیات خویش را وقف اجراء موجبات و تاءمین مقتضیات آن نمایند. " (ترجمه) هم آهنگی با این وجه نظر الهی سبب می شود که آن محفل بتواند افراد جامعه را یاری کند تا دریابند که نه تنها قادرند موارد روز افزون پیش آمدهای نگران کننده، انحطاط اجتماعی را تحمل کنند، بلکه تشویق خواهند شد تا با بصیرت تازه ای که نسبت به آینده دارند قیام نمایند و عده روبه افزایش مردان و زنانی را که قلوب و اذهانشان آماده لبیک گفتن به صلاهی الهی است در جمع اهل بهاء وارد سازند تا به اتفاق، حیرانسی و بیاسی را که گریبانگیر هموطنانشان شده و مبانی سازمانی کشورشان را به مخاطره افکنده برطرف سازند.

همچنین ضروری است آن محفل در نظر داشته باشد که از طریق دعا و مناجات و توجه خاص به تعالیم امر مبارک و تمسک به شرایط حیات بهائی با دیدی جهانی، می تواند و می باید بر دغدغه خاطر که وضع حاضر ایجاد نموده فائق آید. مسلماً " اعضای جامعه ای به استحکام جامعه بهائی آن سامان که از مواهب و الطاف ویژه ای برخوردار است که به واسطه الواح فرامین تبلیغی بدان عنایت شده، ضرورت و اهمیت وظایف خود را به خوبی درک می کنند. یقیناً " ملاحظه می نمایند که یاران مهد امرالله با چه شکیبائی و بردباری امتحانات الهی را تحمل می نمایند. حتی به خاطر آنکه جهان مکان بهتری برای مردمان شود، جان خود را فدا می کنند. بی تردید یاران ارجمند آمریکا که به اعطای عنوان " اخلاف روحانی مطالع الانوار " مباحثی و مفتخر گشته اند، به خوبی واقفند که حال باید از فرصت هائی که در این برهه حساس و بحرانی در اختیار دارند استفاده نمایند تا قابلیت خود را برای زندگانی به نحوی که به فرموده حضرت ولی امرالله در مقایسه با موت، حکم شهادت داشته باشد به ثبوت رسانند زیرا تحقق سرنوشت شکوهمندی که در آثار مقدسه امر بهائی پیش بینی شده مستلزم تحمل چنان نحوه ای از زندگانی است. امید چنانست که به آن یاران روحانی قوتی آسمانی عنایت شود تا از امتحانات ذهنی و روانی که به فرموده حضرت عبدالبهاء " کرارا " جهت تطهیر روحانی آنان بر ایشان نازل خواهد شد به سلامت بگذرند و موفق شوند استعدادی را که حق به عنوان نیروئی جهت تقلیب جهان بدانان عطا فرموده احراز نمایند.

در عرصه مساعی تبلیغی مرجع لازم و ماخذ مصون از خطائی که به سهولت بدان دسترسی دارید، همانا الواح فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء است. الواح مذکور به جامعه آن یاران و نیز به جامعه همجواریان در کانادا نیروئی فوق العاده اعطاء می نماید. با آشنا ساختن مجدد احبای امریکا با ما، موریت خاصی که طبق اسناد اساسی و جاودانی مزبور، هم در داخل و هم در خارج آن کشور بدانان ارجاع گردیده و باریط دادن مفاد آن فرامین با شرایط کنونی، مفتاح تجدید فعالیت در خدمات تبلیغی و کسب فتوحات برجسته ای را در آن سامان خواهید یافت. در این اقدام تبیینات حضرت ولی امرالله در تواقیع مبارکه ای مانند " ظهور عدل الهی " و " احتیاجات ضروری زمان حاضر " (The Challenging Requirements of the Present Hoar) او " بهائیان امریکا در زمان مخاطرات جهانی " American Baha' is in the Time of

World Peril آن محفل را مساعدت شایان خواهد کرد. اطمینان داریم که آن محفل به اتفاق مشاورین قاره‌ای و اعضای هیئت معاونت طریق به جریان انداختن استعدادهای عظیم یاران و تقویت و تشدید شور و شوق آنان راکه در گذشته به دفعات به نحوی شایسته در عرصه تبلیغ به منصفه ظهور و بروز رسیده است کشف خواهید نمود. روابط با مشاورین قاره‌ای:

اظهارات آن یاران که حاکی از بسط روابط نزدیک بین آن محفل و مشاورین قاره‌ای بود مایه خوشوقتی گردید و همچنین ابراز اشتیاق به دانستن اینکه چگونه می‌توانید روابط مذکور را مستحکم‌تر نمایید در این مشتاقان تاءثیری عمیق بخشید. نخستین قدم برای حصول این مقصود ایجاد تفاهمی کامل درباره وظایف و مسئولیتهای مشاورین و حوزه خدمتشان در ارتباط با وظایف و حوزه اقدامات آن محفل است. بطوری که مستحضرید از جمله مشخصات ممیزه، نظم اداری از یک طرف وجود موءسسات انتخابی است که در آنها اعضا به صورت گروهی و با اختیارات تقنینی و اجرائی و قضائی انجام وظیفه می‌کنند و از طرف دیگر موءسسات انتصابی است که در آنها نفوسی مبرز و مخلص به صورت انفرادی در ظل ریاست فائقه امر الهی به منظور نشر نجات الله و صیانت امرالله قائم بر خدمتند. این دو نوع موءسسات امری برای تاءمین پیشرفت امرالله در انجام وظایف محوله با یکدیگر همکاری و معاضدت می‌نمایند. گرچه آن محفل قطعاً از آنچه از قبل در شرح و تفصیل این موضوع ابلاغ شده مطلعند، اما توضیحات ذیل نیز جهت روشن‌تر شدن موضوع ارائه می‌گردد.

هیئت‌های مشاورین قاره‌ای و محافل روحانی ملی هر دو در وظایف مربوط به نشر نجات الله و صیانت امرالله شریکند. ولیکن خدمات مشاورین به مرتبه و حوزه عمل و نحوه اقدامی دیگر اختصاص دارد. مشاورین با توجه به حوزه خدمتشان در انجام وظایف محوله دیدگاهی قاره‌ای دارند. هنگامی که دیدگاه مذکور را به صورت مشورت، مصلحت‌اندیشی، توصیه، پیشنهاد یا ارائه نظر در اختیار محفل ملی قرار می‌دهند بصیرت محفل عمیق‌تر می‌شود و آن محفل را با تجاربی وسیع‌تر آشنا می‌سازد و مایه تشویق به برخورداری از دیدی جهان‌بین می‌گردد.

یکی از جنبه‌های تفاوت نحوه اقدام مشاورین از تعلیماتی ناشی می‌شود که در الواح وصایای حضرت عبدالبهاء به ایادی امرالله عنایت شده است. مسئولیت ادامه وظایف ایادی امرالله در موارد صیانت امرالله و نشر نجات الله در آینده به مشاورین محول گردیده است. مشاورین به عنوان نفوسی که منصوب بیت‌العدل اعظمند به منظور بسط اساس و تشیید بنیان و تضمین مصونیت محافل روحانی ملی و موءسسات و جوامع تحت اشراف آنان، ریاست فائقه امرالله را مساعدت می‌نمایند و به واسطه هیئت‌های معاونت، نتایج و ثمرات اقدامات خود را نصیب محافل روحانی محلی و عموم اعضا جامعه می‌سازند. اقدامات مزبور مبتنی بروظائفی است که در الواح وصایای حضرت عبدالبهاء با این بیان تعیین شده است که می‌فرمایند: "وظیفه ایادی امرالله نشر نجات الله و تربیت نفوس در تعلیم علوم و تحسین اخلاق عموم و تقدیس و تنزیه در جمیع شئون است." بنابراین ملاحظه می‌شود که مشاورین با اقداماتی که در زمینه نشر نجات الله و صیانت

امرالله مبذول می‌دارند در به هم پیوستن تار و پود جامعه، بهائی و حفظ و صیانت آن سهمی عمده برعهده دارند. نریش و سرعتی که مشاورین و اعضای هیئت معاونت می‌توانند برای تا، مین نیازمندی‌هایی که در جامعه پیش می‌آید از قبیل تشویق و ترغیب، توضیح و تشریح نقشه‌های تبلیغی، تفهیم معارف امری، و صیانت عهد و میثاق الهی معمول دارند از جمله خصوصیات نحوه، عملی محسوب می‌شود که آنان را از محافل روحانسی متمایز می‌سازد. این انعطاف پذیری آنان را قادر می‌سازد که در مواردی نظیر ارائه، نظرات مشورتی در جلسات یا مصلحت اندیشی خصوصی برای افراد یا مساعدت یاران برای درك و متابعت قرارهای محفل روحانی یا رسیدگی به مسائل صیانتی بنا بر اقتضای هر مورد اقدام عاجل مبذول دارند. در این قبیل موارد این نفوس می‌توانند از طرقي که برای محفل مقدور نیست - ولیکن برای موفقیت نقشه‌های محفل ضروری است - توجه یاران را به نصوص مربوطه معطوف سازند، اطلاعات مورد لزوم را ارائه دهند، اوضاع را بررسی نمایند و بسا شرایط و احوال آشنا شوند. بدین ترتیب این مسئولان می‌توانند در صورت لزوم، نظرات و تجزیه و تحلیل‌ها و برداشت‌ها و ملاحظید خود را که مطمئنا " سبب تزئید توانائی محافل در خدمت به جوامع تحت اشراف آنان است با آن محافل در میان گذارند. بدین ترتیب نفوس مزبور برای وصول محافل به مراحل رشد و بلوغ مساعدت می‌نمایند. در مواردی که محافل محلی، تازه تا، سپس یا ضعیف باشند اعضای هیئت معاونت محافل مزبور را یاری می‌دهند تا با وظائف خود آشنا شوند و آنان را تشویق می‌نمایند تا امور خود را منظم نمایند و احبا، را به حمایت از اقدامات محافلشان بر می‌انگیزند.

مشاورین با کمک هیئت‌های معاونت با اقدامات گوناگون محرك و مشوق شروع و نیز تحکیم و تقویت و توسعه و پیشرفت محافل روحانی و جوامع محلی و ملی می‌گردند. از این لحاظ مفهوم بیان حضرت ولی- امرالله درباره، اعضای هیئت معاونت به عنوان " حامی و تکیه‌گاهی برای محافل روحانی ملی که کارشان غالباً " بیش از حد و اندازه است " (ترجمه) کاملاً " واضح می‌شود. بدین ترتیب ضرورت سهیم بودن و مشارکت مشاورین قاره‌ای و اعضای هیئت معاونت در مراحل تهیه، برنامه برای خدمات تبلیغی و فواید آشنا ساختن آنان با آرمان‌ها و نگرانی‌های محافل روحانی ملی و استفاده از صلاح اندیشی آنان آشکار می‌گردد. با حلول عهد چهارم عصر تکوین رویه‌ای اتخاذ شد تا بر مبنای آن نقشه‌های ملی با مشاوره، مشترک محافل روحانی ملی و مشاورین قاره‌ای طرح گردد. اتخاذ این روش مرحله، جدیدی در سیر بلوغ و تکامل نظم اداری آغاز نمود. تحول مزبور به ویژه حائز دو فایده، مهم است: یکی اینکه هر يك از دو مو، سسه مزبور را قادر می‌سازد تا از تجارب و بصیرت ویژه، مو، سسه، دیگر استفاده نماید و بدین ترتیب دو مجرای جداگانه، اطلاعاتی از دو سطح نظم اداری بهائی مورد استفاده، جریان طرح و تنظیم نقشه‌ها قرار می‌گیرد و دیگر آنکه موجب تا، مین آشنائی لازمی می‌گردد که مشاورین باید نسبت به سوابق و موجبات و محتوای نقشه‌های ملی که اصولاً " انتظار می‌رود از آن پشتیبانی کنند، داشته باشند. چنین همکاری سبب تقویت هر دو مو، سسه می‌گردد. طرح نقشه، سه ساله در ایالات متحده، امریکا، که بنا به نحوی که برای این هیئت شرح دادید به ترتیبی بوده است که هر دو جناح نظم اداری در آن مشارکت داشته‌اند، باعث خرسندی این

مشتاقان گردید.

گرچه مشاورین و هیئت‌های معاونت تحت اشرافشان علاوه بر انجام مسئولیت‌های خاص خود از اقداماتی که محفل روحانی ملی آغاز می‌کند پشتیبانی می‌نمایند، محفل روحانی هم باید در نظر داشته باشد که مشاورین باید آزاد باشند تا به تشخیص خود نحوه‌ای را که برای حمایت و پشتیبانی از اقدامات محفل ملی صلاح می‌دانند مشخص نمایند. از این حیث بین وظائف و نحوه کار لجنات ملی و اعضای هیئت معاونت تفاوت بارزی وجود دارد. در حالی که محفل ملی ممکن است لجنات مذکور را به اجرای رویه‌های خاصی مکلف سازد اعضای هیئت معاونت چنین قیدی ندارند، ولیکن اقداماتشان نباید به نحوی باشد که موجب تضعیف اقدامات محفل ملی یا موءسسات تابعه آن گردد. مقصود این نیست که اعضای هیئت معاونت، اعم از اینکه از آنان تقاضا شده باشد یا نه، نمی‌توانند تصمیم بگیرند که در اجرای برنامه یا مشروعی آموزشی که توسط یک لجنه ملی تهیه شده و یا در طراحی و یا به ثمر رساندن آن مشارکت نمایند، بلکه منظور این است که امتیاز انسان در استفاده از آزادی عمل بیشتری که دارند محترم شمرده شود.

عضو هیئت معاونت غالباً " می‌تواند در اثر اقداماتی که در سطح محلی مبذول می‌دارد به تساهل نیازمندی‌هایی پردازد که برنامه‌های ملی و محلی برطرف نساخته‌است. چنین اقداماتی سبب می‌شود که احبای محل برای تحقق بخشیدن به اهداف خود آمادگی بهتر یابند. چنین قابلیت انعطافی که در اثر آن عضو هیئت معاونت می‌تواند در رفع مشکلات فوری از آزادی که در استقلال عمل دارد استفاده نماید بایستد برای همه افراد ذیربط امری عادی جلوه نماید. اما اگر محفل ملی ملاحظه نماید که نحوه اقدامات عضو هیئت معاونت یا حتی یکی از مشاورین واقعا " توجه را از نقشه‌هایی که برای جامعه تهیه شده منحصر می‌سازد، محفل باید بی‌درنگ جهت رفع چنین محظوری از طریق مشورت با مشاور مربوطه اقدام نماید. مشاورین، عضو موءسسسه‌ای قاره‌ای هستند که از موءسسسه ملی متمایز است و حائز رتبه‌ای هستند مافوق مقام و مرتبت محفل روحانی ملی گذشته از ملاحظات دیگر، برای آنکه مشاورین که از مسئولان عالی رتبه، امر محسوبند، از آزادی عمل در همه سطوح جامعه برخوردار باشند و توصیه‌ها و سایر اقداماتشان جدی تلقی شود، مراعات چنین سلسله مراتبی عملاً " ضرورت دارد. در یکی از مراسلات قبلی این هیئت متذکر شده بودیم که " وجود موءسسساتی با چنین رتبه و مقام والا و متشکل از نفوسی که با چنین وظیفه‌ای حیاتی از اختیارات تقنینی و اداری و قضائی عاری و از وظائف و اقدامات صنف علمای دینی و یا حق اجتهاد و ارائه تفسیر رسمی به کلی مبری و برکنارند، از جمله خصوصیات نظم اداری بهائی است که در ادیان پیشین بی‌سابقه و نظیر است. " (ترجمه) درک و دریافت چنین مفهومی دشوار است. اما تردیدی نیست که با گذشت زمان از هنگامی که نخستین گروه مشاورین قاره‌ای تعیین شدند، درک این مفهوم سهل‌تر شده و افزایش یافته است.

حضرت ولی امرالله صریحا " خطاب به آن محفل فرموده‌اند: " در هیچیک از حوزه‌های صلاحیت اداری

در امر چه محلی، چه ملی و چه بین‌المللی به هیچ وجه و تحت هیچ شرایطی نباید اختلاف و تضاد و دوگانگی

وجود داشته باشد. (ترجمه) بلکه اختیارات محفل در اثر وجود مشاورین قاره‌ای که بر اساس ماهیت مسئولیت هائی که به عنوان حارسان امر الهی برعهده دارند و موظفند مقام محافل روحانی را تقویت نمایند و از اختیارات محافل مزبور پشتیبانی کنند، به هیچ وجه کاسته نمی‌گردد. محافل روحانی ملی نیز به همین نحو باید بنابر اصول و به ملاحظه مصالح خود ترتیبی اتخاذ نمایند که مشاورین و اعضای هیئت معاونت در اجرای وظائف مقدس خود دچار مانع نشوند و حقوق و آزادی عمل آنان برای انجام وظیفه تقویت و تاءمین گردد.

مشوق و محرک شیوه، رفتار این دو مؤسسه نسبت به یکدیگر نباید تنها مبتنی بر محدوده، مراعات مقررات حاکم بر ارتباط کاری آنها با یکدیگر باشد، بلکه روابط مزبور نیازمند اساسی بس و وسیع تر است، زیرا در وهله اول این دو مؤسسه باید در قالب شرائط روحانی که لازمه کلیه، روابط موفقیت آمیز امری است، به ایفاء وظائف مشترکشان پردازند. هرگاه محبت و احترام و ادب، صمیمانه و متقابل " ابراز شود بیگانگی مجالی برای ظهور نمی‌یابد و مشکلات به مسائلی قابل حل تبدیل می‌شود. در این باره حضرت بهاء الله در بیانی که بسی پند آموز است چنین می‌فرمایند: "لاتسقطوا منزلة العلماء فی البهائه ولا تصغروا قدر من يعدل بینکم من الامراء."*

ایجاد روابطی نزدیکتر و ثمربخشتر در میان آن محفل و مشاورین قاره‌ای موکول به اتخاذ شیوه رفتاری است که پیوسته سازگارتر می‌شود و مشروط به تمسک به اصل صراحت در ارتباطات با آنان است که در اثر اتخاذ شیوه مذکور تسهیل می‌گردد. روابط بین شما باید مبتنی بر الفت و وفاقتی توأم با احترام و عاری از قیود و تشریفات مرسوم در بسیاری از سازمان‌های اجتماعی باشد. هنگامی که در مورد نقشه‌های خود مواجهه با نگرانی و تردیدی هستید آن را با مشاورین در میان نهدید، در موقعی که اقدامات آنان باعث تشویق خاطر شما می‌شود به شیوه صحیح مشورت بهائی با آنان به صحبت بنشینید. به خاطر داشته باشید که مشاورین نیز مانند شما بار مسئولیت امر مبارک را بردوش می‌کشند و از نگرانی‌های بسیاری در راه خدمت به امر به ستوه می‌آیند و از شما در مورد مشکلاتی که با آن دست به گریبانند انتظار تفاهم و همدردی دارند. قلوب و افکار خود را بر ایشان بگشائید و آنان را محرم و دوست مهربان خود بدانید و همواره آماده باشید که به یاری و حمایتشان پردازید.

اما نباید اجازه داد وجود محیطی مهرآمیز و مبتنی بر اعتماد و عاری از تشریفات رسمی، در روابط آن محفل با مشاورین، سبب سستی تمسک به مقررات حاکم بر روابط بین مشاورین قاره‌ای و اعضای هیئت‌های معاونت تحت اشرف آن هیئت از یک سو و محفل روحانی ملی و لجنات آن از سوی دیگر گردد. این نکات در مکتوب موزع اول اکتبر ۱۹۶۹ که آن را انتشار داده‌اید، مشروحا بیان شده است. نحوه ایفاء وظائف آن محفل:

حال به نحوه کار و انجام وظیفه محفل روحانی ملی می‌پردازیم. تجزیه و تحلیلی که از اوضاع نمودید مسائل و مشکلاتی را در اداره امور در سطح ملی مشخص نمود که جنبه فوریت دارد از قبیل: تمرکز اداری

* مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: جایگاه علماء فی البهائه را حقیر شمارید و ارزش امرائی را که در میان شما دادگری روا می‌دارند کم نکنید.

مفرط به ویژه در اداره، فعالیت های تبلیغی، بیم و نگرانی از اینکه نظارت مرکزی محفل در امور اداری به حدی است که احتمالاً " سبب خفقان ابتکار فردی در سراسر کشور می گردد، و مناسبات آن محفل با جامعه .
در جامعه ای زندگی می کنید که به نحوی روز افزون در قبضه، فساد اخلاقی دامنه داری گرفتار است . ایسین وضعیت نباید شما را متحیر سازد . عواقب اجتناب ناپذیر نفوذ و سریان لامذهبی است که حضرت ولی امرالله در توقیعات متعدد خطاب به یاران غرب آثار وخیم و نشانه های آن را با تفصیل تشریح فرموده اند . ایسین شرایط و موجبات در جامعه، بهائی امریکا نیز تا حدودی تاثیر کرده است . نفوذ تباه کننده، بی توجهی به امور روحانی و غلبه، گرایش شدید به امور مادی و دنیوی، نحوه اداره امور امری در آن جامعه را آلوده ساخته و بیم آن می رود که موجب تضعیف کارآئی آن گردد .

تجاوز جوئی و رقابت که اساس و محرك تمدن و فرهنگی است که زیر سلطه، سرمایه داری است، دسته بندی های سیاسی که از خصائص ذاتی نظام دموکراسی حاضر است، سوءظن نسبت به مومنان مسئول سیاست عمومی کشور و عدم اعتماد به مسئولین اداره، امور که در طرز تفکر سیاسی مردم سرشته شده و مباداش را می توان در جریان پیدایش جامعه، امریکا جستجو کرد، بی اعتنائی همراه با عیب جوئی نسبت به اصول و مقررات تعدیل کننده در روابط انسانی در جوامع متمدن که ناشی از آزادی خواهی افراطی و عواقب خلاف اخلاق آن است، از جمله خصومیات نامطلوبی است که موجد عاداتی در زندگی امریکائی شده است که نخست بطور نامحسوس و در طول زمان تدریجاً " به نحوی آشکارتر، هم در طرز اداره، جامعه، بهائی و هم در رفتار پاره ای از افراد احباء نسبت به امر تاثیر و نفوذی شدید داشته است . این تاثیرات نامطلوب باید هرچه زودتر با اقداماتی فوری و عمدی متوقف گردد، اقداماتی که حتماً " باید از داخل آن محفل آغاز شود . سازش بیشتر با چنین تاثراتی پیشرفت جامعه، بهائی امریکا را برغم امکانات فراوانی که برای تقدم سریعش وجود دارد، به نحوی جدی به تعویق خواهد انداخت . مخصوصاً " در اثر همین نگرانی بود که تقاضای آن عزیزان برای ملاقات با این هیئت مشتاقانه مورد قبول قرار گرفت .

آنچه می تواند ضامن کامیابی و موفقیت جمیع مساعی آن عزیزان در خدمت به امر حضرت یزدان باشد را می توان در يك كلمه بیان کرد یعنی، اتحاد، اتحاد آغاز و فرجام همه، اهداف بهائی است . یکی از اولیین تذکرات حضرت ولی امرالله خطاب به محافل روحانی ملی تاکید ذیل است : " به عقیده، راسخ این عبد اهم و الزم امور آن است که با وحدت نظر و عمل و عاری از شائبه، عناد و عدم اعتماد باید سنگری متحد ایجاد نمود و با حکمت و درایت با جمیع قوایی که بتواند روح این نهضت را تیره سازد و در میان افراد تفرقه اندازد و یا آن را با عقاید جزمی و حزبی محدود نمایند، به مقابله پرداخت . " سپس چنین می فرمایند : " این وظیفه در وهله، اول بر عهده، اعضای منتخب محافل روحانی ملی نهاده شده است . " و آنگاه اخطار می فرمایند که " اگر آن هیئت منتخب و مسئول از این شرط اساسی موفقیت در جمیع امور غفلت ورزد، مطمئناً " کل ایسین بنا از هم فرو خواهد پاشید . " (ترجمه)

حصول اتحاد و یگانگی در نفس محفل البته برای وحدت عامتری که می خواهید اقداماتتان آن را اشاعه

دهد و محفوظ دارد، حائز اهمیتی قاطع و فوری است. هیچیک از اعضای آن محفل نباید آنی این شرط اصلی را نادیده گیرد و یا از پشتیبانی و تقویت آن غفلت ورزد. طرز تلقی اعضای محفل از عضویت خود در آن هیئت ارجمند اهمیتی خاص دارد. اعضای محفل باید به خصلت روحانی محفل مذعن و معترف باشند و آن را بپذیرند و احترامی قلبی نسبت به آن موه‌سه داشته باشند و آن را هیئتی جدا از خود و مافوق خویش بدانند و محفل را هیئت مقدسی تلقی کنند که اعضای آن افتخار یافته‌اند با حضور در آن جمع در نهایت اتحاد و هم‌آهنگی و عمل بر مبنای اصول منزله از جانب حق، قوای مودوعه، در آن را به کار گیرند و در مجاری مطلوب به جریان اندازند. اعضای محفل با چنین تصور و توجهی بهتر می‌توانند در خود وضعی مناسب با مقام محفل روحانی ایجاد نمایند و وظیفه، خود را به عنوان "امناء الرحمن" دریابند و این تصور را که گوئی اعضای محفل مانند سهام داران عمده، یک موه‌سه، بازرگانی، مالکیت و نظارت تام آن را در اختیار خود دارند منتفی سازند.

همچنین طرز تلقی احباء، خواه در محفلی عضویت داشته باشند یا نه، نسبت به طرز استفاده از اختیارات و مرجعیت در جامعه، بهائی با ایجاد وحدت و یگانگی ارتباط دارد. بطور کلی مردم نسبت به زمامداران قدرت و اختیار، با سوء ظن می‌نگرند. فهمیدن دلیل این طرز تفکر دشوار نیست، زیرا تاریخ بشری سرشار از نمونه‌های مفساد است. استفاده از قدرت و اختیار است. خنثی کردن چنین تمایلی به سوء ظن به آسانی حل نمی‌شود. اما اگر بنا بر این باشد که گردونه، پیشرفت امرالله بدون وقفه در حرکت باشد، یاران الهی باید خود را از بدگمانی نسبت به موه‌سات امری‌ها سازند. انضباط شدید در طرز تفکر و نحوه عمل هم از جانب احباء و هم از جانب محفل ملی، سبب موفقیت در رفع این مشکل خواهد شد. در این مورد هر دو طرف باید با قبول برخی از واقعیت‌های اساسی به اقتضای مسئولیت‌های خود رفتار نمایند.

وحدت عالم انسانی که اصل اساسی و هدت غائی امر حضرت بهاء‌الله است به فرموده حضرت ولی امرالله دلالت بر "تغییر و تحولی حیاتی در ساختمان جامعه، بشری در عصر حاضر دارد." (ترجمه) چنین تغییر اساسی در مفهوم بنیادی جامعه ناگزیر مستلزم طرحی جدید برای اداره امور اجتماع در قالب مفاهیم بهائی است. حضرت ولی عزیز امرالله در نامه، مورخ ۱۴ اکتبر ۱۹۴۱ که توسط منشی ارسال فرموده‌اند این موضوع را با توضیح ذیل روشن می‌فرمایند:

"یاران الهی هرگز نباید نظم اداری بهائی را به خودی خود هدف غائی تلقی نمایند. این نظم ابزار و واسطه‌ای برای سریان روح الهی است. امر بهائی امری است که خداوند برای کلیه جامعه انسانی تسازل فرموده و امری است که برای استفاده همه، نوع بشر طرح شده، و تنها راه حصول این منظور اصلاح اجتماع بشری و نیز تلاش برای ایجاد روح جدیدی در زندگانی افراد است. نظم اداری بهائی فقط تشکل اولیه امری است که در آینده به صورت حیات اجتماعی و قوانین لازم برای زندگانی کردن در جامعه در خواهد آمد." (ترجمه)

توصیه حضرت ولی امرالله به یکی از افراد احباء، مورد دیگری است که این نکته را بیشتر مجسم می‌سازد: "هیكل مبارك به شما توصیه می‌فرمایند که آنچه می‌توانید برای ترویج یگانگی و محبت در بین اعضای جامعه، خود معمول دارید زیرا چنین به نظر می‌رسد که این شدیدترین نیازمندی آنان است. چه

بسیار اتفاق می افتد که جوامع نو بنیاد به سبب شور و شوقی که جهت اداره امور امری دارند، از این واقعیت غافل می مانند که این روابط روحانی حائز اهمیتی بیشتر و اساسی تر از قوانین و مقرراتی است که باید حاکم بر اداره امور جامعه باشد. (ترجمه)

بنابراین می توان نتیجه گرفت که نظم اداری بهائی از آن جهت حائز اهمیت است که دارای ارزش هائی است که جلوه و حفظ و بقای حیات جامعه را به اسلوبی کاملاً " بدیع تسهیل می کند و روابطی روحانی را که منبعث از محبت و اتحاد میان یاران الهی است تا مین می نماید. از خصائص ممتاز حیات بهائشی پرورش و ترویج اینگونه مناسبات روحانی یعنی روحیه، عبودیت در آستان الهی است که به صورت خدمت به امر و خدمت به احباء و خدمت به کل جامعه، بشری ابراز می شود. شیوه رفتار و طرز تلقی فرد به عنوان عبد یعنی شیوه ای که زندگانی حضرت عبدالبهاء، مثل اعلای آن است سبب جریان نیروی تحول بخشی در فعالیت های امری می گردد، نیروئی که در جریان عادی اقدامات جامعه توانائی گروهی و تقلیب کننده ای کسب می نماید. از این لحاظ موءسسات امری در حکم مجاری برای اشاعه این خصیصه ممتازند. در چنین قالبی است که مفاهیمی چون حکمرانی و رهبری و مرجعیت و اختیار به نحو صحیح تفهیم می شود و فعلیت می یابد. به وجود آمدن جامعه ای متحد و مستحکم و استوار و قائم بالذات باید از اهداف اصلی محفل روحانی باشد. چون جامعه متشکل از اعضائی است که دارای شخصیتها و استعدادها و قابلیت ها و سلیقه های مختلف هستند مقتضی چنان است که اساس روابط بین محفل و احباء در داخل جامعه مبتنی بر تعهدی باشد که برای خدمت به امر مشترکاً " به آن اذعان دارند. در این مناسبات متقابل، معنی و مفهوم مشارکت در خدمات که مبتنی بر فهمیدن و اذعان به تمایز حوزه های عمل محفل و اعضای جامعه است کاملاً " درک می شود و بدون وقفه و اشکال مورد حمایت و تائید قرار می گیرد و از هرگونه احتمال و اثری از دوگانگی و نفاق بین آن دومیبری می گردد. در چنین جامعه های رهبری عبارت از خدماتی است که به وسیله آن، محفل روحانی جامعه را دعوت و تشویق می کند تا استعدادها و قابلیت هائی را که بدان اعطاء شده است به کار گیرد و عناصر گوناگون جامعه را برای نیل به اهداف و خط مشی هائی هدایت نماید که به وسیله آن می توان تاثیر و نفوذ قوای متحد و متفق را برای ترقی و تقدم امرالله متحقق ساخت.

بر قرار نگاه داشتن محیطی سرشار از محبت و اتحاد بیشتر منوط بر آن است که در بین افرادی که جامعه را تشکیل می دهند این احساس وجود داشته باشد که محفل روحانی موءسسهای جدا از آنان نیست و در اثر به کار بستن همکاری متقابل با چنان هیئتی که به اراده الهی تا مینسب شده، آزادی عمل مطلوبی برای اقدامات و ابتکارات شخصی فراهم می گردد و حسن روابطشان با موءسسسه مزبور و نیز با یکدیگر سبب تشویق روحیه آمادگی برای اقدامات مهم می شود، و آگاهی از هدف تحول بخش ظهور حضرت بهاءالله و توجه به امتیاز شرکت در مساعی برای تحقق هدف مزبور و شور و شعفی که متعاقباً احساس می شود این روحیه و حالت را نیروئی جدید می بخشد. در چنین شرایط و محیطی، جامعه یاران در اثر تقلیب از حالت مجموعی از افراد تشکیل دهنده آن به صورت هیکل واحدی که اعضا و اجزایش بدون از دادن فردیت خود با هم

اختلاف و امتزاج یافته‌اند، شخصیت جدیدی احراز می‌کند. در سطح محلی امکان ظهور و بروز چنین تقلیبی موجود است، و لکن فراهم آوردن شرایط لازم جهت رشد و شکوفایی آن از مسئولیت‌های عمده. محفل ملی محسوب می‌گردد. اختیار هدایت و اداره امور امر الهی در سطح محلی و ملی و بین‌المللی به اراده الهی به مؤسساتی که انتخابی هستند تفویض شده است. اما توانایی انجام وظائف در جامعه یاران اساساً بر عهده جمیع یاران است. مرجعیت و تمرکز اختیارات در مؤسسات مزبور برای پیشرفت بشریت ضرورتی قطعی دارد، و لکن به کاربردن اختیارات مزبور هنری است که باید در آن مهارت یافت. قدرت عمل در افراد احباء از ابتکارات فردی سرچشمه می‌گیرد و در سطح اراده جمعی به اوج می‌رسد. این قدرت جمعی و این مجموعه استعداد های فردی است که بالقوه به حالتی شکل پذیر وجود دارد و متاثر از عکس‌العمل‌های متعدد افراد نسبت به عوامل گوناگونی است که در جهان مؤثرند. این قوه برای تحقق بخشیدن به عالی‌ترین قصد و هدفش، باید در مسیرهایی فعالیت نماید که تابع نظم و ترتیب است. اگر چه افراد یاران ممکن است سعی نمایند در اقدامات خود به وسیله استنباط‌های شخصی از نصوص الهی هدایت شوند. و هر چند ممکن است به این نحو به موفقیت‌های بسیاری نیز نائل آیند، مع ذلك اگر مساعی مزبور تحت توجه کلی مؤسسات منصوص امری نباشد قادر نخواهد بود نیروی مؤثری را که برای پیشرفت بلامانع تمدن بشری ضروری است کسب نماید.

ابتکارات فردی از بارزترین خصوصیات این قوه محسوب می‌شود. بنابراین از جمله مسئولیت‌های عمده مؤسسات امری تشویق و ترغیب و محافظت و مراقبت ابتکارات مزبور است. به همان نسبت این نکته هم حائز اهمیت است که افراد نیز تائب هدایت بخش و تعدیل‌کننده مؤسسات امری را در پیشرفت تمدن دریابند و بپذیرند. به عبارت دیگر اوامر الهی دایر بر لزوم اطاعت از تصمیمات محافل بطور وضوح می‌تواند امری تلقی شود که از پیشرفت اجتماع جدائی ناپذیر است. فی الحقیقه از نظر رفاه کل جامعه نباید افراد فقط به استفاده از تدابیر شخصی خود واگذار شوند، و از طرف دیگر نباید اتخاذ رویه مستبدانه از جانب اعضای مؤسسات امری سبب پژمردگی و خمودت افراد احباء شود.

اعمال موفقیت‌آمیز قدرت و اختیار در جامعه بهائی مستلزم آن است که رسماً پذیرفته شود که حقوق و مسئولیت‌های مؤسسات امری و افراد احباء علی‌العموم از یکدیگر مجزی است و لکن به نوبه خود احتیاج به همکاری میان این دو نیروی جامعه را آشکار می‌سازد. چنانکه حضرت ولی امرالله توصیه فرموده اند "اگر افراد و محافل بخواهند وظائف و تکالیفشان را نسبت به امرالله به نحوی شایسته انجام دهند، باید نحوه همکاری با یکدیگر را فراگیرند و همکاریشان با هوشمندی و بصیرت باشد. چنین همکاری بدون حصول اطمینان و اعتماد متقابل ممکن نیست." (ترجمه).

راهنمایی و دستور بر اساس تصمیمات محفل صادر می‌شود اما مؤثر واقع شدن آن نه تنها موکول به وضوح دستوری است که صادر می‌شود، بلکه منوط به عوامل روحانی و اخلاقی چندی است که باید از یک طرف در رویه کلی افراد احباء و از طرف دیگر در سبک و روش طرز کار محفل درآمیزد. توصیه ذیل از حضرت ولی امرالله که در یکی از تویقعات اولیه هیکل مبارک خطاب به احبای غرب مندرج است، این موضوع را

روشن می‌سازد:

"باید متذکر بود که مقصد اصلی شریعه‌الله حکومت جابرانه و استبدادی نیست، بلکه اساس آن دوستی و الفت خاضعانه و مشورت آزاد و صمیمانه است. تا شخص واجد روح بهائی حقیقی نباشد هرگز موفق نخواهد شد که خصلت رحم را با عدالت و حریت را با انقیاد و مقدس بودن حقوق افراد را با تسلیم و تفویض و مراقبت و حزم و احتیاط را با محبت و صفا و شهامت وفق دهد."

"وظائف نفوسی که یاران، آنان را از روی کمال آزادی و معرفت به سمت نمایندگان خود انتخاب می‌کنند، از حیث اهمیت و لزومیت، کمتر از وظائف انتخاب کنندگان نیست. وظیفه، اعضای محفل امرکردن و تحکم نبوده، بلکه مشورت است و آن هم نه مشورت بین خود، بلکه باید هرچه بیشتر ممکن شود با منتخبین خود نیز مشورت نمایند و باید صرفاً "خود را به منزله، و سائلی بدانند که برای معرفی امرالله به نحوی که شایسته و مؤثر باشد انتخاب شده‌اند و نباید هرگز چنین تصور نمایند که به منزله، زینت و زیور هیکل امرالله بوده و فطرتاً از حیث استعداد و لیاقت بر دیگران برتری داشته و یگانه مروجین تعالیم و مبادی امرالله می‌باشند، و باید با کمال خضوع به انجام وظائف خود قیام کرده، با فکری آزاد از هرگونه تقید و از روی نهایت انصاف و وظیفه‌شناسی و با صراحت و سادگی و با تعلق تام به منافع و مصالح یاران و امرالله و عالم انسانیت چنان همتی نمایند که نه تنها مورد اطمینان و حمایت واقعی و احترام موکلین خود که باید به آنان خدمت نمایند و اقع شوند، بلکه باید قدر شناسی و محبت قلبی آنان را نیز جلب کنند." (ترجمه)

این دستورات حضرت ولی عزیز امرالله جان کلام را در مورد آنچه که باید در حال حاضر توسط اعضای آن محفل به نحوی عمیق تر درک و جذب شود بیان می‌نماید. جهت تأکید بیشتر، اصطلاحات "کمال خضوع" و "آزادی از هرگونه تقید" و "صراحت" و "سادگی" را تکرار می‌کنیم و مخصوصاً "توجه را به نکته، آزادی از هرگونه تقید و تعصب" که در اصل "صراحت" مستتر است معطوف می‌داریم زیرا همکاری و معاضدت که باید میان آن محفل و احبای الهی تقویت و ترویج گردد به نحوی قابل ملاحظه به میزان و درجه‌ای که نگرانی‌های خود را با درایت و رعایت حکمت با جامعه در میان می‌گذارید بستگی دارد. بهترین فرصت برای این منظور انجمن سالانه، شور روحانی ملی است، یعنی زمانی که نمایندگان کل جامعه جهت مشورت با اعضای محفل ملی گردهم می‌آیند. کافی نیست که فقط بشارات امری و احصائیه‌های تشویق آمیز و دلگسرم کننده به نمایندگان ارائه دهید. باید مطابق توصیه، حضرت ولی امرالله خطاب به آن محفل عمل کنید که می‌فرماید: "باید از روش استتار و استکبار و مضایقه از ابراز عقاید و افکار اجتناب ورزیده، نقشه‌ها و آمل و مشکلات خود را با کمال مسرت و نشاط به نظر نمایندگان که به وسیله، آنان انتخاب شده‌اند برسانند و خاطر نمایندگان را با مسائل مختلفی که در سال جاری محتاج توجه و مطالعه است آشنا سازند و آراء و افکار نمایندگان را قلباً و با نهایت متانت و وقار مورد مطالعه و سنجش قرار دهند."^۸ (ترجمه)

چنانچه اعتماد نمایندگان را جلب نمائید، حتی اگر نتوانند پیشنهادهای مفیدی برای حل مشکلات خاصی ارائه دهند، نسبت به میزان اهمیت مشکلات حادی که امر الهی با آن مواجه است آشنائی و وقوفی

خواهند یافت که در غیر این صورت ممکن نبود حاصل شود. به مدد این آشنائی و وقوف، نمایندگان مجهز خواهند شد تا جامعه را یاری دهند و به نحوی موهثر قرار های آن محفل را، به رغم دشواری‌هایی که در عمل ممکن است پیش آید، به مرحله اجرا در آورند. گذشته از این، دانستن اینکه چنین هیئت مسئولی از احباء شریک نگرانی‌های داخلی آن محفل است، سنگینی مسئولیت‌های طاقت فرسائی را که بر عهده دارید بر طرف می‌سازد. به علاوه حتی در اثر صراحت شما پشتیبانی نمایندگان که باید بنا به وظیفه مقدسی که دارند نسبت به قدرت و اختیارات محفل ابراز شود، افزایش می‌یابد. علاوه بر این، از آنجا که برای آن محفل میسر و عملی نیست که با همه احباء ملاقات نماید و اعضای محفل نیز نمی‌توانند دائما " به سراسر جامعه بهائی سفر کنند، این همفکری متقابل بین شما و نمایندگان انجمن شور روحانی احساس احباء را مبنی بر اینکه شما از آنان دور هستید، گرچه به کلی از بین نمی‌برد اما می‌تواند تعدیل نماید.

در بکار بستن اصل صراحت یقینا " از موارد نامناسبی که تحت عنوان آزادی بیان در بین اهالی آن سامان مقبول افتاده و معمول شده است احتراز خواهید نمود. در جامعه‌ای که در آن "گفتن آنچه که هست" سبک بیانی را به کار می‌گیرد که زبان را از آداب شایسته عاری می‌سازد و در زمانی که خشونت کلام و هیاهو از خصائل رهبری تلقی می‌گردد، خشونت صراحت لهجه محسوب می‌شود و صاحبان قدرت و اختیار با صدائی بلند و لحنی عامیانه صحبت می‌کنند، و مردم غالبا " مجبورند که دستورات را با چنین لحن نامحترمانه‌ای از رهبران‌شان دریافت دارند و این باعث می‌شود که نسبت به صاحبان قدرت احساس انزجار و سوءظن نمایند، موه‌سست امری وظیفه دارند که احباء را عادت دهند تا مرجعیت و اختیارات موه‌سست مزبور را که با زبانی ملایم ارائه می‌گردد تشخیص دهند و بپذیرند.

درباره تکلیفی که آن عزیزان برای تهذیب و تلطیف نحوه رفتارشان با جامعه به ترتیبی که قبلا " شرح داده شد دارید آنچه تاکید شود مبالغه‌آمیز محسوب نمی‌گردد. هرگز نباید فراموش نمائید که نحوه بکار بردن اختیارات برای موفقیت در اقداماتتان نا‌ثیر و اهمیت خاص دارد. با در نظر داشتن این نکته باید جدا " مواظب رفتار افراد، مخصوصا " اعضاء هیئت رئیسه آن محفل باشید که الزاما " باید قرارهای صادره را از طرف محفل به موقع اجرا گذارند و دستوراتتان را به دیگران ابلاغ نمایند. به علاوه گاه اتفاق می‌افتد که نفوسی که در دفتر محفل خدمت می‌کنند در اثر اشتیاقی که برای اطاعت دقیق و کامل دارند، دستورات محفل را با رفتار و لحن تند ابلاغ می‌کنند که موجب رنجش افراد می‌گردد و سبب ایجاد انزجار از هیئتی می‌شود که خادمان مزبور سعی دارند با وفاداری و اخلاص بدان خدمت نمایند. در اعضاء دفتر محفل باید حساسیت نسبت به چنین عواقبی را ایجاد کرد و آنها را با هدایت مستمر و ملاحظت آمیز، متوجه ساخت که شرایط روحانی حفظ رابطه مطلوب و محترمانه با دیگران را باید وجدانا " در برخوردهای خود با احباء ملحوظ دارند زیرا چنین روشی نه تنها فی نفسه از فضائل اخلاقی است بلکه موجبات احساس رنجیدگی از آن محفل را به حداقل کاهش می‌دهد.

نحوه استفاده از قدرت و اختیارات در اجرای عدالت، بسته به میزان و شدت هر مورد متغیر است.

در بعضی موارد مقتضی است که اقدامات محفل قاطع و شدید باشد. حتی در این موارد نیز اعضای محفل بایسد همواره متذکر باشند که قدرتی که اعمال می‌نمایند باید بطور کلی همراه با محبت و خضوع و احترام واقعی نسبت به دیگران باشد. وقتی چنین کنند بکاربردن قدرت طبیعی جلوه می‌نماید و در نظر نفوس روحانی و ارباب انصاف مقبول و مطلوب خواهد بود. بیان ذیل از حضرت ولی امرالله که توسط منشی ابلاغ شده، مربوط به این موضوع است، "مسئولان اداره امور امرالله باید مانند شبانان باشند. هدفشان باید این باشد که جمیع تردیدها و سوء تفاهات و اختلافات مضر را که ممکن است در جامعه یاران رخ دهد، برطرف سازند و این منظور را می‌توانند به نحو شایسته معمول دارند مشروط بر آنکه محرك و مشوق اقداماتشان محبت حقیقی نسبت به افراد احباء و همراه با عزمی جزم جهت رعایت عدالت در جمیع مواردی باشد که برای رسیدگی بدانان ارجاع می‌شود." (ترجمه)

صریحا " به خاطر داشته باشید که تاکید این هیئت در مورد بکار بردن اصول و شرایط روحانی در نحوه اقدام و انجام وظائف آن محفل فقط اظهار آرزو و آرمانی ناشی از پرهیزکاری نیست. هرگز، هرگز. عدم رعایت شرایط مذکور در سخنرانی‌های عمومی و ملاحظات رهبران جهان سبب عمده، بوجود آمدن وضع کنونی در جامعه است. فی الحقیقه این شرایط به همان اندازه که ذاتا " روحانی است، از لحاظ عملی هم دارای تاثیر و نفوذ است. پس شرایط مزبور را همواره با هشیاری و اطمینان معمول دارید تا ملاحظه فرمائید که اقدامات چگونه جانب تاثیرات روح القدس برای عکس العملی خواهد شد که جامعه ابراز خواهند نمود.

اما در خصوص نگرانی آن یاران از اعمال نظارت زیاده از حد در امور احباء، با دریافتن ماهیت توانائی و نیروئی که احباء برای اقدامات امری دارند خواهید توانست بهترین نحوه هدایت و ارشاد آنان را بسنجید باید اجازه داد که احباء از اختیارات و آزادی عمل وسیعی برخوردار گردند، یعنی امکان اینکه به اشتباهاتی نیز دچار شوند منظور شده باشد، محفل روحانی ملی و محافل محلی نباید نسبت به هر اشتباهی بدون مقدمه عکس العمل نشان دهند، بلکه باید در میان اشتباهاتی که بخودی خود با گذشت زمان حل می‌شود و زیان چندانی به جامعه نمی‌رساند و اشتباهاتی که مستلزم دخالت محفل است تفاوت قائل شوند. در حالی که تعالیم الهی احباء را دعوت می‌نماید که یکدیگر را تشویق کنند، تمایل احباء به اینکه در اثر کوچکترین سببی به ایراد گرفتن و انتقاد از یکدیگر پردازند مربوط به همین عامل است. البته این تمایلات ناشی از محبت شدید به امر الهی است و میل به اینکه امر مبارک خالی از هر نقص و عیب باشد. اما افراد بشر کامل و بدون نقص نیستند. محافل محلی و افراد احباء را باید با سرمشقی که از طریق توصیه‌های محبت آمیزی که جهت خود داری از چنین انتقادات که مانع رشد و پیشرفت جامعه می‌شود ارائه می‌دهید، مساعدت نمائید. همچنین باید از وضع قوانین و مقررات زیاده از حد احتراز جوئید. امر الهی چنان ضعیف و شکننده نیست که نتواند تا اندازه‌ای اشتباهات را تحمل نماید. هنگامی که به نظر آن محفل بعضی اقدامات ممکن است به صورت رویه‌ای درآید که عواقبی زیان بار دارد، می‌توانید به جای وضع مقررات جدید، آن موارد را با مشاورین در میان نهید و کمک و پشتیبانی آنان را جهت آموزش یاران به نحوی که شیوه درک و رفتارشان را بهبود

بخشد، جلب نمائید *

اگر احباء فردا " و جمعا " برای اقدام به انواع گوناگون فعالیت‌هایی که به ابتکار خودشان آغاز می‌شود احساس آزادی بیشتری کنند، شور و شوقی جدید و نیروئی تازه برای اجرای اهداف نقشه سه ساله ایجاد خواهد شد حتی اگر عمدا " نیز اقدامی نکنید که یاران را از استفاده از چنین آزادی‌هایی دلسرد سازید، تصورات قبلی آنان، مبنی بر احتمال عدم موافقت و تصویب موه‌سات امری و ترسشان از انتقاد تشکیلات و یا به هر علت دیگری که موجب چنین تصوراتی شده باشد، تا حد زیادی مانع از اقدامات ابتکاری می‌گردد. در این برهه خاص از تاریخ که بار روان آزار دشواری‌ها بر دوش مردم جهان سنگینی می‌کند و بیم آن می‌رود که تیرگی پاس روشنی امید را بپوشاند. در افراد احباء باید حس ماء‌موریت یعنی احساس توانائی رفع نیاز عالم بشری به راهنمایی و هدایت بیدار شود و در نتیجه در قلمرو حیات خود به فتوحاتی برای امر الهی نائل گردند. جامعه باید به صورت یکپارچه در مساعی مربوط به حل اینگونه مسائل سهیم باشد. از آنجا که عناصر و علائق گوناگونی در جامعه وجود دارد، ارائه راه حل واحد مسلما " کافی نخواهد بود. این امور اقتضا می‌کنند که نه فقط مستقلا " در محفل مشاوراتی ترتیب دهید، بلکه با مشاورین هم به مشورت پردازید. گرچه محافل روحانی در تعیین اهداف، خوب اقدام می‌کنند، اما هنوز برای استفاده از استعدادها و امکانات افراد ویرانگیختن جمع یاران جهت تحقق آن اهداف مهارت لازم را کسب نکرده‌اند. برطرف کردن این کمبود نشانی از تکامل و بلوغ تشکیلات مذکور خواهد بود. امید است که آن محفل در این راه پیشقدم شوند.

کاستن تمرکز اداره امور ملی امکان کاهش، نظارت بیش از حد محفل را در امور احباء افزایش می‌دهد و افراد را تشویق می‌کند تا در اقدامات جامعه در سطوح محلی شرکت جویند. در هر حال این هیئت با نیست آن محفل برای چنین اقدامی موافق است. البته مختارید این تغییرات را به جای اینکه بایک حرکت کلی و جامع یکدفعه انجام دهید، به تدریج معمول دارید، به هر حال تشخیص این موضوع کاملا " در اختیار آن محفل است. ممکن است سبب دلگرمی آن عزیزان شود که بدانید که در چند کشور که مشکل اداره امور تبلیغی و فراهم ساختن دیگر خدمات تشکیلاتی ابعاد سهمگینی یافته بود، راه حل‌های گوناگونی برای کاهش تمرکز امور اداری معمول شده است. شرح جزئیات برخی از راه حل‌های مزبور جداگانه جهت آن محفل ارسسال خواهد شد.

گذشته، پر آشوب و آینده، درخشان :

حال پس از اظهار آنچه از پیش گذشت، به شما اطمینان می‌دهیم که از مسئولیت‌های سنگینی که برعهده دارید و از تقاضاهای پی در پی که با وجود فقدان منابع کافی برای تقبل خدمات از آن محفل می‌شود کاملا " آگاهیم. ماء‌یوس مشوید، قابلیت شما برای قبول خدمات مزبور سبب خواهد شد که بر هر مشکلی که در این احیان پر افتتان با آن مواجه شوید، فائق آئید. فقط باید با توسل به اصول اساسی امر الهی اقدام نمائید. گذشته، جامعه، شما پر شکوه بوده است، آینده، آن نیز بی‌نهایت درخشان خواهد بود. تحقق وعده‌های الهی به آن جامعه حتمی است، مجهوداتتان برای تحقق مقصد و منظور حضرت بهاء‌الله یقینا " سبب شمسول

برکات آن حضرت خواهد شد. اجنحه. مولای مهربان حضرت عبدالبهاء همچنان برآن جمع گشوده است تا در ایفای وظائفی که حضرتش خصوصا " به آن یاران محول فرموده است توفیق یابید. محبت این مشتاقان نیز که لحظه به لحظه شدت می یابد، همواره شما و آن جامعه، عزیز را در بر گرفته است. قدم پیش نهیستد و مقتضیات این اوقات را با امیدواری و اعتمادی خلل ناپذیر دریابید.

نیروئی که حضرت بهاء الله در جهان دمیده به شدتی متزاید در کار است و سیر تحولی را که باید منجر به تا سیس نظم بدیع حضرتش گردد، تسریع می نماید. اوضاع روبه انحطاط جامعه نشانی از این واقعیت است و آرزوی جهانیان برای یافتن راه حل های جدید جهت رفع مشکلات بشری موهبید این مطلب بمخاطرات شدید است و مقدرات عالم انسانی به وضعی خطرناک معلق و بی ثبات. در حالی که سرعت حرکت به سوی صلح اصغر در حال افزایش است، جامعه، بهائی مسئولیت های سنگینی در قبال آینده، نزدیک و دور بر عهده دارد. حال آن زمان فرا رسیده است که یاران از امکانات جدید بهره گیرند و دامنه، شمول تاثیر و نفوذ امرالله را وسعت بخشند و به مرحله، جدیدی از اقدامات جهت توسعه، جامعه و تحکیم اساس آن ناشل شوند. به راستی زمان زمان اقدامات متهورانه است. احبا، باید بدون ترس و وا همه از احتمال خطا و اشتباه باشور و اشتغال برای برطرف ساختن حوائج شدید عالم انسانی عاجلانه قیام نمایند. آیا جامعه، بهائی امریکا این فرصت را مغتنم نخواهد شمرد که با این مشکل به مقابله برخیزد؟ آیا اعضای جامعه، مزبور بار دیگر طریقی برای کسب هزاران فتح و ظفر باز نخواهند کرد؟

از آستان قدس الهی ملتسیم که پاسخ بانیان دلیر نظم بدیع الهی به این پرسشها و به این دعوت، بی درنگ و از صمیم قلب و موهبید به تأییدات الهی باشد.

با تحیات ابدع ابهی

بیت العدل اعظم

یادداشت :

- | | |
|---------------------------------------------------------------------------|---------------------------------|
| ۱ - ظهور عدل الهی، صص ۱۱۲ - ۱۱۳ | ۲ - ظهور عدل الهی، ص ۳۵ |
| ۳ - ظهور عدل الهی، ص ۳۶ | ۴ - ظهور عدل الهی، صص ۱۰۱ - ۱۰۲ |
| ۵ - ظهور عدل الهی، صص ۱۵۱ - ۱۵۲ | ۶ - ظهور عدل الهی، ص ۱۵۳ |
| ۷ و ۸ - با اندک تغییراتی از ترجمه، فارسی کتاب "نظامات بهائی" اخذ شده است. | |

امر انتخابات در نظام ادراى بهائى با ساير انظمهء عالم كاملا " متفاوت است بنا بر اين لازم است به دقت اصول انتخابات بهائى را مطالعه كرد .

روش انتخابات بهائى در الواح حضرت عبدالهياء مذكور است و نيز اصول انتخابات در آثار حضرت ولى امرالله آمده است، كه به صورتى كاملا " مختصر به شرح زير است .

اصول انتخابات بهائى

۱ - امر انتخابات براى يك فرد بهائى وظيفه اى است روحانى و وجدانى بنا بر اين در موقع انتخاب بايستى به ذيل دعا و مناجات متوسل شد تا حق جل جلاله ما را به انتخاب نفوسى موفق دارد كه ارادهء خود اوست .

۲ - در انتخاب بايد در نهايت توجه و خلوص و تجرد و فراغت از هرگونه مقاصد شخصى و مآرب نفسى اقدام نمود .

۳ - آنترك^۱، پارتى بازى^۲ و پروپاگاندا^۳ در انتخابات بهائى اكيدا " ممنوع شده است .

۴ - امر انتخابات در جامعهء بهائى امرى است سرى، آزاد، عمومى

حضرت ولى عزيز امرالله مي فرمايند :

"انتخاب در جامعهء بهائيان سرى و عمومى و آزاد است ."

سرى است : يعنى هيچكس نبايد از راءى ديگرى آگاه شود حتى آگاهى زوج بر كيفيت انتخاب زوجه

ممنوع است . به همين دليل آراء بايد بدون امضاء باشد .

۱ - آنترك Intrigue: آنترك از واژه رتيني " اينتركاره " و واژهء ايتاليابى " اينترىگو " آمده است كه معنى مفسده جوئى و مشوش كردن است . آنترك فعاليتى است مفسده جويانه كه پنهانى براى رسيدن به هدف و وارد آوردن زيان و خسران به شخص و يا گروهى از اشخاص صورت مى گيرد . همچنين برانگيختن مزورانه دولتى عليه دولتى ديگر را جهت تيركى روابط آنها و يا ايجاد جنگ آنترك مى گويند .

فرهنگ علوم سياسى ص ۱۰۸ - دكتور محمد جاسمى و دكتور براهيم جاسمى - چاپ اول بهار ۲۵۳۷ جلد اول - (الف تا خ)

۳ - پروپاگاندا Propaganda تبليغات

از واژه رتيني Propagane گرفته شده است . از نظر لغوى به معناى " پخش كردن " منتشر كردن " و " چيزى را شناسانيدن " است . امروزه اين واژه معنائى دقيق تر يافته است و تاثيرى بر عقايد را ميرساند كه در آن هدف بيش از محتوى اهميت دارد . اين هدف فراهم ساختن موجبات پيوستن بيشترى شمار ممكن از افراد به يك ايدئولوژى، ضرب و غايت نظام سياسى و همچنين واداشتن آنان به احراز تعهدى فعال ميباشد در تبليغات سعى در قبولانندن يك عقيدة، يك كردار بطور منظم و در جهت خواست تبليغ كننده و يا آنكس كه دستور تبليغ مى دهد بعمل مى آيد فرهنگ علوم اجتماعى ص ۳۰۷

۲ - پارتى بازى .

پارتى (فرانسوى) حزب، فرقه، جهت، دسته، گروه

پارتى بازى : (از پارتى كلمه فرانسوى و بازى فارسى) تعصب و دسته بندى - پيش بردن قصدى را

فرهنگ دده خدا ص ۴۶۴۳

عمومی است: ^۱ هر فردیکه بیست و یکسال تمام داشته باشد، می تواند در انتخابات شرکت کند و هیچ مقامی نمی تواند شخص ۲۱ ساله بهائی مسجل را از حق انتخاب کردن ممنوع سازد مگر به دلائلی طرد اداری او اعلان شده باشد.

آزاد است: ^۲ هر فرد بهائی مسجل ۲۱ ساله می تواند هر کس را که ۲۱ سال تمام داشته و مسجل باشد به عنوان عضو محفل یا کانونش کشور خویش انتخاب کند.

شرایط انتخاب شوندهگان

گرچه هر کس آزاد است که هر کس را که بهائی بوده و بیست و یکسال داشته باشد و مسجل باشد به عضویت محفل ملی یا کانونش ملی یا محفل ملی انتخاب نماید ولی حق به صرف فضل برای هدایت انتخاب کنندگان برای نفوسیکه مایلیم انتخاب کنیم، شرایطی قائل شده است که باید به آن توجه کنیم و اصولاً " یک فرد بهائی برای انتخاب اعضای محفل خویش بایستی اهمیت خاص قائل باشد به حدی که به این وظیفه وجدانی ارج بنهد و مدتها درباره، نفوسیکه می خواهد انتخاب کند فکر کند نه آنکه خدای نکرده بدون مطالعه به انتخاب پردازد.

به هر حال بهتر است به نصوص مبارکه در این زمینه که هدایت کننده و دلالت کننده است مراجعه نماید که نمونه ای از آنها ذیلا " درج می گردد.

حضرت ولی امرالله می فرمایند: (ابلاغیه، مبارک ۹ آپریل ۱۹۲۲)

" عزت و تقدم جامعه، بهائیان مشروط به انتخاب نفوس سلیمه، موهمنه، فعاله، است ۰۰۰"

هیكل مبارک در تکمیل بیان فوق و توضیح آن به این بیانات ناطق:

" ۰۰۰ موهمنین و موهمنات باید به کمال توجه و خلوص و تأمل و تدبیر نفوس موهمنه مخلصه،

مجریه، مقتدره، مستعده که قابل عضویت اند انتخاب نمایند ۰۰۰"

کتاب امر و خلق ص ۳۶۲

" هیات نظار "

محافل بایستی برای اخذ و استخراج آراء، عده ای از احبای محل را به عنوان هیئت نظار انتخاب کنند

حضرت ولی امرالله می فرمایند:

" ۰۰۰ هیئت نظار باید نفوس زکیه مخلصه، مقتدره باشند و کمال مواظبت را نمایند که انتخابات

آزاد و سری و عمومی باشد از عناد و خدعه و دسیسه و اکراه جلوگیری نمایند و ممانعت نکنند."

کتاب امر و خلق ج ۴ ص ۲۶۲

۱- انتخابات بهائی امری است عمومی یعنی تمام افراد جامعه، بهائی که ۲۱ سال تمام داشته باشند و در حوزه امری

ساکن باشند حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارا هستند مگر اینکه از حقوق اداری محروم شده باشند و یا مختل العقل (یعنی دیوانه) باشند. (مجموعه ای از مطالب دیانت بهائی به اختصار تألیف فرامرز اشرف)

۲- هیچ فرد بهائی را نمی توان موظف و مجبور به ابدای رای کرد.

(مجموعه ای از مطالب دیانت بهائی به اختصار تألیف فرامرز اشرف)

۳- هر فرد بهائی به هر یک از افراد جامعه بهائی که حائز شرایط انتخاب شدن باشند به میل و دلخواه خود می تواند رای دهد.

"مسائل اداری مریسوطیه انتخابات"

۱ - فقط ساکنان يك محل می‌توانند در انتخاب اعضای محفل روحانی آن محل شرکت نمایند.
 ۲ - شخص تازه وارد به محلی که اهل آنجا بوده و همه، احباء را می‌شناسد و قصد توطن طولانی‌ویا دائم دارد می‌تواند بلافاصله پس از ورود اگر هنگام انتخابات باشد در انتخاب اعضای محفل روحانی آن محل شرکت نماید.

۳ - هرگاه در نتیجه، انتخابات محفل روحانی دو یا چند نفر رای مساوی آوردند که یکی از آنها منتسب به طبقه، اقلیت بود برای عضویت محفل اولویت با آن شخصی است که از طبقه، اقلیت است ولی اگر هر دو از طبقه، اکثریت یا هر دو از طبقه، اقلیت بودند آنقدر بین آن دوراء ی گرفته می‌شود که رای یکی بر دیگری افزون یابد. برای روشن شدن مطلب مثال زیر را می‌آوریم.

مثلا " اگر برای عضویت دو نفر انتخاب شدند که دارای رای مساوی بودند دو صورت ممکن است داشته باشد.

الف : یکی از آنها از اقلیت است مثلا " قبلا " یهودی بوده و حالا بهائی است و یکی از اکثریت است یعنی قبلا " مسلمان بوده و حالا بهائی است . در این صورت بر طبق نصوص حضرت ولی امرالله آنکس که قبلا " یهودی بوده عضو محفل می‌شود زیرا در کشور مقدس ایران اکثریت با مسلمانان است .

ب : حال اگر هر دو عضوی که دارای رای مساوی هستند از اکثریت یا اقلیت باشند باید مجدداً " بین آن دوراء ی گرفت آنقدر که یکی از آنها رای بیشتری بیاورد .

ولی باید توجه داشت که طبق اساسنامه، بیت‌العدل اعظم الهی این قانون در مورد انتخاب اعضای آن معهد اعلی اجراء نمی‌شود، زیرا تعیین اقلیت و اکثریت در دنیا امکان پذیر نیست و انتخابات مربوط به بیت‌العدل اعظم انتخابات جهانی است نه محلی و نه ملی است .

این اصل یعنی اولویت یارحجان اقلیت بر اکثریت در مورد تساوی آراء برای عضویت محفل مقدس روحانی هستند به نص مبارك حضرت ولی محبوب امرالله است که در کتاب ظهور عدل الهی که اصلاً " انگلیسی است به شرح زیر آمده است .

" این اصل اصیل به درجه‌ای مهم و حیاتی است که هرگاه در مواردی مانند امر انتخاب تعداد آراء در حق افرادی از اجناس* مختلف ویا مذاهب و ملیتهای متنوع در داخل جامعه یکسان ویا خصائص و شرایط لازم جهت احرازرتبه و مقامی بین افراد مذکور علی حد سواه باشد اولویت و تقدم باید بلا تردید به فردی تعلق گیرد که منتسب به اقلیت است و این ترجیح و تقدم صرفاً " از لحاظ آن است که اقلیت مورد تشویق و ترغیب قرار گیرد و به آنان فرصت و موقعیت مساعد داده شود تا در خدمت جامعه و پیشرفت مصالح عمومی قدمهای بلندتر بردارد ."

ظهور عدل الهی ص ۷۴

ذیلا " به درج عین دستخط مورخ سوم فوریه ۱۹۷۲ بیت‌العدل اعظم الهی در موارد دیگر مسائل

* منظور از اجناس، نژادهای مختلف هستند

اداری مربوط به انتخابات بهائی می‌پرازیم:

ترجمه، قسمتی از دستخط مورخ ۳ فوریه، ۱۹۷۲ بیت العدل اعظم

(در جواب سئوال مطروحه در قسمت اول نامه، شما دایر بر اینکه آیا ورقه، رای که دارای کمتر یا بیشتر

از ۹ اسم باشد معتبر است یا نه؟)

مواردیکه سبب ابطال کامل ورقه، رای می‌شود عبارتست از:

۱- در صورتیکه بیش از ۹ نفر در ورقه، رای نوشته شده باشد.

۲- در صورتیکه کمتر از ۹ نفر در ورقه، رای نوشته شده باشد.

۳- در صورتیکه اسمی تکرار شده باشد.

در سایر موارد که خطائی مشهود شود ممکن است يك یا چند اسم باطل شود، ولی بقیه، اسمی مندرج در ورقه،

رای معتبر اعلام می‌گردد. مانند موارد مشروح ذیل:

۱- در صورتیکه هویت یکی از اسمی شناخته نشود و یا غیر خوانا باشد.

۲- اسم کسیکه واجد شرایط انتخاب شدن نباشد نوشته شده باشد مانند شخصی که سنش کمتر از ۲۱ سال

باشد یا ساکن حوزه، انتخابیه نباشد، البته مشروط بر این است که ورقه، رای بیشتر یا کمتر از ۹ اسم نداشته

باشد و کسی تکرار نشده باشد...

۳- هرگاه نام کسی ذکر شده باشد که به عللی نتواند عضو محفل شود (مرگ، طرد، مسافرت، سکونت

در محل دیگر)

رسمیت يك تشكيل:

هر تشكيل وقتی می‌تواند به صورت رسمی شروع به کار نماید که حداقل نصف به اضافه يك نفر از اعضا،

در آن جلسه حاضر باشند.

تبصره ۱- همانطور که قبلاً گفته شد جلسهای رسمی گفته می‌شود که کلیه، اعضای آن از زمان و مکان

تشکیل جلسه مطلع باشند. در صورتیکه حتی یک نفر از اعضا، از زمان و مکان تشکیل مطلع نباشد و بقیه،

اعضا، تماماً "حاضر باشند جلسه رسمی نیست مگر آنکه آن عضو به مسافرت رفته باشد. برای جریان بهتر

امور معمولاً "زمان و مکان مشخصی را برای تشکیل جلسات محفل اختصاص می‌دهند در غیر این صورت، منشی

جلسه موظف است اعضای غایب را از زمان و مکان جلسه مطلع و آنها را دعوت کند و عضو مسافر نیز بایستی

به محض ورود مراجعت خود را به منشی جلسه اطلاع دهد. به عبارت خلاصه هیچ جلسه‌ای رسمیت نخواهد

یافت مگر آنکه کلیه، اعضا، از زمان و مکان تشکیل جلسه مطلع باشند و حداقل نصف به اضافه يك افراد

حاضر باشند. (نظم اداری بهائی ص ۳۰ طرح مکاتبه‌ای)

تبصره ۲- جلسه، فوق العاده میتواند طبق درخواست ناظم و یا سه نفر از اعضا، تشکیل گردد. تمام

شرایط موجود در تبصره ۱ جهت رسمی شدن جلسه، فوق الذکر هم لازم است. (نظامات بهائی ص ۶۰)

این حالت وقتی است که در خارج از جلسه لزوم جلسه، فوق العاده به علت کاری ضروری احساس گردد

والا اگر جلسه، فوق العاده در جلسه، رسمی مطرح شود نظر اکثریت شرط است.

شروع جلسه:

هر جلسه با تلاوت مناجات شروع می‌شود. بهتر است برای کسب روحانیت و طلب تاخیر مدت معینی در شروع هر جلسه به دعا و مناجات بگذرد.

انتخاب هیئت عامله:

هر تشکیل در اولین جلسه، رسمی خود اقدام به انتخاب هیئت عامله می‌نماید بدین ترتیب که با رای مخفی و کتبی به ترتیب ناظم، نایب ناظم، منشی و امین صندوق را انتخاب می‌نماید. منتخبین باید دارای اکثریت مطلق یعنی حداقل نصف به اضافه یک کل آراء باشند.

تبصره: در صورتیکه در اولین جلسه کلیه اعضا حاضر نباشند هیئت عامله، موقت انتخاب خواهند شد. ترتیب انتخاب هیئت عامله، موقت تماما " شبیه انتخاب هیئت عامله، دائم است با توجه به این موضوع که اکثریت مطلق عبارت از نصف به اضافه یک اعضای حاضر در جلسه است نه تمام افراد عضو، مثلا اگر تشکیلی دارای ۹ عضو است و در اولین جلسه ۷ نفر حاضرند هر یک از اعضای هیئت عامله، موقت باید حداقل ۴ رای داشته باشند. در حالیکه در اعضای هیئت عامله، دائم ۵ رای. تا زمانیکه کلیه اعضا در جلسه حاضر نیستند نمی‌توان هیئت عامله، دائم انتخاب نمود. به عبارت دیگر حین انتخاب هیئت عامله، دائم حضور کلیه افراد ضروری است. در صورت کثرت کارهای منشی، میتوان اقدام به انتخاب خلاصه نویسی نمود.

(کتاب راهنمای محافل ان - ۲ - ۱۲۸ - ۲)

باید توجه داشت که اعضای هیئت عامله کوچکترین امتیازی نسبت به بقیه اعضا ندارند و کلیه افراد در صقع واحدند. پس از شروع جلسه خلاصه مذاکرات جلسه، قبل قرائت و در صورت عدم نقص تصویب خواهد شد. در صورت وجود نقائص پس از رفع آنها تصویب خواهد شد. پس از تصویب، خلاصه مذاکرات باید به امضای منشی و ناظم برسد. خلاصه مذاکرات شامل ساعت شروع و ختم جلسه افراد حاضر و غایب و دیگر آمدگان و نیز بیان موجه بودن و یا غیر موجه بودن غیبت افراد، همچنین گزارشات منشی، ابلاغات، مصوبات، اقدامات و غیره و در صورت لزوم دستور جلسه، آینده می‌باشد. توضیح اینکه دستور جلسه عبارت است از موضوعی که قرار می‌گذارند تا در جلسه، آینده مورد رسیدگی قرار گیرد.

حضور و غیاب:

پس از صدور اعتبار نامه برای اعضا و ارائه به فرد مورد نظر هر کدام از اعضا موظف هستند به‌طور مرتب و منظم در جلسات حضور یابند و بقیه اعضا را یاری نمایند. هرگونه خدمت و فعالیت در تشکیلات فرع حضور در آن تشکیل است و اگر عضوی در جلسات مرتب حاضر نشود به سختی موفق خواهد شد وظایف خود را به خوبی انجام دهد. هرگاه غیبت عضوی از اعضا، از حد متعارف گذشت، محفل باید از آن عضو بخواهد که تکلیفش را با محفل روشن نماید.

توضیح - هرگونه غیبتی جز به علت بیماری و مسافرت و داشتن اجازه قبلی غیر موجه محسوب است.

و در صورت مسافرت باید قبلاً " تشکیل را مطلع نمود . البته موارد استثنائی هم پیش می‌آید که تصمیم‌نسبت به موجه بودن آن با محفل است .

استمرار در غیبت و تاخیر در جلسه باعث تضعیف و تخفیف تشکیل شده و از کارائی آن می‌کاهد .

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند :

" بدیهی است مادام که هر عضوی نتواند مرتباً " در جلسات محفل روحانی محلی خویش حضور به هم رساند محال است بتواند وظائف مفروضه ، خود را القاء و مسئولیتهای خویش را بسه عنوان نماینده ، جامعه انجام دهد . عضویت محفل روحانی محلی حقیقتاً " توأم با الزام و توانائی و تماس نزدیک با جریانات امریه ، محلیه و حضور مرتب در جلسات محفل است . اگر عضوی از اعضا به دلائلی قادر نباشد به خدمات خود ادامه دهد و قصد استعفاء داشته باشد باید به تشکیل مافوق خود که او را منصوب کرده است ، استعفاء بدهد . در صورتی از خدمت در آن تشکیل معاف است که تشکیل مافوق استعفای او را بپذیرد ولیکن تازمانی که قبول استعفاء به او ابلاغ نشده است باید در جلسات حضور یابد و جزو اعضا محسوب می‌شود و لکن اگر عضو محفل است باید به نفس محفل روحانی استعفاء بدهد . "

اهمیت حضور مرتب در جلسات :

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند :

" بدیهی است مادام که عضوی نتواند مرتباً " در جلسات محفل روحانی محلی خویش حضور به هم رساند محال است بتواند وظائف مفروضه ، خود را ایفاء و مسئولیتهای خویش را به عنوان نماینده جامعه انجام دهد . عضویت محفل روحانی محلی حقیقتاً " توأم با الزام و توانائی تماس نزدیک با جریانات امریه ، محلیه و حضور مرتب در جلسات محفل است . "

" نظامات بهائی ص ۶۴ "

حضرت ولی امرالله تصویب می‌فرمایند که :

" هرگاه یکی از اعضا عامله یا يك عضو عادی محفل روحانی نتواند برای مدت نامحدودی انجام وظیفه نماید و معلوم نباشد که آیا در آتیه خواهد توانست به خدمت خود ادامه دهد ، باید او را رسماً " معذور داشته و از احبای محل دعوت نماید که به وسیله ، تشکیل يك جلسه عضو جدیدی انتخاب کنند . "

" نظامات بهائی ص ۸۲ "

و نیز می‌فرمایند :

" هر محفل روحانی محلی باید کاملاً " مراقبت و دقت نماید که مسافرتها و یامرخصی‌های اعضای اصلی در زمان واحد از چهار نفر تجاوز نکند ، زیرا در آن صورت محفل از رسمیت ساقط می‌شود !

" نظامات بهائی ص ۴۹ "

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند:

راجع به استعفا دادن اعضای محفل از عضویت پس از انتخاب فرمودند، "حق استعفاء نداشته و ندارند و تشخیص و قبول عذر از خصائص محافل محلیه است. هر نفسی اطاعت ننماید از منردین محسوب و از حق انتخاب و عضویت محافل محروم."

به خط منشی هیکل مبارک مندرج "توقیعات مبارکه ص ۳۹۳"

در دستخط منیع بیت العدل اعظم مورخ ۲ شهر العزه ۱۲۳ - ۹ سپتامبر ۱۹۶۶ مندرج است:

"محفل مقدس روحانی ملی بهائیان عربستان شیدالله ارکانه

مکتوب ۱۰ شهرالکمال آن یاران مهربان راجع به غیبت اعضا محافل روحانیه در فصل تابستان و سوال راجع به انتخاب عضو علی البدل و مطالب سائره واصل، ملاحظه گردید. به نظر این هیئت محافل روحانیه باید در هر مورد مواظبت نمایند که در صورت غیبت طولانی اعضا که احیاناً محفل را از اکثریت می‌اندازد، امور امریه را به نحوی از طریق لجنه یا لجنات مخصوصه تمشیت دهند و اگر به تشخیص هر محفل غیبت طولانی یک یا چند عضو باعث رکود امور و مخالف با مصالح امریه باشد و حاجت به تجدید انتخاب افتد، آنوقت محفل به جامعه ابلاغ نماید که نفس یا نفوسی دیگر رابه جای نفوس غائبه به عضویت محفل انتخاب نمایند و عضویت این نفوس جدیده قطعی و کامل است و باید تا آخر سنه تشکیلاتی قطع نظر از مراجعت اعضا قدیمه ادامه یابد. بدیهی است طبق دستورات مبارکه آن محفل یا محافل روحانیه، محلیه باید از تعیین قرار کلی که معمول به در جمیع موارد و در هر زمان و مکان باشد خود داری نمایند و چون غیبت ممتد یک یا چند عضو را مضر و اعلان انتخاب جدید را ضرور دانند، باید باسنجیدن اوضاع و احوال موجوده در آن مورد بخصوص تصمیم خود رابه جامعه ابلاغ نمایند نه آنکه تصمیم را مسبق و موقوف به قرار کلی سابق سازند. به عبارت اخری چنانچه تمشیت امور جامعه را در تعطیل موقت محفل به وسایل و طرق سائره ممکن یا مفید ندانستند و جبران کمبود اعضا محفل را با انتخاب جدید لازم شمردند، در چنین حالی باید بدانند که عضویت اعضا جدید انتخاب کامل و تمام است و مراجعت اعضا سابق از عضویت نفوس جدید تغییر نمی‌بخشد."

"با تقدیم تحیات بیت العدل اعظم"

"نقل از مجموعه راهنمای محافل"

از آنجائی که رای افراد متعدد صحیحتر از رای يك فرد است و از آن جا که به فرموده، مبارک حضرت عبدالبهاء " بارقه حقیقت شعاع ساطع از تصادم افکار است " در دیانت بهائی تصمیمات بر مبنای شور و مشورت اخذ می شود و تصمیمات به اتفاق یابیه اکثریت مطلق اعضای حاضر اتخاذ می گردد، بدین ترتیب اختلاف آراء از بین رفته و وحدت اجتماع حفظ خواهد شد. جمال اقدس ابهی در اهمیت آن می فرماید:

" این کلمه مبارکه در صحیفه، حمراء از قلم اعلی جاری و نازل، آسمان حکمت الهی به دو نیر روشن و منیر، مشورت و شفقت. مشورت بر آگاهی بیفزاید و ظمن و گمان را به یقین تبدیل نماید، اوست سراج نورانی در عالم ظلمانی، راه نماید و هدایت کند. از برای هر امری مقام کمال و بلوغ بوده و خواهد بود. بلوغ و ظهور خرد به مشورت ظاهر و هویدا. "

مائده آسمانی جلد ۸ ص ۶۰

حضرت عبدالبهاء می فرماید:

"... در خصوص مشورت ماء مور بها سوال نموده بودید، از مشورت مقصود آن است که آراء نفوس متعدده البته بهتر از رای واحد است. نظیر قوت نفوس کثیره، البته اعظم از قوت شخص واحد است. لهذا شور مقبول درگاه کبریا و ماء مور به. " مکتوبات حضرت عبدالبهاء جلد ۲ ص ۲۰۳

در مشورت باید ناظر به مصالح عمومی بود و از مقاصد شخصی احتراز جست، صراحت و صداقت راپیشه کرد و خلوص نیت و راستی را مطمح نظر قرار داد. به هیچوجه نباید در آراء خود اصرار ورزید و رای دیگران را تزییف و تحقیر کرد. حضرت عبدالبهاء می فرماید:

" باید به نوعی مذاکره و مشاوره گردد که اسباب اختلافی فراهم نیاید و آن اینست که حین عقد مجلس هر يك به کمال حریت راءى خود رابیان و کشف برهان نماید. اگر دیگری مقاومت می کند ادا " مکرر نشود زیرا تا بحث در مسائل نگردد، راءى موافق معلوم نشود و بارقه، حقیقت شعاع ساطع از تصادم افکار است " و نیز می فرماید:

" تصادم افکار و مقاومت آراء در انجمن شورا سبب ظهور شعاع حقیقت است نباید هیچیک از اعضاء مکرر از مقاومت احدی شوند بلکه هر يك از اعضاء قول دیگری را با وجود مخالف بودن با رای خویش در کمال ادب به خلوص نیت گوش دهد و غباری در قلبش ننشیند چون چنین وضعی گردد آن انجمن الهی است و الا سبب برودت و کدورت عالم شیطانی. "

هر يك از اعضاء پس از اجازه از ناظم باید نظر خود را به کمال صراحت خطاب به جمع بیان نماید. اعضاء باید از مجادله در مسائل بپرهیزند. حضرت عبدالبهاء می فرماید:

" باری احبای الهی صریح کتاب الهی اینست که اگر دو نفس در مسئله ای از مسائل الهیه جدال و بحث نمایند و اختلافات و منازعه نمایند هر دو باطلند. "

و نیز می فرمایند :

" ای احبای الهی در امور مشورت نماشید و از یکدیگر رای طلبید آنچه از شور در آید مجری دارید، خواه موافق فکر و رای شما باشد خواه نباشد، زیرا معنی شور این است که آنچه را اهل شور موافق بینند مجری دارند... "

در این امر مبارک به مسئله شور بسیار اهمیت داده شده است و در آثار مبارکه در این زمینه مطالبی ذکر شده که برای سهولت در امر یادگیری آنها را به صورت زیر خلاصه می نماید .

شرایط مشورت در تشکیلات بهائی

الف : شرایط اساسی و روحانی :

" باید اعضای مشورت در نهایت محبت و الفت و صداقت با یکدیگر باشند . "

حضرت عبدالبهاء، گنجینه حدود و احکام - چاپ دوم - ص ۲۲۷

" اول شرط محبت و الفت تام بین اعضای آن انجمن است که از بیگانگی بیزار گردند و بیگانگی

حضرت پروردگار آشکار . "

حضرت عبدالبهاء، اصول نظم اداری تاء لیف علی اکبر فروتن

حضرت عبدالبهاء می فرمایند :

" اول فریضه اصحاب شور خلوص نیت و نورانیت حقیقت و انقطاع از ماسوی الله و انجذاب به نفحات

الله و خضوع و خشوع بین احباء و صبر و تحمل بر بلا و بندگی عتبه سامیه الهیه است "

بیان مبارک فوق را میتوان بدین شکل خلاصه کرد :

اول فریضه :

۱ - خلوص نیت

۲ - نورانیت حقیقت

۳ - انقطاع

۴ - انجذاب

۵ - خضوع و خشوع

۶ - صبر و تحمل بر بلا

۷ - بندگی عتبه سامیه الهیه

حضرت عبدالبهاء می فرمایند :

" شرط ثانی آن است که رئیسی به جهت آن محفل ، اعضای انجمن بالاتحاد انتخاب کنند و دستور-

العمل و نظامی به جهت اجتماع و مذاکره قرار دهند و آن دستورالعمل و نظام در تحت اداره و محافظه و

حمایت رئیس باشند و تنفیذ نماید اعضای محفل باید در نهایت اطاعت و انقیاد باشند، مکالمه حشو و زوائد

در آن محفل نگردد و اعضا در حین ورود، توجه به ملکوت اعلی کنند و طلب تاء یید از افق ابهی و در نهایت

خلوص و وقار و سکون و آداب در انجمن قرار یابند و به نهایت ادب و ملایمت کلام و اهمیت خطاب به بیسان

آراء پردازند. در هر مسئله‌ای تحری حقیقت کنند نه اصرار در رأی، زیرا اصرار در رأی منجر به منازعه و مخاصمه گردد و حقیقت مستورماند، ولی اعضاء محترمه باید به نهایت آزادگی بیان رأی خویش نمایند و ابدأً جائز نه که نفسی تزئیف رأی دیگری نماید. بلکه به کمال ملایمت بیان حقیقت کند و چون اختلاف آراء - حاصل شود رجوع به اکثریت آراء کنند وکل اکثریت را مطیع و منقاد گردند و دیگر جائز نه که نفسی از اعضاء محترمه برقرار اخیر چه در خارج و چه در داخل اعتراض نماید و یا نکته گیرد و لو مخالف صواب باشد. زیرا این نکته گیری سبب شود که هیچ قراری استقرار نیابد. باری هرکاری که به الفت و محبت و خلوص نیست فیصل شود، نتیجه‌اش انوار است و اگر ادنی اغبراری حاصل شود نتیجه‌اش ظلمات فوق ظلمات است. تصادم افکار و مقاومت آراء در انجمن شور سبب ظهور شعاع حقیقت است. نباید هیچیک از اعضاء متکدر از مقاومت دیگری شود. بلکه هر یک قول دیگری را با وجود مخالف بودن با رأی خویش در کمال ادب به خلوص نیت گوش دهد و غباری در قلبش ننشیند. چون چنین گردد آن انجمن انجمن الهی است. والا سبب برودت و کسورت عالم شیطانی."

مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد ۳ ص ۵۰۷-۵۰۶

بیان فوق را می‌توان بدین شکل خلاصه نمود:

- ۱- رئیسی به جهت آن محفل، اعضاء انجمن بالاتحاد انتخاب کنند و دستور العمل و نظامی به جهت اجتماع و مذاکره قرار دهند و آن دستور العمل و نظام انجمن در تحت اداره و محافظه و حمایت رئیس باشد. و تنفیذ نماید و اعضاء محفل باید در نهایت اطاعت و انقیاد باشند.
- ۲- " مکالمه حشو و زوائد در آن محفل نگردد."
- ۳- " و اعضاء در حین ورود توجه به ملکوت اعلی کنند و طلب تایید از افق ابهی."
- ۴- " در نهایت خلوص و وقار و سکون و آداب در انجمن قرار یابند."
- ۵- " و به نهایت ادب و ملایمت کلام و اهمیت خطاب به بیان آراء پردازند."
- ۶- " در هر مسئله‌ای تحری حقیقت کنند نه اصرار در رأی."
- ۷- " ولی اعضاء محترمه باید به نهایت آزادگی بیان رأی خویش نمایند."
- ۸- " ابدأً جائز نه که نفسی تزئیف رأی دیگری نماید."
- ۹- " به کمال ملایمت بیان حقیقت کند."
- ۱۰- " چون اختلاف آراء حاصل شود رجوع به اکثریت آراء کنند وکل اکثریت را مطیع و منقاد گردد."
- ۱۱- " دیگر جائز نه که نفسی از اعضاء محترمه برقرار اخیر چه در خارج و چه در داخل اعتراض نماید و یا نکته گیرد و لو مخالف صواب باشد."
- ۱۲- " ... نباید هیچیک از اعضاء متکدر از مقاومت دیگری شود."
- ۱۳- " بلکه هر یک قول دیگری را با وجود مخالف بودن رأی خویش در کمال ادب به خلوص نیت گوش دهد و غباری در قلبش ننشیند."

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

" ۰۰۰ باید به نوعی مذاکره و مشاوره گردد که اسباب اختلافی فراهم نیاید و آن اینست که حین عقد مجلس هر یک به کمال حریت رأی خویش را بیان و کشف برهان نماید . اگر دیگری مقاومت می کند ایدا " او مکدر نشود زیرا تا بحث در مسائل نگردد رأی موافق معلوم نشود . و بارقه حقیقت شعاع ساطع از تصادم افکار است . در نهایت مذاکره اگر اتفاق آراء حاصل گردد فنعلم المراد . و اگر معاذالله اختلاف حاصل شود به اکثریت آراء قرار دهند . ۰۰۰ و دیگر آنکه مذاکره در محفل شور را کسی نباید نقل کند . "

مکاتیب جلد ۴ ص ۱۵۲

بیان مبارک فوق را می توان بدین شکل خلاصه نمود :

- ۱ - " حین عقد مجلس هر یک به حریت رأی خویش را بیان و کشف برهان نماید . "
- ۲ - " مذاکره در محفل شور را کس نباید نقل کند . "

حضرت ولی امرالله میفرمایند :

" ۰۰۰ باید رای خود را در هر امری و در هر جلسه ای در نهایت صداقت و روشنی و خیرخواهی و خضوع و خلوص ابداء و اظهار دارند و آنچه را بعد از مشورت کامل و مذاکره تام رای اکثریت بر آن قرار گرفت به دل و جان بدون ادنی کدورت و رنجش اجرا نمایند ولو آنکه رای اکثریت مخالف واقع و عیاری از صواب باشد . چه اینست حکم صریح محکم الهی . چگونه تجاوز و انحراف از این امر منصوص جائز ؟ "

کتاب محافل روحانیه و وظایف آن ص ۱۳

بیان فوق را می توان بدین صورت خلاصه نمود :

- ۱ - " باید رای خود را در هر امری و در هر جلسه ای در نهایت صداقت و روشنی "
- ۲ - " و خیرخواهی "
- ۳ - " و خضوع و خلوص ابداء و اظهار دارند . "
- ۴ - " و آنچه را بعد از مشورت کامل و مذاکره تام رای اکثریت بر آن قرار گرفت به دل و جان بدون ادنی کدورت در بخشی اجرا نمایند ولو آنکه رای اکثریت مخالف واقع و عاری از صواب باشد . "

و نیز می فرمایند :

" ۰۰۰ و چون موقع اخذ تصمیم فرا رسد باید از روی خلوص نیت و حسن طوبیت و کمال رغبت مشورت کرده و سپس به آستان الهی توجه و تبتل نمایند و باصفای قلب و ایمان کامل و شهادت تام ابدای رای نموده و مطیع نتیجه آراء اکثریت گردند . زیرا به فرموده حضرت عبدالیهاء رای اکثریت ندای حق بوده و قابل احتجاج نیست و باید همواره با کمال میل و اشتیاق به مورد اجراء گذاشته شود . این رای اکثریت را باید یاران قلبا " قبول کنند و آن را یگانه وسیله صیانت و پیشرفت امرالله شمرند . "

نظامات بهائی ص ۵۴

و نیز می فرمایند :

" فردی از افراد محفل هر قدر عظیم الشان باشد و کامل و هر چه آگاه باشد و فاضل باز رای فرد مصاب

نموده و نخواهد بود. آن فرد قانوناً " باید مطیع اغلبيت باشد. " .

اصول نظم اداری ص ۷۳

و نیز می فرمایند :

" . . . و همچنین اعضای محافل روحانیه محلی و مرکزی باید از مآرب و منافع و مصالح شخصی فرديه خود بیزار و در کنار باشند و نظر را حصر در ترویج مصالح جمهور و فوائد عمومیه و پیشرفت جامعه بهائی نمایند . در امور مفروضه موکوله تفحص و تمعن نمایند و به عدل و انصاف حکم فرمایند . در امور مرجوعه در کمال صراحت و صداقت و جدیت مشورت تام نمایند و در مذاکرات و مباحثات کل من دون استثناء مشارکت کنند و پس از مشورت کامل متمسک به حکم اکثریت گردند و تصمیم قطعی بنمایند و پس از تصمیم من دون تاخیر و تردید در تنفیذ و اجرای قرارهای خویش همت بلیغ مبذول دارند . "

منتخبات توقیعات ص ۹۰

بیان مبارک فوق را می توان بدین شکل خلاصه نمود :

- ۱ - " اعضای محافل روحانیه محلی مرکزی باید از مآرب و منافع و مصالح شخصی فرديه خود بیزار و در کنار باشند . "
- ۲ - " نظر را حصر در ترویج مصالح جمهور و فوائد عمومیه و پیشرفت جامعه بهائی نمایند . "
- ۳ - " در امور مفروضه موکوله تفحص و تمعن نمایند . "
- ۴ - " به عدل و انصاف حکم فرمایند . "
- ۵ - " در مذاکرات و مباحثات کل من دون استثناء مشارکت کنند . "
- ۶ - " پس از مشورت کامل متمسک به حکم اکثریت گردند . "
- ۷ - " پس از تصمیم من دون تاخیر و تردید در تنفیذ و اجرای قرارهای خویش همت بلیغ مبذول دارند . "

و نیز می فرمایند :

" اعضای محفل شور باید به مصالح امریه عمومیه ناظر باشند، ترویج مقاصد شخصی ننمایند و ناظر افکار و امیال و مصالح خویش نگردند . "

اصول نظم اداری ص ۱۹

و نیز می فرمایند :

" اعضای این محافل باید به نوبه خود کاملاً احساسات موافق و مخالف خود و مصالح و تمایلات شخصی را کنار گذارده، افکار خود را در اطراف اقداماتی که منجر به خیر و سعادت جامعه بهائی و ترویج مصالح جمهور است حصر نمایند . "

نظامات بهائی ص ۵۸

و نیز می فرمایند :

" باید خود را خادم امین حقیقی احباء الله شمرند و نظر را متوجه و حصر در منافع عموم و مصالح امرالله نمایند . نه ناظر به اشخاص و متمسک به مقاصد و مآرب شخصی گردند . "

مجموعه توقیعات مبارک ص ۵۰

و نیز می فرمایند :

" زنهار زنهار که طرفداری جاه طلبی و تعلق به دنیا در اداره ، امور رسوخی نمایند . زیرا به مرور زمان نورانیت آئین مقدس را ظلمانی و طهارت و تنزیهش را لکه دار و اثرات عمیقهاش را فلج و معلول خواهد

ساخت " مائده آسمانی جلد ۶ ص ۸۶۵

و نیز می فرمایند :

" باید در جمیع احیان از روح تفوق و استکبار و روش استتار اجتناب نمایند و از رفتار تسلط طلبی بیزار شوند و در مشاورات هرگونه تعصبات و امیال شخصی را کنار گذارند ."

خصائل اهل بهاء و فرائض اصحاب شور ص ۶۰

ب : شرایط اداری :

مطالب زیر به عنوان شرایط اداری شور بهائی مطرح می شود که هر یک به صورتی به عنوان نظامات بهائی در امر مشورت به صحه ، مبارکه مولای مهربان حضرت ولی امرالله رسیده است .

۱ - هر موضوعی که در محفل مطرح می گردد وقتی به احسن وجه حل و تسویه خواهد شد که مراحل ذیل را طی نماید .

اول (تعیین جریان مسلم موضوع و توافق نظر درباره آن به این مرحله نام تحقیق می دهیم) (مرحله ، تحقیق)

دوم (انطباق موضوع با تعلیمات روحانی و اداری امری که شامل موضوع مورد بحث باشد به این مرحله نام (مرحله ، تطبیق) می دهیم .

سوم (مذاکره ، کامل و آزاد راجع به موضوع تا منجز به تقدیم پیشنهاد گردد . (مرحله ، اساسی مشورت)

چهارم (اخذ رای درباره پیشنهاد تقدیم شده که مرحله ، (اتخاذتصمیم) نام دارد .

پس وقتی مسئله ای در محفل یا هر انجمن شوری مطرح می شود می تواند چهار مرحله طی کند :

مرحله ، تحقیق ، در این مرحله بایستی بر اعضای محفل روشن باشد که موضوع مورد مذاکره چیست و با فی المثل حقیقت دارد یا خیر ؟ مثلا " محفلی احساس میکند که تعداد افراد جامعه اش زیاد شده اند و برای

اجتماعات امری خانه ، احیاء دیگر گنجایش تشکیل جلسات امری را با حضور همه ، احیای ساکن آن محل ندارد موضوع در مرحله ، تحقیق بایستی روشن شود که آیا این مسئله صحیح است ؟ تعداد زیاد شده است ؟ دیگر

خانه ای که گنجایش همه ، احیاء را داشته باشد در آن محل وجود ندارد ؟ پس از اثبات این موضوع که حقیقت دارد ، موضوع در مرحله ، تطبیق دارد در این بحث می گردد که از نظر امری چه می توان درباره ، رفع ایمن

مشکل انجام داد ؟ احیا را به دو دسته تقسیم کرد ؟ حظیره القدسی تهیه نمود ؟ اجاره یا خریداری ؟ و آیا چنین طرقی موافق با دستورات امری است ؟ آیا موافق با حکمت است ؟ اگر فی المثل تهیه حظیره القدس

مطابق با اصول و نظامات امری است پس وارد مرحله ، مشورت می شویم . موضوع در مرحله ، مشورت وارد این

جریان از بحث می‌گردد که می‌توان حظیره القدس تهیه کرد؟ پول داریم؟ محلی اجاره کنیم یا خریداری نمائیم؟ پس از طی این مرحله مثلا " معلوم می‌شود که بایستی محلی را خریداری کرد و امکانات مالی وجود دارد پس وارد مرحله، اتخاذ تصمیم می‌گیریم.

موضوع در مرحله، اتخاذ تصمیم به اینجا ختم می‌شود که بایستی حظیره القدس در محل خریداری کرد تا گنجایش تمام افراد را برای تشکیل جلسات داشته باشد.

در مرحله، اساسی مشورت (مذاکره، کامل و آزاد ۱۰۰۰) بایستی به نکات اداری زیر علاوه بر رعایت اصول روحانی که قبلا " ذکر شد توجه کامل داشت که اقدامات ما در مرحله، مشورت به طور صحیح ادامه یابد و زودتر به نتیجه برسد.

۱- هیچ پیشنهادی قابل بحث و یا اخذ رای نخواهد بود، مگر آنکه رسماً " تقدیم و تاء، پدید شود، بهتر است هر پیشنهادی بنفسه واضح و کامل باشد.

۲- پیشنهاد اصلاحی: در صورتی که در حین بحث اطراف يك پیشنهاد یکی از اعضاء پیشنهادی ارائه دهد که در جهت بهبود و تکامل پیشنهاد مطروحه باشد به این پیشنهاد اصطلاحاً " پیشنهاد اصلاحی گفته می‌شود. ناظم جلسه موظف است پس از طرح پیشنهاد اصلاحی نسبت به آن تاء، پدید بگیرد و در صورت تاء، پدید شدن، در اطراف این پیشنهاد مثل پیشنهاد اصلی بحث شده و در نهایت ابتدا برای پیشنهاد اصلاحی اعلام رای می‌شود و در صورت تصویب پیشنهاد اصلی منتفی است و در صورت رد شدن پیشنهاد اصلاحی پس از اكمال شور و مشورت در مورد پیشنهاد اصلی رای گرفته خواهد شد، باید توجه داشت که پیشنهاد اصلاحی مربوط به موضوع و در جهت پیشنهاد اصلی باشد.

۳- برای اینکه از وقت محدود جلسه حداکثر استفاده شود لازم است اعضاء اولاً " نظرات خود را بسیار خلاصه مطرح نمایند و در ثانی از بیان مطالب تکراری خود داری نمایند.

۴- مخالف و موافق با رعایت نوبت و اجازه از رئیس جلسه صحبت میکنند و رعایت اصول روحانی مشورت را از نظر ملائمت در گفتار و ادب در کلام و صراحت در بیان و عدم تکدر از مقاومت دیگران در نهایت روحانیت و بی غرضی و بی نظری و آزادی می‌نمایند.

۵- رئیس جلسه به همان اندازه اعضاء محفل یا انجمن شور حقیق ابدای را ی دارد، مضافاً " بر اینکه حتی الامکان بعد از سائترین بایستی صحبت کند و بیان نظر خود نماید.

۶- بحث درباره، هر موضوع موقعی خاتمه می‌یابد که اعضاء در ختم مذاکرات توافق نمایند منظور از این روش آنست که همه، اعضاء فرصت کاملی برای اظهار نظر داشته باشند. پیشنهاد ختم مذاکرات نیست مانند هر پیشنهادی بایستی از طرف یکی از اعضاء مطرح و تاء، پدید شود و اتخاذ رای به عمل آید.

۷- در صورتیکه در رأی گیری يك پیشنهاد، افراد مخالف و موافق پیشنهاد، مساوی باشند در مورد آن پیشنهاد مجدداً " بحث خواهد شد و افراد مخالف و موافق صحبت نموده و مجدداً " رای گیری خواهد شد.

۸- مواقعی که چند پیشنهاد شبیه به هم بوده و یا باهم متضاد نباشند و نیز چند طریق مختلف جهت

اجرای امر واحدی پیشنهاد شود و همچنین انتخاب اعضای تشکیلات تابع، باید از طریق رأی نسبی نتیجه‌گیری کرد بدین ترتیب که ناظم باید برای هر پیشنهاد تأیید بگیرد و به ترتیب هر کدام را به مشورت گذارد و سپس رأی‌گیری نماید و تعداد رأی‌ها را یادداشت نماید و در نهایت پیشنهادی که بیشترین رأی را داشته باشد یا در انتخاب تشکیلات تابع افرادی که بیشترین رأی را بیاورند تصویب شده هستند، در مواردیکه دو پیشنهاد ویا دو نفر از اعضای مورد نظر تشکیل تابع، دارای رأی مساوی باشند فقط بین دو پیشنهاد یا دو نفر مجدداً اعلام رأی خواهد شد.

۹- هیچ پیشنهاد مصوبی یعنی هیچ تصمیمی در همان جلسه مورد تجدید نظر نمی‌تواند قرار گیرد، مگر به حکم ضرورت. فی‌المثل در جلسه‌ای تصمیم گرفته می‌شود که یکی از مبلغین را به سفری تبلیغی اعزام نمایند خبر می‌رسد که آن مبلغ فی‌المثل بیمار یا مسافر است در این صورت آن تصمیم خود بخود لغو می‌شود و در صورت لزوم می‌توان درباره آن موضوع در همان جلسه تصمیم دیگری اتخاذ نمود.

۱۰- هر تصمیمی برای همه اعضای محفل چه موافق و چه مخالف چه حاضر چه غایب محترم و اجرائیش ضروری و لازم است و این بدان معنی است که در امر بهائی نمی‌تواند عضو مخالف بگوید من با پیشنهاد یا تصمیم درباره فلان موضوع چون مخالف بودم از اجرای آن تصمیم معافم ویا چون هنگام اخذ تصمیم درباره فلان موضوع در جلسه محفل حاضر نبودم از اجرای آن تصمیم معذورم. بلکه رأی اکثریت بفرموده حضرت عبدالجبار ندای حق است و در امر مبارک و در نظم اداری بهائی اقلیت و اکثریت نداریم همیشه اکثریت بطور مطلق مطرح و هر وقت اکثریت بامری رأی داد بایستی آنها که مخالف بوده‌اند قلباً "لساناً" عمداً تابع تصمیم اکثریت باشند پس اقلیت در امر مبارک مفهومی ندارد.

۱۱- هر تصمیمی ممکن است در جلسه دیگر مورد تجدید نظر قرار گیرد تجدید نظر مانند یک پیشنهاد عادی بایستی تقدیم و تأیید شود که پس از موافقت اکثریت با تجدید نظر در تصمیم قبلی محفل، محفل حق دارد مجدداً نسبت به تصمیم قبلی خود مشورت نماید که نتیجه از سه حال خارج نیست. یا تصمیم قبلی تأیید می‌شود یا رد می‌شود یا اصلاح می‌گردد. ولی اگر اکثریت اعضاء محفل مایل به ورود در تجدید نظر نباشند ادامه مذاکره از طرف هیچیک از اعضاء در اطراف موضوع سزاوار نخواهد بود.

۱۲- در مشورت بهائی رأی ممتنع وجود ندارد. عضو انجمن شور یا محفل روحانی، یا با موضوعی مخالف است یا موافق، نه موافق نه مخالف در امر مبارک نیست، و اصطلاح اداری نه موافق و نه مخالف به کلمه "رأی ممتنع" مطرح می‌شود. این اصطلاح در تمام نظامات غیربهائی نیز وجود دارد.

حضرت بهاء الله می فرمایند:

"... وینبغی لهم ان یكونوا امناء الرحمن بین الامکان و وكلاء الله لمن على الارض کلها و یشاورون فی مصالح العباد لوجه الله كما یشاورون فی امورهم و یختاروا ما هو المختار كذلك حکم ربکم العزیز الغفار".

" کتاب مستطاب اقدس "

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

" آنچه محفل روحانی مصلحت بدانند اگر به من تکلیف کنند مجری می دارم ایدا " توقف ننمایم "

(اصول نظم اداری "

حضرت عبدالبهاء می فرمایند: (ترجمه)

"... بر هر فردی واجب است هیچگونه اقدامی بدون مشورت محفل روحانی ننماید و البته باید قلبا " و روحا " قرار محفل را مطیع و نسبت به آن منقاد باشند تا امور با حسن وجه مرتب و منظم گردد و الا هر شخصی مستقلا " و بر وفق قضاوت خویش عمل خواهد کرد و امیال شخصی خود را متابعت خواهد نمود و سبب ضرر امرالله خواهد گشت "

" نظامات بهائی ص ۵۶ "

حضرت ولی امرالله می فرمایند:

" محافل روحانیه الیوم اس اساس است و محور و مرکز وصایای مقدسه مبارکه... لهذا احبای الهی و اماء الرحمن هر قدر اساس این محافل را محکمتر نمایند و اسباب پیشرفت و تقدمش را بهتر فراهم آرند و وصایای مقدسه سریعتر اجرا شود و نوایای مبارکه زودتر و کاملتر تحقق یابد و جلوه نماید "

" اصول نظم اداری ص ۱۴ "

و نیز می فرمایند:

" یاران باید اعضاء محفل خویش را در تمام امور نمایندگان خویش دانند و امنای الهی محسوب نمایند هر حکمی را محفل صادر نمایند، بدل و جان اجراء نمایند "

" اصول نظم اداری ص ۲۹ "

و نیز می فرمایند:

" عموم یاران چه در داخل و چه در خارج باید محفل روحانی را نماینده خود شمرند و تقویت نمایند و ترویج اجرائاتش را کنند " " و همچنین اعضاء محفل روحانی باید خود را خادم مصالح عموم احباء دانند و مرجع مصالح روحانیه، یاران شمرند " " انتخابات توقیعات مبارکه ص ۵۱ "

حضرت ولی امرالله می فرمایند:

" احباء باید اعتماد وثقه تام به اعضاء محترمیه محفل روحانی خویش داشته باشند و به تعاون و تعاضد قیام کنند و همچنین اعضاء محفل شور باید به مصالح امریه عمومیه ناظر باشند، ترویج مقاصد شخصی ننمایند و ناظر به افکار و امیال و مصالح خویش گردند " " انتخابات توقیعات مبارکه ص ۶۰ "

حضرت ولی امرالله می فرمایند:

"باید افراد بهائی به تمام قوی و در کمال صمیمیت قیام بر نصرت نمایندگان محلی و مرکزی خویش نمایند اطاعت و تمکین قرارهای صادره از آن مراجع عالییه، رسمیه بهائی نمایند و آراء و افکار و تمایلات شخصییه خویش را در ظل اراده و تصمیمات هیئت ممثلین در آورند."

"منتخابات توقیعات مبارکه ص ۸۹"

و نیز می فرمایند:

"۰۰۰ هرگاه موردی پیش آید که کدورتی نسبت به محفل و یا نسبت به اعضای جامعه حاصل گردد، محفل روحانی باید متوجه باشد که مناسباتش با یاران صرفاً از جنبه تشکیلاتی نبوده، بلکه در عین حال به منزله هیئتی است روحانی که باید سجایای ادب و صبر و شکیبائی و خیرخواهی را از خود ظاهر سازد. چه بسا اختلافات که با اعمال قوت و قدرت نمی توان به اصلاح آن موفق شد، بلکه باید به وسیله کشف علت حقیقی تکدر خاطر یاران به علاج پرداخت حضرت عبدالبهاء می فرمایند: "بعضی نفوس طفلند باید تربیت کرد، نادانند باید تعلیم نمود، مریضند باید درمان بخشید."

"نظامات بهائی ص ۷۱"

همچنین می فرمایند:

"۰۰۰ از جهتی حفظ وصیانت امرالله را در امور جزئی و کلی مراعات تام نمایند و از جهتی دیگر اسباب عناد اهل بغضاء نشوند و بر خصومت و عداوت آنان نیفزایند و در مواقع مخصوصه، چشم از عیوب اهل فتور بپوشند و بالعکس معامله نمایند و راه مسامحه پیش گیرند، ولی بیدار و هشیار باشند تا در دام اهل خدعه و تزویر گرفتار نشوند و فریب مغرضین نخورند."

منتخابات توقیعات مبارکه ص ۱۴

و نیز می فرمایند:

"وظایف اعضای محفل امر کردن و تحکم نبوده بلکه مشورت است و آن هم نه تنها مشورت بین خود، بلکه باید هر چه بیشتر ممکن شود، با منتخبین خود نیز مشاوره نمایند و باید صرفاً خود را به منزله وسائلی بدانند که برای معرفی امرالله به طور شایسته و موثر انتخاب شده اند، آنان نباید چنین تصور نمایند که به منزله زینت و زبور هیکل امرالله بوده و فطرتاً از حیث استعداد و بیالیاقست بر دیگران تفوق داشته و یگانه مروجین تعالیم و مبادی امرالله می باشند."

"نظامات بهائی ص ۵۳"

و نیز می فرمایند:

"۰۰۰ با موضوعی که بدان اشاره نموده بودید، این عبد کاملاً موافق بوده و قطعاً و بدون هیچ قید و ملاحظه ای اصل را تا بید می نمایم که اشخاص را نباید به منزله مرکز و یا محوری قرار داد به طوری که جامعه طائف خول آنها باشد، بلکه آنان باید در جمیع احوال مطیع محافل روحانی باشند"

ولوآنکه لیاقت و شایستگی آنان محرز باشد، هر قدر آن جناب و سایر همکاران راجع به این اصل مهم و اساسی

که مربوط به اداره، امور امری است تصریح و تاءکید نمایند، شایسته و رواست."

"نظامات بهائی ص ۸۵"

و نیز می فرمائید:

"مقتضی میدانم خاطر احباء، رابه لزوم قبول بلا شرط هر نوع خدمت و وظیفه ای که نمایندگان یا محافل

ملی به آنان رجوع نمایند متذکر سازم، هرگونه امتناع از قبول خدمات مرجوعه را مذموم میدانم."

نظامات بهائی ص ۱۴

این نکته رابه خوبی می دانیم که امر بهائی آئینی است که بر محبت و وداد تاءکید بسیاری دارد وحتی حب را علت خلقت می داند وبراین اساس است که به انسان ارزش والا داده واورا آنگونه که باید باشدوشایسته است پرورش می دهد و دراین راستاست که اگر نفسی خطائی نماید واشتباهی کند، اورا متذکر داشته و برای هدایتش اقدام می نماید، گرچه این هدایت در قالب تنبیه مطرح می گردد ولی اهدافی بس متعالی در بردارد.

دراین مقال سعی می نمائیم هرچند مختصر به بررسی این تنبیهات و نحوه اعمال هریک بپردازیم.

شایان نکر است که اعمال این تنبیهات منوط به فرهنگ هر کشوری است. چه بسا عملی در کشوری مستوجب نوعی تنبیه و مشابه آن عمل در کشور دیگر مورد اغماض قرار گیرد.

با تا سیس تشکیلات بهائی و رشد و نموآن در زمان حضرت ولی امرالله ۲ تنبیه طرد روحانی و طرد اداری اعمال می شد و سپس بنابه ضرورت تنبیهات دیگری در جامعه اعمال شد که در این مقاله قصد داریم به معرفی هریک از آنها بپردازیم.

طرد روحانی :

۱- هرگاه یکی از افراد مسجل جامعه بهائی از اوامر و نواهی مرکز و مرجع منصوص سرپیچی کند و یا با ناقضین و معاندین امرالله هم عهد وهداستان شود ویا به مخالفت با امرالله قیام کند وعلیه اساس شریعت الله اقداماتی نماید ویا برخلاف عهد و میثاق الهی اظهاراتی کند ودرآن مورد به نصایح و اندازات محفل اعتنا ننماید، مشمول مجازات طرد روحانی می گردد.

تبصره: افراد مسجلی نیز که بنابه میل و تصمیم خود تقاضای حذف نام می نمایند و یا در جرایبید و مطبوعات و سایر وسائل ارتباط جمعی بدون توهین به مقدسات بهائی از امرالله تبری می کنند، چنانچه بعد از حذف نام وتبری با ناقضین و معاندین امرالله هم عهد وهداستان شوند ویا به مخالفت با امرالله قیام کنند وبرعلیه اساس شریعه الله اقداماتی نماید، مشمول مجازات طرد روحانی می گردند.

۲- افراد مسجلی که در جرایبید و مطبوعات و سایر وسائل ارتباط جمعی صریحا " واضحا " تبری نمایند وعلنا " مخالفت کنند وکلمات و عباراتی زشت و نامناسب و توهین آمیز در اعلانات به کار برند، بایید محافل مقدسه روحانیه تحقیق و بررسی نمایند وچنانچه معلوم و مسلم شد که متن اعلان تبری را شخصا " و عالما " و عامدا " تهیه وتنظیم وبه مطبوعات داده اند، اینگونه افراد مشمول مجازات طرد روحانی خواهند شد.

طرد روحانی فرد از جامعه بهائی دارای اثرات و عواقب شدید روحانی و معنوی است. لذا بایید در نهایت دقت و مراقبت وپس از مطالعه و بررسی کامل انجام گیرد زیرا پس از طرد روحانی جامعه بهائی فردی را که مشمول این مجازات شده به هیچوجه بهائی نمی شناسد واورا در ردیف ناقضین عهد و میثاق الهی به شمار می آورد و سلام وکلام و معاشرت با وی را حتی از طرف خویشان و اقربا جائز نمی داند و شخص معاشر با طرد روحانی هم پس از رسیدگی و تحقیق وثبوت تخلف و عدم توبه به نصایح و اندازات محفل روحانسی

مشمول مجازات طرد روحانی خواهد شد. اعمال مجازات طرد روحانی دربارهٔ افراد مشمول بند ۱ و تبصره ذیل آن و رفع طرد آنان از اختیارات عصبه انتمابیه بر مبنای پیشنهاد محفل ملی و تصویب نهائی بیت العدل اعظم الهی است. اعمال مجازات طرد روحانی دربارهٔ افراد مشمول بند ۲ و رفع طرد آنان از اختیارات مفوضه به محفل مقدس روحانی ملی است.

تبری:

اگر فرد مسجلی به طریقی از قبیل اعلان در جرائد و سایر وسائل جمعی و... نسبت خود را از امرالله قطع و به عبارتی تبری نماید، متبری از امرالله محسوب می‌شود، این در حالیست که نمایح محفل روحانی را نپذیرد و حاضر به جبران مافات نگردد.

طرد اداری:

مجازات طرد اداری دربارهٔ فرد مسجلی اعمال می‌شود که عامل به مناهی و نواهی گردد یا عدم اطاعت خود را به آراء محافل روحانیه، عملاً " نشان دهد و به تذکرات و اندازات محفل روحانی محل و محفل روحانی ملی واقعی نهد و به جبران مافات اقدام نکند. فی المثل کتمان عقیده، تعدد زوجات، عدم رعایت مقررات ازدواج و طلاق بهائی، عدم پرداخت نفقه، شرب مسکرات، تمرد از آراء نهائی صادره از محفل مقدس روحانی ملی علت طرد اداری فرد بهائی می‌شود. مطرود اداری از حقوق اداری بهائی مانند شرکت در انتخابات، عضویت محافل روحانیه و لجنات امریه، حضور در جلسات ضیافات و تقدیم تبرعات محروم است. به فرمودهٔ هیکل مبارک:

" طرد اداری باعث اخراج قطعی فرد از جامعهٔ بهائی نمی‌شود و ایمان قلبی او را از وی سلب نمی‌کند و صرفاً " جنبهٔ مجازات دارد و مطرود اداری می‌تواند با جبران مافات، حقوق اداری و اجتماعی خود را مجدداً کسب کند. بنابراین مطرود اداری میتواند خود را مؤمن بهائی بداند و فرائض دینی را به جای آورد. ولیکن از حقوق و تکالیف اداری بهائی محروم است."

اعمال مجازات طرد اداری که به پیشنهاد محافل روحانیه محلیه انجام می‌گیرد از اختیارات مخصوصه محفل مقدس روحانی ملی است. همچنین رفع مجازات از مطرود اداری نیز منوط به تصمیم و تصویب محفل مقدس روحانی ملی است.

حذف نام:

فرد بهائی در ۲ نوبت نامش در دفاتر سجلات امری ثبت می‌گردد که یکی در مرحلهٔ کودکی و با عنوان ثبت موالید است که به وسیلهٔ اولیا، طفل انجام می‌شود و دیگری در سن ۱۶ سالگی و به تقاضای خود فرد صورت می‌پذیرد و از آن پس نامش به طور رسمی در دفتر سجلات ثبت شده و به عنوان بهائی مسجل شناخته خواهد شد، حال اگر فرد مسجلی به هر علت تقاضا نماید که نامش از دفتر سجلات امری حذف گردد و تقاضای خود را کتبا " به محفل روحانی محل تسلیم نماید، محفل روحانی پس از تحقیق و بررسی علت تقاضای حذف

نام و ملاقات و ومذاکره با او، ضمن اظهار نظر، تقاضای او را در جهت اخذ تصمیم نهائی، طی گزارشی به محفل مقدس روحانی ملی تقدیم می‌دارد. سپس محفل روحانی ملی پس از مطالعه و بررسی دستور مقتضی راجع به حذف نام این فرد را از جامعه صادر می‌نماید و دیگر او را بهائی نمی‌شناسد.

تصویب حذف نام افراد و قبول و اعاده، مجدد آنان به جامعه از اختیارات مخصوصه محفل مقدس روحانی ملی است. حذف نام افراد باید به طرق مقتضی به یاران محل تسجیل و محل سکونت آنان ابلاغ شود لازم به ذکر است که اگر در طول بررسی مشخص شود که فرد مزبور مرتکب خطائی شده و قبل از آنکه مورد تنبیه قرار گیرد، تقاضای حذف نام نموده است، ابتدا به خاطر آن خطا مشمول حکم مربوطه شده سپس تقاضای حذف نام و پذیرفته شده و به جامعه ابلاغ می‌گردد.

سلب نسبت :

اگر فردی از افراد جامعه به علت عدم تمسک به اوامر الهیه و ارتکاب اعمال منافی شئون امریه، مانند شرب افیون، مداخله در امور سیاسی و غیره لیاقت انتساب به جامعه را نداشته باشد و تذکرات محفل محل و عصبه انتصابیه نیز مفید و موثر واقع نگردد ولو شخصاً " تقاضای حذف نام نکند، محفل مقدس روحانی ملی بر اساس گزارش واصله از دو عصبه و تحقیقات کامله، از فرد مزبور سلب نسبت نموده نام او را از دفتر سجلات بهائی حذف و مراتب را به خود او و جامعه اعلام می‌نماید. با اینگونه نفوس نیز در صورتیکه با معاندین و ناقضین امرالله مرتبط نشده و به مخالفت و اعتراض قیام ننمایند، سلام و کلام جائز است ولیکن از کلیه حقوق و مزایا و تکالیف عضویت در جامعه، بهائی محروم خواهند بود.

عدم انتساب :

علاوه بر تنبیهات فوق که درباره، احبای مسجل انجام می‌پذیرد، ممکن است که بعضی افراد غیر مسجل نیز بهائی قلمداد شوند که در این مورد در صورت لزوم عدم انتساب آنان به امر، به جامعه اعلام می‌گردد.

برائت :

اگر فردی بنا به گزارشات واصله و تحقیقات انجام شده مستوجب حکمی گردد و این حکم به جامعه ابلاغ شود و پس از آن مشخص گردد که اشتباهی صورت پذیرفته و این امر ثابت گردد، با عنوان برائت یعنی پاک‌سازی از آن خطا به جامعه معرفی شده و به نحو مقتضی از آن فرد دلجوئی می‌گردد.

تذکرات :

تذکر ۱: اعمال مجازات و تنبیهات باید به کمال دقت و مراقبت انجام گیرد و کاملاً مواظبت شود که حقوق افراد جامعه در نتیجه عجله و شتاب تضییع نگردد.

تذکر ۲: در کلیه مواردی که پیشنهاد تنبیه و طرد فرد مسجلی به محفل روحانی ملی می‌شود (به استثنای خاطیان در امر ازدواج، محافل مقدسه روحانیه محلیه باید قبل از ارجاع موضوع به محفل روحانی

ملی و پینشهاد مجازات، مراتب را به عضو محترم هیئت معاونت مسئول منطقه اطلاع دهند تا او هم با فرد مورد نظر ملاقات و نصیحت و دلالت و انذار نماید و چنانچه ملاقات و نصیحت مؤثر واقع نشد، نتیجه ملاقات و اقدامات و نظریه خود را به محفل روحانی ملی ارسال و از عضو هیات معاونت نیز تقاضا گردد که راپرت خود را مستقلاً مرقوم و از طریق هیئت مشاورین به محفل ملی ارسال دارند.

تذکر ۳: محافل روحانیه محلیه باید از افرادی که به علت دخالت در امور سیاسی مشمول مجازات می‌شوند مراقبت کامل نمایند تا چنانچه اینگونه افراد باعث تخدیش اذهان و گمراهی سایر یاران شوند به محفل روحانی ملی گزارش دهند تا بررسی و تصمیم مقتضی اتخاذ شود.

تذکر ۴: اسامی مطرودین روحانی به کلیه افراد جامعه اعلام می‌گردد ولیکن افرادی که مشمول سایر مجازاتها می‌گردند، در حال حاضر فقط به جامعه، محل سکونت شخص خاطی و محل تسجیل وی اعلام می‌شوند.

تذکر ۵: جز با مطرودین روحانی، سلام و کلام و معاشرت با افرادی که مشمول سایر مجازاتها شده‌اند جائز است. نکته‌ای که می‌بایست بسیار مورد عنایت قرار گیرد، آن است که با توجه به این امر که اعمال این تنبیهات خود از مراحل روحانی است و هدفش نجات افراد از معاصی و خطایای بشری و حفظ و صیانت امر الهی می‌باشد، اعمالش از سوی محافل به سختی و با تأمل و تدبیر صورت می‌پذیرد و اصول اخلاقی صداقت و خلوص نیت در آن بسیار دخیل است و به همین سبب برای جلب تاءبیدات همواره اینگونه امور نیاز به ادعیه فراوان دارد تا به نحو احسن و مطلوب انجام پذیرد و کوچکترین اشتباهی صورت نگیرد.

در این بخش به مطالعه مقاله‌ای در مورد طرد روحانی به قلم جناب هوشمند فتح اعظم از اعضای محترم بیت العدل اعظم الهی می‌پردازیم که ما را بیش از پیش با نیت روحانی اجرای شدیدترین نوع تنبیه آشنا می‌سازد.

"مقاله جناب هوشمند فتح اعظم در مورد "طرد روحانی"

هنگام بهار که باغ از شکوفه ببار است اگر گلی بریزد و شاخه بشکند غمگین می شویم که افسوس افسوس بر نیآورده به در رفت و ثمری نداده بی اثر ماند وای از آنوقت که در این بهار روحانی از شجره، طیبیه الهیه غمغمی بشکند و "حطب اکبر" گردد و گلی بیفسرد و رنگ و بوی قدیمش هم از نظر رود اهل حقیقت را این محرومی همگان چنان گران بیاید که اگر خون از دیده ببارند، جبران غم پنهانشان رانکند.

امروز در سراسر عالم بهائی معدودی قلیل هستند که خود را از ظل ممدود میثاق بیرون کشیدند و اگر هم باهل نفاق نپیوستند، از اصحاب شقاق محسوب گشتند. لہذا از جامعه، بهائی منفصل و مطرود شدند و در این معامله گاهی از آشنایان بهائیان یا خویشان غیر موءمن ایشان سخنانی شنیده می شود سراسر پریشان و بمراد بدانندیشان. مثلا "می گویند چگونه دیانتی که مقصد اعلایش ایجاد وحدت یگانگی بین بشر است. اینچنین پیوند خویشی را می گسند و برادر را با برادر بیگانه می سازد و یا میگویند فلان کس که در نظر من مطرود است بسیار صاحب فضیلت است و بر فلان که بهائی است از جهات امانت و صداقت برتری دارد. نظیر این سفسطه همیشه از سوء نیت نیست. بیشتر از روی غفلت است و اگرچه توضیح واضح است. شاید بحث در آن خالی از فایدها نباشد.

اهل انصاف را تردیدی نیست که اهل بها مدت يك قرن است که خیرخواهی و محبت حقیقی خود را نسبت به عالم انسانی ظاهر ساخته اند و در سبیل صلح و آشتی بتوفیقاتی عظیمه رسیده اند. به حدیکه در آن ایام که اهل ادیان مختلف بخون هم تشنه بودند چون از این چشمه محبت نوشیدند از کینه دیرینه دست کشیدند و بهم پیوستند و امروز که اجناس و ملل عالم شمشیر بر سر هم آخته اند. بهائیان که خود را اهل يك وطن و يك عائله می دانند و بجان می کوشند. تا هم نوعان خود را نیز بیدار کنند و باریک دارد برگه يك شاخسار سازند.

حال باید دید که این جامعه عمومی بهائی مرکب از ۳۲ نژاد و منتشر در دو بیست مملکت* که بیگانگی نمی شناسند و بهائی و غیر بهائی را یکسان و برادر می شمارند از چه سبب از معدودی انگشت شمار بریده و ایشان را به حال خود گذاشته است. جواب این سوال در لطیفه، میثاق مکنون است.

قبلا "باید گفت آنچه برای يك بهائی اهمیت دارد بقا و ادامه و ترقی و تقدم امر اعظم است زیرا يك بهائی می بیند که اگر این امر مبارك انکار گردد از نظر وی هیچ امر دیگری اثبات نتواند شد. ملاحظه بکنید که اگر از امر الله صرف نظر شود دیگر حیات کوتاه او را نه بقائی می ماند و نه لذتی، نه فائده ای و نه غایتی. او نیز دریا، س و حرمان سایر افراد انسان شريك گردد و عمری را بهذبیان بگذارند و در عین خسران جان بسپارد.

از نظر اجتماعی نیز ملاحظه می کند که هر چه و مرج عالم کنونی که به شهادت معاصرین از اهل علم و فلسفه ناشی از بی دینی است عنقریب منجر به زوال و اضمحلال تمدن مادی عالم می گردد و اگر تعالیم جامع الاطراف بهائی

* این آمار مربوط به سال نگارش مقاله می باشد.

که روح این عصر است نباشد امیدی دیگر به مدنیت آینده عالم نتوان داشت. این نکات بوده است که هزاران شهید را بآن شور و انجذاب به ترك جان و مال به کمال اشتعال وا داشته. از نظریهائی چون پای ایمان بمیان آید، ترك جان هم آسان است تاچه رسد به خانمان.

حال چنین امر اعظمی که گذشته از اینکه مظهر تقدیس و روحانیت باشد، لزوم ذاتی حیات است، باقی نمی ماند مگر در سایه عهد و میثاق. امری است مسلم و مشهود که اگر میثاق غلیظ الهی نبود، اگر مرجع روحانی اهل بها باکمان صراحت و وضوح معین نمی شد، امروز نشانی از این امر بین ما نمی ماند مگر در کتب تاریخ و در زمره اساطیر اولین. فوراً " بعد از غروب شمس ابهی در عالم ادنی و پس از طیران مرکز میثاق بعالم بقاء امرالله ملعبه طالبان ریاست و ارباب ریاست می گشت و جمیع زحمات گذشته به هدر میرفت و معاذالله حبس و شهادت حضرت اعلی و مسجونیت حضرت بهاء الله و مظلومیت حضرت عبدالبهاء و شهادت هزاران نفس پاک بکلی امری باطل و بی نتیجه می ماند.

بوقایع بعد از صعود حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء نظر فرمائید. طوفانهای شدیدی را که برهیکل امرالله وارد گشت بخاطر آورد و انصاف دهید که این کشتی نجات از آن ورطه ها چگونه بیرون می آمد اگر ناخدا نشی برای ما نمی گذاشت. این تشکیلات متین چگونه استوار می شد کنفرانسهای امریه از کجا بظهور می پیوست این نقشه های متنوعه تبلیغی را چه کسی تدارک می کرد این نهضت ها و حرکت هائی که بتوجه و عنایت حضرت ولی امرالله هر روز درهیکل جامعه پدید می آمد و ولوله در شرق و غرب می اندازد از چه معری ظاهر می گشت؟ این است که ما یقین مبین داریم که اگر جان مسیحائی میثاق نبود امروز ما مرده صد ساله بودیم. " حمدا " لمن سان هیکل ارمه بدرع الميثاق " از این جهت است که در نظر اهل بهاء هر گناهی را جبران توان کرد مگر آن را که سبب تضعیف قوه میثاق شود. زیرا خواننده ایم که حصن متین امرالله باطاعت من هوولی امرالله محفوظ و مصون ماند و اگر این میثاق رصین متزلزل گردد در بند نقش ایوان از چه باید بود. بلی اگر کسی بنام بهائی مشهور باشد و مثلاً " در امانت و صداقت و عفت و عصمت مسامحه نماید بسیار برای امرالله مضر است. اما ضررش موقت است. محدود است. جبران پذیر است. اما اگر کسی امین و صادق و خلیق باشد ولی کاری کند که ریشه شجره امرالله را ضعیف نماید، یعنی اصل میثاق را سست کند، ذنبی است لایغفر و اهمال اگر شد، ضرر امرالله است که اغماض سبب پژمردن گل و شکوفه و برگ و بار آن شجر است و در هر حال جزء را فدای کل کردن شرط عقل و حکمت و از مقتضای رحم و شفقت است. آنچه مهم است اطاعت از مرکز میثاق، از ملاح قدس است که باید کشتی نجات ما را از هزار ورطه برهاند و به ساحل سعادت کبری برساند. بیان مثالی شاید در این مقال مفید افتد. فرض کنید در مملکتی که در بیدار استبداد می سسوزد، نهضتی عمومی ظاهر شود تا اساس قدیم را برهم زند و طرحی نو در اندازه که ملک و مملکت را از جور و ظلم و مذلت آسوده سازد. حال تصور فرمائید شخصی را از اهالی که در نهایت نیکنمایی و پاک طینتی است و ملجاء فقر است و ماء من ضعفاء اگر در این گیرودار که مشروطه خواهی یگانه مطلب و منتهی آمال آن قوم است، چنین نفس مبارکی ولو باشتباه کاری کند یا سخنی بگوید که مخالف مقصد اقصای مردم باشد و در حصول آمال عمومی

تعویقی اندازد چه وضعی خواهد یافت؟ آیا کمالات و فضائل در این مورد بکار می‌آید یا حسنات قدیمش این غفلت و خطای جدید را جبران می‌کند؟ بدیهی است که اگر او را بدار نیاویزند لا اقل از مملکت بیرونش می‌کنند و به تبعید ابدی محکومش می‌سازند زیرا دانسته‌ها ندانسته بامری که برای مردم و مملکت حیاتی و اساسی است خیانت کرده‌است و در همان حال که چنین فرشته مجسمی را ناچار از مملکت بیرون می‌کنند در میان آن جامعه قاطع الطریق وجود دارد، دزد وجود دارد، فاسق و فاجر هم موجود است اما هیچ کس سؤال نمی‌نماید که چرا آن بدکاران چون آن متقی پرهیزکار بطعن و لعن عمومی دچار نمی‌شوند، زیرا معلوم است ضرر موقت است و محدود و اشتباه آن یک ابدی و عمومی است طرد روحانی در امر مبارک بهائی چنین است و این مآل پرمسائل شامل حال نفوسی است که از اهمیت عهد و میثاق الهی غفلت می‌کنند و غفلت از این موهبت نتیجه‌اش قطع شریان حیات جامعه‌است. از این روی غفران در مورد اینان جایز نیست و این است که جامعه، بهائی چنین اشخاصی را در هر رتبه و مقام و دارای هر کمال و فضیلتی که باشند از خود می‌رانند و بحال ایشان می‌گیرند که چنان خود را محروم کرده‌اند.

معامله، بهائی با این بیچارگان دشمنی و کینه و بدخواهی نیست فقط بی اعتنائی و ترك مراد است و اجتناب از ایشان حکایت اجتناب از مجذوم است. زیرا فی الواقع بفرموده حضرت عبدالبهاء مرض نقص چون جذام است اگر فوراً "علاج نشود متدرجا" در هیکل جامعه تاثیر می‌کند و آن را منفور و کریه می‌کند برای حفظ جامعه است که مبتلا به جذام را از خود می‌رانند شاید این مجزوم از عزیزان ما باشد، جز و عاقله ما باشد اما چاره چیست؟ مجذوم است به حالش گریه می‌کنیم، درباره‌اش دعا می‌نمائیم، شفایش را درآه سحر و دعای نیمه شب میطلبیم اما از او اجتناب می‌کنیم زیرا مجذوم است. الحمدلله وظیفه بهائی در جمیع موارد در آیات الهیه مصرح است. اهل‌بهاء لسان به سب و لعن احدی نمی‌کشایند چه که نهی عظیم است در کتاب. اهل‌بها اجر احدی را ضایع نمی‌کنند و حسنات هیچ کس را انکار نمی‌نمایند. فقط در قبال غفلت، در قبال این جذام - زدگان در قبال این غفلت همگی دعا می‌کنند که ان شاء الله به عنایت الهی و فضل و رحمت نامتناهی خود ایشان و هر دو به حسن خاتمه موفق گردند که حسن خاتمه مجهول است. مجهول است.

قافله سالار بندگی صفحات ۱۲۱ - ۱۵۵

۰۰ از اعظم اهداف عظیمه ، بین المللی که در این سنین اخیره قرن حاضر باید مطمح نظر ۰۰۰ یاران و یاوران جمال رحمن باشد همانا بنای طبقات مستظله در ظل مقام اعلی و ساختن ابنیه ، مجلله ، فخمیه ، بدیعیه در جوار پرانوار آن مقام مقدس در جبل کرمل است که تمهیدات اولیه اش به دست توانای مرکز میثاق حضرت عبدالبهاء ، تحقق یافت و مقدماتش به اراده و قیادت ولی عزیز امرالله مرتفع گردید و امروز اهل بهاء ، بر اتمام و اکمالش همت گمارده اند ۰۰۰ جمالقدم جل ذکرة و ثنائیه در لوح مقدس کرمل که منشور موءسسات ارض اقدس است به دو تا ، سیس عظیم و خطیر در مرکز جهان بهائی بشارت و اشارت فرموده که یکی روحانی و دیگری اداری است ، با انتقال عرش حضرت نقطه ، اولی به کوه کرمل اساس مرکز روحانی اهل بهاء ، که در لوح کرمل به " مدینه ، الله التي نزلت مسن السماء " تعبیر گشته در ظل قبله ، اهل بهاء ، استقرار و اکمال پذیرفت و چندی بعد حضرت ولی عزیز امرالهی پس از انقضا ، یکصد سال از اظهار امر خفی جمال مبارک در سیاهچال طهران به اتمام آن بنای سرمدی الاثار به کمال جلال و اتقان پرداخته بشارتش را به اهل بهاء ، اعلان و ابلاغ فرمودند .

اما مرکز اداری که در آن لوح مبارک به جریان سفینه الله برکوه کرمل تعبیر گشته تا ، سیس قدم به قدم و مرحله به مرحله در ظل هدایت حضرت ولی عزیز امرالله صورت گرفت ، بعد از استقرار مرقد خانم اهل بهاء ، حضرت ورقه ، علیا و رمس حضرت غصن اطهر و آسیه خانم والده حضرت عبدالبهاء ، در جوار مقام حضرت نقطه ، اولی مقدر فرمودند که در حول قوسی مشرف بر آن مراقد منوره تا ، سیسات مجلله متفرعات مرکز اداری جهانی بهائی ساخته شود و در اواخر حیات مبارکش به بنای دارالاثار بین المللی مباشرت و به ابنیه ، دیگر حول آن قوس اشاره فرموده قوله الاحلی :

" ۰۰۰ این ابنیه ، جلیله ، سامیه که به طرزی زیبا و هندسه ای بدیع متدرجا " در حول این مزاقسد تا ، سیس خواهد یافت کل از متفرعات این مرکز اداری عظیم الشان ثابت الارکان عظیم الاتساع پیروان امر مالک الابداع و ملیک الاختراع محسوب و این مرکز اداری جامعه ، بهائیان عالم بنفسه محور تا ، سیسات نظم بدیع آن محیی رم ۰۰۰ و مرجع اعلا پیروان امر اتم اکرم و محل انعکاس و معرض تجلیات عرش مصور ممبر آفاق عالم و منبع مدنیت الهیه که اعلی و ابهی ثمره ، امر اسم اعظم است و در عصر ثالث ذهبی دور بهائی و در ادوار آتیه ، اثراتش کاملاً " پدیدار و فیوضاتش چون سیل جارف منحدر بر عالمیان خواهد گشت ۰۰۰ ")

پیام شهر الکمال ۱۵۰ بدیع

" تکمیل نهائی این ابنیه ، رفیعیه و مشروعات عظیمه نشانه ، آن است که نظم اداری جهانی الهی که در اواخر عهد رسولی آغاز شده به سرحد رشد و کمال خود واصل گردیده است ، این اقدامات و مشروعات خطیره حتمی الحصول در تاریخ روحانی بشر بینظیر و بادو امر مهم یکی تا ، سیس صلح اصغر در خارج از عالم بهائی و دیگری تکامل موءسسات ملی و محلی در داخل امر مقارن خواهد بود ."

" قسمتی از توفیق منیع مندرج در کتاب اماکن تاریخی بهائی در ارض اقدس ص ۱۴۲ "

بیت العدل اعظم میفرمایند: "رضوان سال دوهزار که زمان خاتمه نقشه چهارساله است، چندین ماه قبل از خاتمه قرن بیستم خواهد بود که در آن زمان عالم بهائی به پیشرفتهای خارق العاده و موفقیتهای خیره کننده که صفحات تاریخ امر حضرت بهاء الله را در عصر پرحادثه ای که حضرت عبدالبهاء آن را "قرن انوار" نامیده اند مزین نموده با دیده تحسین و تمجید خواهد گریست. از اهم آنها موفقیت عظیم اكمال مشروعات جبل کرم خواهد بود که همراه با سایر ابنیه فخیمه بر فراز این کوه مقدس به منزله بناهای یادبودی برای پیشرفتی خواهد بود که نظم اداری بهائی تا آن موقع در عصر تکوین حاصل کرده است. مهمترین اقدام برای ابراز قدرشناسی انشاء الله انعقاد اجتماع عمده ای در مرکز جهانی خواهد بود که به مناسبت اختتام ابنیه قوس و افتتاح عمومی طبقات مقام اعلی ترتیب داده خواهد شد." پیام بیت العدل مورخ رضوان ۱۵۳

این ابنیه مقدسه که بنایش چنین تا ثیرات عظیمه ای را به جای می گذارد متشکل از ۵ ساختمان^۲ می باشد که عبارتند از:

۱- دارالانار:

این بنا که در زمان حضرت ولی عزیز امرالله ساخته شد و تا سیش یکی از اهداف مهمه نقشه دهساله به حساب می آمد "محفظه ابدی و مجلی است که آثار گرانبهای دو موءسس دیانت بهائوسی و همچنین مثل اعلای آئین الهی و گروه مجاهدان و اولیاء و شهدای این امر را در خود جای داده است." ترجمه از کتاب پیامهای مبارک به عالم بهائی ص ۷۴ علاوه بر نگهداری این آثار ترتیبی اتخاذ گردیده که تمامی آثار بدون هرگونه تغییر و یا تبدیلی محفوظ بماند. در حال حاضر به فرموده بیت العدل اعظم:

"تصمیم براین گرفته شد که طبقه تحتانی دارالانار به سمت غرب توسعه یابد تا برای ادارات مرکزی دائم التزاید دارالانار امکانات لازمه برای تمرکز آثار مبارکه را در مرکز جهانی فراهم سازد." پیام منیع ۳۱ اگست ۱۹۸۷

۲- مرکز مطالعه و تحقیق نصوص

نامی که در آثار حضرت ولی امرالله برای این بنا گذارده شده "دارالولایه" و یا "دارالتبیین" است "این ساختمان مقرر موءسس، دانشمندان و محققین بهائی خواهد بود که ثمره، دائره، تحقیق (محلی) در مرکز جهانی است و بیت العدل اعظم را در رجوع به آثار مبارکه مساعدت نموده ترجمه ها و توضیحات آثار منصوص دیانت حضرت بهاء الله را مهیا می سازد." "پیام منیع ۳۱ اگست ۱۹۸۷"

۳- دارالتشریح:

این بنا محل استقرار دائمی بیت العدل اعظم است و در میان ابنیه ای که قرار است بدور قوس ساخته شود اولین بنایی است که بعد از دارالانار به ساخت آن اقدام شد. و مجموع آنها مراکز اداری عالم بهائی را تشکیل خواهد داد. این بنا در سنه ۱۹۷۲ آغاز شد و در سال ۱۹۸۳ دیوان عدل اعظم الهی به آن مقر دائمی انتقال یافت.

۴- دارالتبلیغ :

" مقرر موء سسه‌ای است که بالاخص عهده دار وظیفه، صیانت و ترویج امر حضرت پروردگاری باشد ایسن موء سسه که در آثار حضرت ولی محبوب امرالله مذکور است در ژوئن ۱۹۷۳ - خرداد ۱۳۵۲ تا سپین گردید و مساعی جمیله، حضرات ایادی امرالله مقیم ارض اقدس را به ثمر رساند و امکان توسعه فعالیت‌های آتی محوله برآن هیئت را میسر ساخت . "

" پیام منیع ۳۱ آگست ۱۹۸۷ "

۵- دارالکتب یا کتابخانه، بین‌المللی :

" این کتابخانه مخزن مرکزی کلیه کتب و آثاری است که درباره، دیانت بهائی منتشر گردیده و منبع اساسی اطلاعات را جهت استفاه مشروعات مرکز جهانی در کلیه مواضیع امری و احوال عالم انسانی تشکیل می‌دهد . نطاق و وظایف این مشروع عظیم در طی عقود آتیه اتساع یابد و به‌عنوان مرکزی فعال در تمامی زمینه های علمی خدمت نموده و بدین ترتیب به هسته، مرکزی معاهد عظیمه جهت اکتشافات و تحقیقات علمی مبدل خواهد گردید . "

پیام منیع ۳۱ آگست ۱۹۸۷

۱- این ابنیه که بشارتش در سفر پیدایش (فصل ۹ تا ۶) آمده توسط جناب حسین امانت طراحی شده (به جز قسمت فوقانی دارالانار) و نقشه‌های ایشان مورد تایید بیت العدل اعظم قرار گرفته است .

۲- براساس بیانات حضرت عبدالبها، در کتاب مستطاب مفاوضات ص ۱۶۰ - ۱۵۹ در انسان قوای پنجگانه، جسمانی موجود است که واسطه، ادراک می‌باشد (قوه باصره، سامعه، شامه، ذائقه و لامسه) و همچنین انسان دارای ۵ قوای معنوی است (قوه، متخیله، قوه متفکره، قوه مدرکه، قوه، حافظه و قوه حس مشترک) و بنابه این بیانات نویسنده مقاله‌ای تحت عنوان - The Arc of Mount KARMEL part 1 - G 1215 اماکن مبارکه را با احس مطروحه در بیان مبارک به شرح ذیل مربوط دانسته است . که جهت اطلاع در این صفحات درج می‌گردد .

دارالانار : این بنای مبارک را می‌توان به قوه، حس مشترک تشبیه نمود، زیرا همانطور که حس مشترک ارتباط دهنده، میان قوای محسوسه و قوای روحانی می‌باشد، این بنا نیز قوه، محسوسه، بیننده را با قوای روحانی مرتبط می‌نماید .

مرکز مطالعه، آثار : در واقع این بنا به طور سمبلیک با قوه، متخیله که در کتاب مفاوضات ذکر گردیده برابری می‌نماید، زیرا در آن، آثار مبارکه جهت دستیابی به سطح جدیدی از درک مورد مطالعه قرار می‌گیرد به گونه‌ای که حاصل این مطالعات فهم مطلبی بدع و جدید است و این کاری است که تنها از قوای متخیله برمی‌آید .

دارالتشریح : این بنا در حکم قوای متفکره، جامعه است که هدایت آحاد آن را برعهده دارد . زیرا که مرجع عظیم‌الشان یعنی بیت العدل اعظم به واسطه، استمداد از نیروی الهام الهی و نیز با بهره‌گیری از نتایج حاصل از مطالعات محققین و دانشمندان مستقر در مرکز مطالعه، آثار در موارد خاص بر حسب مقتضیات زمان احکامی را وضع و بیان می‌نماید .

دارالتبلیغ : این موعظه سه فحیمه را می‌توان به قوهء مدرکه تشبیه نمود زیرا که در جهت انجام وظایف خویش یعنی صیانت و ترویج می‌بایست دستورات و اوامر بیت العدل اعظم الهی را به یاران ابلاغ نماید و این امر باید به گونه‌ای صورت پذیرد که هم آن اوامر بوسیلهء تمامی افراد درک شود و هم اختلافی حاصل نگردد و اصولاً " مانع از درک نادرست و اختلافات حاصل از آن گردد. "

دارالکتب : چون این بنا در حکم مخزنی است برای نگهداری اطلاعات می‌توان آن را به قوهء حافظه

تعبیر نمود.

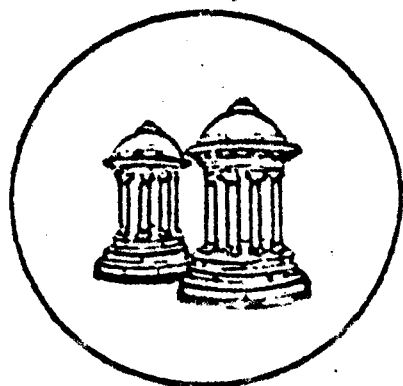
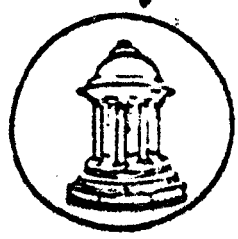
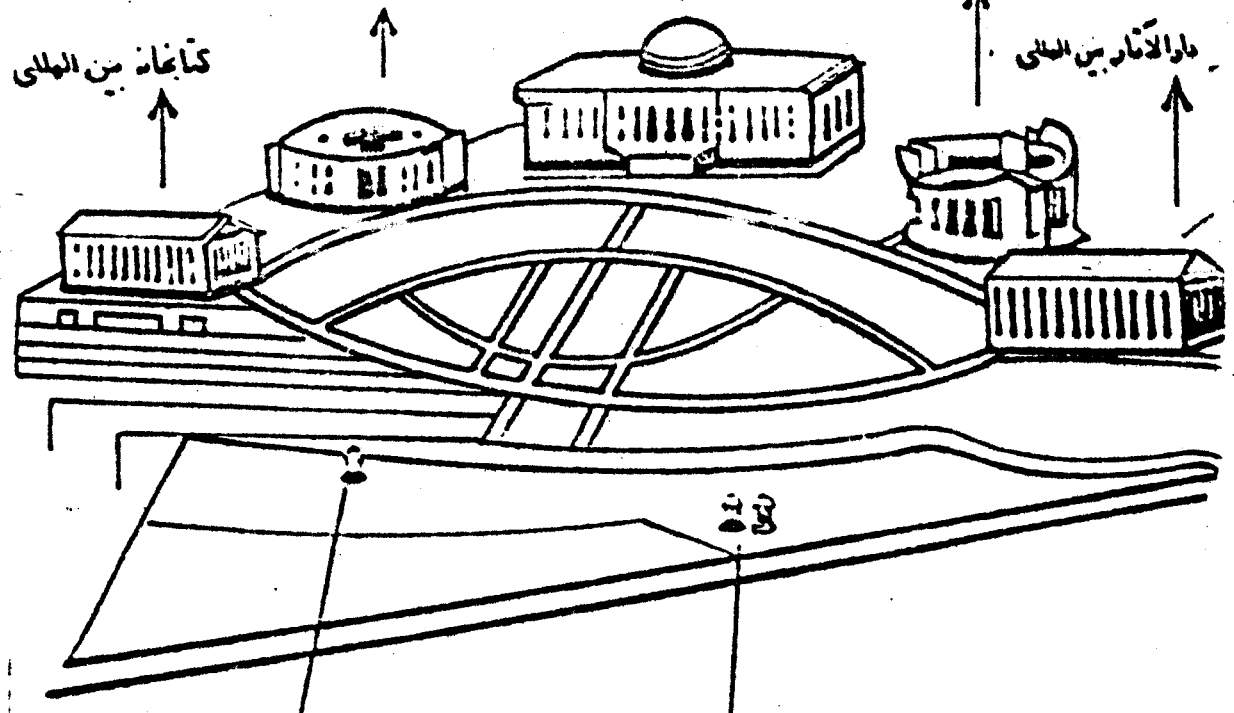
دارالتشريع

دارالبيخ بين المللي

دارالحيق (مركز مطالعه نفوس)

کتابخانه بين المللي

دارالانار بين المللي



مرقد حضرت ورقه مبارکه عليا

مرقد مطهرة غصن اطهر و آسيه خانم